ندای اسلام

فصلنامهٔ فرهنگی- اجتماعی ◆ سال نوزدهم ◆ بهار ۱۳۹۷ ◆ شمارهٔ پیاپی ۷۳ ◆ ۲۰۰۰ تومان

ویژهٔ رمضان

با آثاری از:

علامه ابوالحسن علی ندوی، دکتر یوسف قرضاوی، شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید

مولانا محمدنافع، مفتی محمدقاسم قاسمی، مولوی عبدالحلیم قاضی، مولوی نصیراحمد سیدزاده...

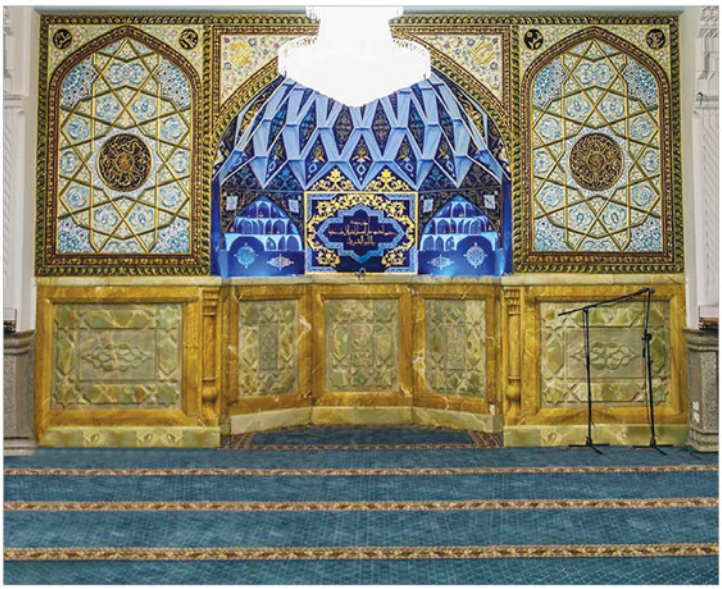

رمضان فرصتی برای تلاوت و تدبّر در قرآن ◆ نماز تهجد و تأثیر آن در سعادت دنیا و آخرت

نماز تراویح در عهد علی مرتضی رضی الله عنه ◆ توصیه‌هایی به حافظان کلام‌الله مجید

رمضان ماه انقلاب، تحوّل و صبر ◆ توصیه‌هایی دربارهٔ سحری و افطار

زکات؛ عبادت مالی و اجتماعی ◆ سیرهٔ علما و سلف صالح در رمضان

رمضان و مدیریت فضای مجازی ◆ برنامهٔ روزانهٔ ماه مبارک رمضان

اعتکاف؛ فضایل و مسائل ◆ رمضان منبع خیر و برکت

ارزش عبادات در اسلام ◆ لیلة‌القدر فضایل و اعمال

دعا و نیایش

خطبه رسول اکرم ﷺ در فضیلت و استقبال ماه رمضان

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ فَقَالَ: «يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ، شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، جَعَلَ اللهُ صِيَامَهُ فَرِيضَةً، وَقِيَامَ لَيْلِهِ تَطَوُّعًا، مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخَصْلَةٍ مِنَ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ، وَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فِيهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ، وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ، وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَشَهْرُ الْمُوَاسَاةِ، وَشَهْرٌ يُزَادُ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ، مَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا كَانَ لَهُ مَغْفِرَةً لِذُنُوبِهِ، وَعِتْقَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ.» قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللهِ، لَيْسَ كُلُّنَا يَجِدُ مَا يُفَطِّرُ الصَّائِمَ. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُعْطِي اللهُ هَذَا الثَّوَابَ مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلَى مَذْقَةِ لَبَنٍ أَوْ تَمْرَةٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ، وَمَنْ أَشْبَعَ صَائِمًا سَقَاهُ اللهُ مِنْ حَوْضِي شَرْبَةً لَا يَظْمَأُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ، وَهُوَ شَهْرٌ أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ، وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَآخِرُهُ عِتْقٌ مِنَ النَّارِ مَنْ خَفَّفَ عَنْ مَمْلُوكِهِ فِيهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ» (رواه البيهقي في شعب الإيمان)

از سلمان فارسی روایت است که در آخرین روز ماه شعبان رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم برای ما خطبه‌ای ایراد فرمودند و در آن بیان داشتند: ای مردم! بر شما ماه با عظمت و با برکتی سایه افکنده است، یک‌شب آن ماه (شب قدر) از هزار ماه بهتر است، خداوند روزهٔ آن ماه را فرض کرده و در شب‌های آن قیام به بارگاه خود (نماز تراویح را) عبادت نفلی مقرر نموده (که ثواب زیاد دارد)، هر شخص در این ماه عبادت نفلی انجام دهد و قصد او حاصل کردن قرب و رضای الهی باشد به اندازهٔ عبادات فرضی دیگر ماه‌ها به او ثواب می‌رسد، و ادای فرض در این ماه به اندازهٔ ثواب هفتاد فرض درَ ماه‌های دیگر است.

این ماه، ماه صبر است و عوض صبر بهشت است، ماه همدردی و مؤاسات است، و این همان ماهی‌ست که در رزق بندگان مؤمن افزوده می‌شود، هرکس در این ماه به شخص روزه‌داری (به قصد حصول ثواب و رضای الهی) افطار دهد، گناهان او مورد مغفرت قرار گرفته و از آتش دوزخ آزاد می‌شود و به اندازهٔ ثواب آن روزه‌دار به او ثواب می‌رسد بدون این‌که از ثواب آن شخص روزه‌دار کاسته شود. عرض شد: یا رسول الله! هریک از ما توانایی افطار دادن را ندارد (پس آیا غربا و مساکین از این ثواب بزرگ محروم می‌شوند؟) آن‌حضرت فرمودند: خداوند این ثواب را به آن کس هم می‌دهد که اندکی شیر و یا فقط آب به روزه‌داری افطار بدهد. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم رشتهٔ کلام را ادامه داده فرمودند و هر کس روزه‌داری را طعام بدهد، او را خداوند متعال از حوض من (کوثر) چنان سیراب خواهد کرد که هرگز تشنگی را احساس نمی‌کند تا آنکه به بهشت می‌رود. (بعد از آن فرمودند:) قسمت اول این ماه رحمت است و قسمت میانی آن مغفرت است و قسمت آخر آن آزادی از آتش دوزخ است. (سپس فرمودند) و هرکس در این ماه در کارهای غلام و خادم تخفیف و کمی کند، خداوند متعال او را مغفرت می‌کند و از آتش دوزخ نجات می‌دهد.

(نعمانی، محمّدمنظور. معارف‌الحدیث. ترجمهٔ عبدالمجید مرادزهی: ج۳/٤، ص٤٤٢)

ندای اسلام

فصلنامهٔ فرهنگی ـ اجتماعی / زیر نظر دارالعلوم زاهدان
سال نوزدهم / شمارهٔ پیاپی ۷۳ / بهار ۱۳۹۷

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: خدارحم لکزایی‌بهادری
سردبیر: محمّدقاسم بنی‌کمال(قاسمی)
دبیران تحریریه:
نصیراحمد سیّدزاده، الله‌داد / ثناءالله شهنواز
محمّد ذاکری‌فر، یعقوب شه‌بخش، عبدالحکیم شه‌بخش
صفحه‌آرا و طراح‌جلد: نورالله زهروزهی(محمّدی)
حروفچین و امور مشترکین: احمد علی‌زهی‌شه‌بخش
لیتوگرافی و چاپ: چاپ فرهنگ زاهدان

عکس روی جلد: محراب مسجد جامع مکی زاهدان

نشانی: زاهدان، خیابان خیام، خیابان توحید، دارالعلوم زاهدان، دفتر مجلهٔ ندای اسلام
صندوق پستی: ۹۸۱۳۵-۱۵۶۱
تلفن: ۰۵۴-۳۳۴۳۹۰۱۷
شمارهٔ پیامک: ۰۹۱۵۱۹۲۶۶۸۲
فاکس: ۰۵۴-۳۳۴۱۹۴۰۰
نشانی اینترنتی:
www.nedayeislam.com
پست الکترونیک:
nedayeislam@gmail.com
@nedayeislammagazine1379

﴿اَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِیناً﴾

امروز دین‌تان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به‌عنوان] دین برای شما پسندیدم.
ـ مائده:۳ ـ

فهرست

- رمضان منبع خیر و برکت ..... / ۲
- توصیه‌هایی مهم برای استفادهٔ بهتر از ماه مبارک رمضان / بیانات شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید ..... / ۴
- ارزش عبادات در اسلام / علامه سید ابوالحسن علی ندوی ..... / ۷
- رمضان ماه انقلاب، تحوّل و صبر / عبدالحلیم قاضی ..... / ۱۰
- رمضان ماه تربیت و حصول تقوا / محمّد ذاکری‌فر ..... / ۱۳
- سیرهٔ علما و سلف صالح در رمضان / محمد نارویی ..... / ۱۶
- توصیه‌هایی به حافظان کلام‌الله مجید / مفتی محمدقاسم بنی‌کمال(قاسمی) ..... / ۱۹
- نمونه‌هایی از تلاوت و تدبر در قرآن در سیرهٔ نبوی و سیرهٔ سلف صالح / علامه سید ابوالحسن علی ندوی ..... / ۲۲
- ماه رمضان فرصتی برای تلاوت و تدبر در قرآن / عبدالرئوف شهنواز ..... / ۲۴
- زکات؛ عبادت مالی و اجتماعی / دکتر یوسف قرضاوی ..... / ۲۷
- زکات و صدقات، اهمیت و احکام / نصیراحمد سیدزاده ..... / ۳۰
- نماز تراویح در عهد خلیفهٔ چهارم علی مرتضی رضی‌الله‌عنه / مولانا محّمدنافع ..... / ۳۵
- نماز تهجد و تأثیر آن در سعادت دنیا و آخرت / دکتر عبیدالله بادپا ..... / ۳۷
- دعا و نیایش / عبداللطیف نارویی ..... / ۴۰
- اعتکاف؛ فضایل و مسائل / عبدالحکیم شه‌بخش ..... / ۴۳
- رمضان و مدیریت فضای مجازی / شاکر رئیسی ..... / ۴۸
- توصیه‌هایی دربارهٔ سحری و افطار / احمد علی‌زهی‌شه‌بخش ..... / ۵۰
- برنامهٔ روزانهٔ ماه مبارک رمضان / عبدالغنی زهری ..... / ۵۲
- لیلة القدر فضایل و اعمال / عبدالرحمن گمشادزهی ..... / ۵۴
- یاد رفتگان ..... / ۵۶

احکام و مسائل

- روزه ..... / ۱۵ و ۱۸
- کفاره ..... / ۲۱
- صدقهٔ فطر ..... / ۲۶
- زکات ..... / ۳۴ و ۴۷
- نماز تراویح ..... / ۳۶

بسم الله الرحمن الرحیم

رمضان منبع خیر و برکت

سردبیر

۱. ماه رمضان فرصتی طلایی و نعمتی بسیار ارزشمند از جانب پروردگار متعال برای ما بندگان است؛ فرصتی برای تزکیه، فرصتی برای توبه و بازگشت به‌سوی الله، فرصتی برای وصل با مولا، فرصتی برای اصلاح و خودسازی، فرصتی برای پاکی و پاکیزگی، فرصتی برای آمادگی برای آخرت و فرصتی برای ملاقات با معبود برحق و مهربان است. از قدیم گفته‌اند: خوشبخت کسی‌ست که فرصت‌ها را بشناسد و از آنها بهره بگیرد. به‌راستی که نشناختن فرصت‌ها و استفاده نکردن از آنها بدبختی و محرومیت بزرگی‌ست.

همچنین رمضان ماه هدایت و ماه نزول قرآن است. ماه تلاوت و دعا، ماه سخاوت و بخشندگی، ماه تحصیل سعادت‌ها و نعمت‌هاست. صالحین گذشته وقتی هلال ماه عید فطر را می‌دیدند و خبر عید را می‌شنیدند، از همان لحظه به انتظار رمضان سال بعد می‌نشستند و وقتی پس از یازده ماه انتظار، رمضان فرامی‌رسید، هر لحظهٔ آن را مغتنم می‌شمردند. هر لحظهٔ آن را چنان می‌گذراندند که گویی در حال سپری کردن آخرین لحظهٔ عمر خود هستند.

رمضانِ آن بزرگواران جبران کمبودی‌های گذشتهٔ زندگی و توشه‌اندوزی برای روزهای آیندهٔ زندگی آخرت بود.

به گفتهٔ حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی، قرآن مجید کلام الهی‌ست و صفت کلام، جامعِ همهٔ صفات الهی‌ست. براین‌اساس کسانی‌که با کلام الهی به‌واسطهٔ کثرت تلاوت و تدبر ارتباط برقرار می‌کنند، قطعاً مورد عنایت خاص پروردگار قرار می‌گیرند. خیرات و برکاتی که در همهٔ ماه‌ها نازل می‌شود، در مقابل آنچه در رمضان نازل می‌شود، مانند قطره در مقابل دریاست. پس این ماه جامعِ هر خیروبرکت است. به‌همین‌خاطر الله تعالیٰ کلام خود را که جامعِ همهٔ صفات است در این ماه نازل کرده است.

بنابراین شایسته است که اهل ایمان بیشترین اوقات خود را پس از ادای فرایض به کتاب الهی اختصاص دهند و از این منبعِ هر خیروبرکت، فیض‌یاب شوند.

۲. ادای نوافل در این ماه خیلی اهمیت دارد. نوافل پس از ادای فرایض بهترین وسیله برای رسیدن به قرب الهی‌اند؛ هر نفل در این ماه معادل فرض محسوب می‌شود.

۳. حضرت رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در این ماه به انفاق و کار خیر خیلی اهتمام می‌کرد، چنانکه در سیرهٔ نبوی آمده است: «کَانَ رَسُولُ اللَّـهِ أَجْوَدَ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ؛ آن‌حضرت در انجام خیر از باد تند نیز پیشی می‌گرفت.»

بنابراین، به‌وسیلهٔ انفاق و رسیدگی به فقرا و

مساکین و تهیهٔ افطاری و سحری برای روزه‌داران و شرکت در کارهای خیر می‌توانیم به بلندای سعادت و اتباع رسول اکرم نایل شویم.

۴. ارتکاب گناه همیشه بد و عواقب آن خطرناك است و به دنیا و آخرت انسان آسیب می‌رساند، اما در این ماه مبارك و پرفیض، بسی خطرناك‌تر و مخرّب‌تر است، نور و معنویتی که با عبادات حاصل می‌شود، با انجام گناه ازبین می‌رود و بی‌اثر می‌گردد و چنانچه یك مسلمان بتواند در این ماه خود را از گناهان دور نگه دارد، امید است که در ماه‌های دیگر نیز از گناهان محفوظ و مصون بماند؛ «من سلم له رمضان سلمت له السنة؛ کسی‌که رمضان او سالم و محفوظ ماند، تمام سال او نیز محفوظ و مصون خواهد گشت.»

۵. رمضان ماه دعا و تضرع و توجه به‌سوی الله است. الله تعالی دعاهای روزه‌داران را اجابت می‌کند و آرزوهای نیک‌شان را تحقق می‌بخشد. بزرگان دین ما همیشه در انتظار فرارسیدن رمضان به‌سر می‌بردند تا حاجت‌های دینی و دنیوی‌شان را در این ماه در پیشگاه الهی عرضه کنند و از الطاف بی‌پایانش بهره جویند.

روزه‌داران عزیز، می‌دانید که شما در این ماه به‌سوی گنج نرفته‌اید، بلکه گنج بی‌کران به درِ خانهٔ شما آمده است. اکنون بر شما لازم است که از این گنج بی‌انتها تا می‌توانید بهره بگیرید، مواظب باشید کم نگذارید. با دیگران رقابت کنید و فرصت را از دست ندهید. آن‌حضرت فرمودند: «فَيَنْظُرُ اللهُ إِلَى تَنَافُسِكُمْ وَيُبَاهِي بِكُمْ مَلَائِكَتَهُ؛ الله تعالی به رقابت شما نگاه می‌کند و به شما نزد فرشتگان افتخار می‌کند.»(مسندالشامیین)

می‌دانید که دو وقت برای قبولیت دعا خیلی مهم‌اند: یکی وقت سحر، دیگری وقت افطار. پس در این دو وقت تا می‌توانید به دعا و تضرع مشغول باشید؛ زیرا ضایع کردن هر لحظه‌ای از این لحظات مبارك، قابل جبران نیست.

در پایان یادآوری می‌کنم که شما درحالی از رمضان امسال استقبال می‌کنید که مسلمانان جهان در میانمار، کشمیر، سوریه، افغانستان، یمن و خیلی جاهای دیگر با بدترین خطرها و مشکلات مواجه‌اند، بسیاری در انتظار مرگ‌اند، آتش بر سرشان می‌بارد و هیچ پناهگاهی ندارند. کودکان و زنان و سالخوردگان بی‌دفاع مورد تهاجم واقع شده‌اند. آیا جز دعا کاری دیگر از من و شما ساخته است؟ حداقل بخشی از دعاهای شب‌وروزتان را به این مسلمانان ستم‌دیده و زجرکشیده اختصاص دهید و این نیز بزرگ‌ترین کمك به آنان است.

یادمان باشد که الله تعالی فرموده: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾(غافر:۶۰) «مرا [به دعا] بخوانید تا برای‌تان اجابت کنم.

چون خدا خواهد که مان یاری کند
میل ما را جانب زاری کند
(مثنوی:۸۱۷/۱)

تو دعا را سخت گیر و می‌شخول
عاقبت برهاندت از دست غول
(همان:۷۵۷/۳)

رحمتم موقوف آن خوش گریه‌هاست
چون گریست از بحر رحمت موج خاست
(همان:۳۷۵/۲)

توصیه‌های مهم شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید برای استفادهٔ بهتر از ماه مبارک رمضان

برنامه‌هایی که باید در رمضان به آنها توجه کرد

رمضان ماه نزول قرآن است. در این ماه تلاوت قرآن باید به‌کثرت انجام گیرد. در حدیث آمده است که حضرت جبرئیل امین علیه‌السلام هرسال در ماه مبارک رمضان قرآن مجید را برای رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم تلاوت می‌کرد و آن‌حضرت استماع می‌فرمود. برای بهره‌گیری بیشتر از برکات ماه رمضان باید قرآن مجید را تلاوت کنیم. ذکر و تسبیح نیز از برنامه‌هایی‌ست که در ماه مبارک رمضان به انجام آنها تأکید شده است.

اعمالی همچون تلاوت قرآن، ذکر، استغفار و پرداخت صدقات ارزش روزه را افزایش می‌دهند. رمضان ماه مواسات و همدردی با مساکین، فقرا و ایتام است. علاوه‌بر پرداخت زکات، صدقات نفلی نیز پرداخت کنید. الله تعالی فرصت ماه مبارک رمضان را به ما عنایت کرده است تا از این فرصت ویژه و استثنایی برای اصلاح و تزکیهٔ خود استفاده کنیم و آن را با خواب و غفلت سپری نکنیم.

اجتناب از گناه مهم‌ترین برنامه و درواقع مکمل روزه است. گناه و معصیت تأثیر روزه را ازبین می‌برد. در حدیث آمده است: اگر کسی در رمضان از گناه پرهیز نکند، الله تعالی هیچ نیازی به روزهٔ او ندارد.

کسی که در یک ماه الله تعالی را بندگی کند و از گناه دوری نماید، یقیناً از تأثیر روزه که رسیدن به تقوا و تزکیه است، برخوردار می‌شود. عبادت و اجتناب از گناه زمینهٔ ایجاد محبت پروردگار را در قلب انسان فراهم می‌کند. محبت الله تعالی در قلب انسانی که گرفتار شرک، کفر، بخل، ریا و... است، ایجاد نمی‌شود.(بیانات جمعه ۱۳۹۶/۳/۱۲)

از همین ابتدای رمضان پایبند اعمال نیک باشیم. منتظر دههٔ آخر رمضان نباشیم. شاید به دههٔ آخر نرسیدیم، ولی اگر رسیدیم، در آن بیشتر عبادت کنیم. این اعمال نیک ذخیره و توشهٔ آخرت ماست. نماز، روزه، زکات، اجتناب از گناهان و کمک و نیکی به مردم توشهٔ آخرت ما خواهد بود. از بهار معنوی رمضان کمال استفاده را ببریم. این ماه، ماه ضیافت الهی‌ست. این روزها روزهای توبه و رجوع الی‌الله است. به‌سوی مساجد بشتابیم و حضورمان در نمازها پررنگ باشد. ما در این ماه از شر شیطان در امان هستیم. الله تعالی زمینه‌ای را فراهم کرده است تا ما بتوانیم با تمام توان او را بندگی کنیم. هراندازه رجوع و طلب ما بیشتر باشد، استفادهٔ ما از معنویت رمضان بیشتر خواهد بود. لذا شیرمردانه و شیرزنانه خدا را عبادت کنید. (بیانات جمعه ۱۳۹۴/۳/۲۹)

رمضان فرصتی برای تجدید حیات معنوی و دینی

رمضان ماه اصلاح و سازندگی انسان‌هاست. سعی کنید به اعمالی‌که در ماه مبارك رمضان انجام می‌دهید، در دیگر ماه‌های سال نیز پایبند باشید. رمضان می‌آید تا ما تجدید حیات معنوی و دینی بکنیم و تزکیه و تطهیر شویم و برای عبادت در تمام روزهای سال روحیه و انرژی معنوی کسب کنیم. بنابراین پس از سپری شدن این ماه نیز ما باید روزه بگیریم، تلاوت بکنیم و به اعمال رمضان ازجمله برخواستن در وقت سحر و خواندن نماز شب که عبادت بندگان صالح و دوستان خداست، مداومت بکنیم. باید حضورمان در مساجد پرشور باشد و همان‌طورکه در رمضان مساجد مملو از جمعیت‌اند و مردم از جاهای دور و نزدیک برای ادای نمازهای فرض و تراویح به مساجد روی می‌آورند، در غیر ماه رمضان نیز این روند ادامه پیدا کند.(بیانات جمعه ۱۳۸۶/۹/۹)

رمضان، ماه مواسات و همدردی

این ماه، ماه پرداخت زکات و صدقات است. ماه مواسات و همدردی‌ست. یکی از حکمت‌های روزه این است که ما با تحمل گرسنگی و تشنگی حال گرسنگان و تشنگان را بهتر درک کنیم. به فقرا و مساکین، خانوادهٔ زندانیان، یتیمان و بیوه‌زنان و انسان‌های بیمار و مساجد و مدارس دینی کمک کنیم. این ماه، ماه خیرات است. آن‌حضرت صلّی‌اللهعلیه‌وسلّم در این ماه باسخاوت‌ترین انسان بود. شما هم در این ماه بیشتر سخاوت کنید. زکات اموال خود را به‌شکل صحیح پرداخت کنید. بیشتر بدهید. حیله‌بازی نکنید و از زیربار زکات و دیگر احکام شریعت شانه خالی نکنید. بزرگان می‌فرمایند که این مال شما قبل از آنکه به دست افراد مستحق برسد، به دست الله تعالی می‌رسد. یقین بدانید که شما مال خود را به یتیمان، مستمندان و انسان‌های مستحق نمی‌دهید، شما اموال خود را به خداوند متعال می‌دهید. همچنین سعی کنید افطاری بدهید که این عمل اجر بسیار بزرگی دارد. توصیهٔ من به زنان و مادرانی که در خانه هستند آن است که افطاری درست کنند و به مساجد بفرستند، همچنین به همسایه‌ها و افراد فقیر و مستمند برسانند.(بیانات جمعه ۱۳۸۹/۵/۲۲)

چه زمانی روزهٔ ما ارزش پیدا می‌کند؟

روزهٔ ماه مبارک رمضان یکی از بهترین برنامه‌های زندگی‌ست. الله تعالی این برنامهٔ سازنده را برای ما ترتیب داده تا ما را بسازد و متحول کند. این گرسنگی و تشنگی رحمتی از جانب پروردگار است. یک ماه به ما فرصت داده شده تا خود را بسازیم. روزه مجموعه‌ای از اعمال است که اگر به‌خوبی انجام شوند، می‌توانند تأثیرگذار باشند و در وجود انسان تحول ایجاد کنند و سبب عفو گناهان گردند.

در ماه رمضان پرخوری نکنیم و هنگام افطار نگاه ما به سفره نباشد، بلکه متوجه دعا و تضرع و زاری باشیم. از خداوند سعادت دنیا و آخرت خود را طلب کنیم. کوشش و تلاش ما این باشد که هرچه بیشتر از رحمت‌های خداوند متعال برخوردار شویم. از ذکر و یاد خدا غافل نشویم. در سحری هم از پرخوری پرهیز کنیم. فقط روزه نگیریم، بلکه علاوه‌بر روزه به تلاوت قرآن و دیگر عبادات نافله پایبند باشیم. در ماه رمضان به‌کثرت استغفار کنیم. در راه خدا با سخاوت خرج کنیم. رسول اکرم صلّی‌اللهعلیه‌وسلّم همیشه سخاوتمند بودند، اما در ماه رمضان بیش از هرزمانی در راه خدا خرج می‌کردند. شما نیز در ماه رمضان بیشتر در راه خدا خرج کنید. زکات مال‌های خود را بپردازید. افطاری بدهید. به یتیم‌ها، بیوه‌ها و خانواده‌های زندانیان رسیدگی کنید و به مدارس و طلاب علوم دینی کمک کنید.

زمانی روزهٔ ما ارزش پیدا می‌کند که همهٔ جوانب را رعایت کنیم. از گناه بپرهیزیم، دروغ نگوییم، غیبت نکنیم، تهمت نزنیم و از سایر گناهان دوری کنیم. زیرا گناه، ثواب روزه را ازبین می‌برد.(بیانات جمعه ۱۳۹۳//۴/۱۳)

اهمیت دعا در ماه مبارک رمضان

در این ماه برای مغفرت گناهان خود دعا کنید. برای خودتان دعا کنید. برای مسلمانانی‌که گرفتارند دعا کنید. برای مسلمانان افغانستان، عراق، فلسطین و مسلمانان ایران دعا کنید. امروز در همه‌جا مسلمانان با مشکل مواجه‌اند. امروز یهود و نصارا در کشورهای مسلمان نفوذ کرده‌اند، اسلام با چالش مواجه است، اینها همه مواردی هستند که ما را به دعا وامی‌دارند. دعا کنید که خداوند حق را پیروز بگرداند و مسلمین را بیدار کند. شما همچنین برای تمام بشریت دعا کنید، دعاهای خود را محدود نکنید و برای هدایت و اصلاح کل بشریت دعا کنید.(بیانات جمعه ۱۳۸۹/۵/۲۲)

مهم‌ترین نکته دربارهٔ ماه مبارک رمضان

مهم‌ترین نکته‌ای‌که می‌خواهم دربارهٔ ماه رمضان بگویم این است که در این ماه، بی‌حال نباشید. این ماه، ماه حال است. وای به حال کسانی‌که ماه رمضان می‌آید و آنها خواب هستند. شب قدر می‌آید و آنها غرق در محبت دنیا هستند. وابستهٔ دنیا و زندگی دنیا هستند. رمضان آمده که این وابستگی‌ها را کاهش دهد. ما باید وابستهٔ خدا و رسول و وابستهٔ بهشت باشیم. وابستگی به الله با ذکر و یاد خدا و توبه و انابت صورت می‌گیرد.

رمضان ماه عزیز و مهمی‌ست. ماهی‌ست که نظیر ندارد. آن‌حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: کسی که در این ماه بدون عذر یک روز را روزه نگیرد، اگر تمام ماه‌های دیگر را روزه بگیرد، پاداش آن یک روز را نمی‌تواند بازیابد، در کنار خانهٔ خدا هم اگر روزه بگیرد، نمی‌تواند جبران کند. دریابید این رحمت‌های استثنایی را و به‌سوی خدا رجوع کنید. عمل صالح انجام دهید و به‌سوی نیکی‌ها بشتابید.

سعی کنید در این ماه این حدیث حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وسلم را مدنظر قرار بدهید که می‌فرمایند: «رُبّ صائم لیس له من صیامه إلا الجوع؛ بسیاری از روزه‌داران هستند که از روزه هیچ حاصلی جز گرسنگی نمی‌برند.» کسی‌که روزه می‌گیرد، اما با مال حرام سحری و افطار می‌کند، مردم‌آزاری می‌کند و گناهان را ترک نمی‌کند، این همان روزه‌داری‌ست که محصول او از روزه جز گرسنگی نیست. (بیانات جمعه ۱۳۸۹/۵/۲۹)

چرا باید روزه بگیریم؟

فلسفهٔ فرضیت روزه آن است که نفس انسان، این بزرگ‌ترین سنگر شیطان نابود شود. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: شما با روزه گرفتن راه شیطان را بر خود ببندید. سدّی که می‌تواند مانع نفوذ شیطان باشد، همین گرسنگی و روزه گرفتن است.

امام غزالی رحمه‌الله می‌فرماید: مراد حدیثی که در آن بیان شده است که شیاطین در ماه رمضان به زنجیر کشیده می‌شوند همین است که آنها نمی‌توانند در این ماه انسان‌ها را فریب دهند. بدون شک هزاران حکمت در گرسنگی وجود دارد. روزه نه تنها بر روح و روان انسان تأثیر می‌گذارد که تأثیر به‌سزایی در اصلاح و هدایت انسان‌ها دارد. روزه از عبادت‌های ارزشمندی‌ست که باعث می‌شود قلب انسان آمادهٔ تدبر در قرآن مجید و زبان انسان برای تلاوت روان گردد.

سعی کنید با نشاط و روحیه و آمادگی به استقبال رمضان بروید. تلاوت و استغفار کنید و برای روزه گرفتن و شب‌بیداری و خواندن نمازهای تراویح که قیام‌اللیل به‌حساب می‌آیند، کاملاً آمادگی حاصل کنید. کمر ببندید و همت‌ها را بلند کنید و بدانید که رمضان ماهی‌ست که در آن اولیای خدا و صاحبانِ حظ و بهره به‌سوی محبوب خود پرواز کرده‌اند و به خدا رسیده‌اند. (بیانات جمعه ۱۳۸۹/۵/۱۵)

نکته‌ای خطاب به حافظان قرآن

یکی از دغدغه‌های بنده این است که بسیاری از حفاظ در نمازهای تراویح تعدیل ارکان را رعایت نمی‌کنند و نماز مردم را ناقص می‌کنند. ما باید نمازی بخوانیم که اجر و ثوابی برای ما در پی داشته باشد. خواندن آیات در نماز باید به‌گونه‌ای باشد که مردم بفهمند چه خوانده می‌شود. حافظی که نماز مردم را ناقص کند، در پیشگاه خدا مسئول است. (بیانات جمعه ۱۳۹۴/۳/۲۹)

ارزش عبادات در اسلام

علامه سید ابوالحسن ندوی

عبادات و ارکان دین، به منزلهٔ سنگ بنیاد در ساختمان کلّ دین هستند؛ به‌همین‌دلیل انسان درخصوص آنها مورد مؤاخذه و محاسبه قرار می‌گیرد، اما بقیهٔ امور (مانند تأسیس حکومت اسلامی و غیره) وسیله‌اند و در درجهٔ دوم قرار دارند

نخستین چیز بعد از اعتقادات از نظر ارزش و اهمیت، عبادات هستند که مورد تأکید عموم نبوت‌ها و رسالت‌ها مخصوصاً نبوت محمدی علی‌صاحبهاالصلاةوالسلام بوده‌اند.

عبادات درواقع اولین هدف آفرینش انسان‌ها و غایت خلقت هستند.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾(ذاریات:۵۶)

ترجمه: «نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای آنکه مرا بپرستند.»

تمام شریعت‌های آسمانی در مشروعیت عبادات و دعوت به آن اتفاق داشته‌اند. البته شریعت اسلامی، کامل‌ترین شکل عبادات را مشروع قرار داده و رسول اکرم صلّی‌اللهعلیه‌وسلّم به آن عشق و علاقهٔ زائدالوصفی نشان داده است.

ده‌ها آیهٔ قرآنی و صدها احادیث نبوی درخصوص تشویق و ترغیب به عبادات و فضایل آن وارد شده که به رقابت و مسابقه در انجام عبادت، تأکید می‌کند و کسانی را که در ادای عبادات، اهتمام می‌ورزند و به کثرت آن را به‌جای می‌آورند، مورد ستایش قرار داده و افراد غافل از آن را نکوهش می‌نماید.

قرآن مجید تصریح می‌کند که جهاد و حکومت، وسیله هستند، اما اقامهٔ نمازها، هدف و غایت است؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾(حج:۴۱)؛

ترجمه: «آنان‌که اگر قدرت دهیم ایشان را در زمین، برپا دارند نماز را و بدهند زکات را، و امر کنند به کار

پسندیده، و باز دارند از کار زشت، و برای خداست انجام کارها.»

اگر نگاهی گذرا به آیات قرآنی بیندازیم به‌وضوح و صراحت می‌بینیم که قرآن مجید بر این مطلب تصریح می‌کند که ارتباط با الله، عبودیت و بندگی و عبادات تعیین‌شده (نماز، روزه، زکات و حج) به‌قدری از یك بنده مطلوب است که نخستین پرسش در روز قیامت دربارهٔ آنها خواهد بود، و کسی‌که آن را ترك نموده یا در انجام آن غفلت ورزیده، مستحق عذاب و شکنجه خواهد شد.

قرآن مجید، گفت‌وگو و مصاحبه با اهل دوزخ را چنین ذکر فرموده است: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ. قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ. وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ. وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ. وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ. حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ﴾(المدثر:۴۲ـ ۴۷)؛

ترجمه: «چه چیز درآورد شما را در دوزخ. گویند نبودیم از نمازگزاران. و نمی‌دادیم غذا را به مسکین و پیوسته با اهل باطل هم‌نشین و هم‌صدا بودیم و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم، تا زمانی‌که مرگ ما فرا رسید.»

در جای دیگری می‌فرماید: ﴿فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى. وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى. ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى﴾(قیامه:۳۱ـ ۳۳)؛

ترجمه: «تصدیق نکرد و نماز نخواند، بلکه تکذیب کرد و رویگردان شد. سپس متکبرانه به‌سوی خانوادهٔ خود رهسپار گشت.»

از آیات بالا صریحاً برمی‌آید که عبادات و ارکان دین، به منزلهٔ سنگِ بنیاد در ساختمان کلّ دین هستند؛ به‌همین‌دلیل انسان درخصوص آنها مورد مؤاخذه و محاسبه قرار می‌گیرد، اما بقیهٔ امور (مانند تأسیس حکومت اسلامی و غیره) وسیله‌اند و در درجهٔ دوم قرار دارند.

روزه و روش پیامبر دربارهٔ آن

روزه در سال دوم هجرت فرض شد و رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم بعد از اینکه ۹ سال در ماه رمضان روزه گرفت، از جهان دیده فرو بست.

روش گرامی آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم دربارهٔ روزه بسیار کامل و وسیلهٔ مفید و مؤثری برای تحصیل هدف روزه [که اصلاح نفس و اظهار عبودیت است] و نیز خیلی سهل و آسان بود.

رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در ماه مبارك رمضان، عبادت‌های مختلفی را به کثرت انجام می‌داد. جبرئیل می‌آمد و قرآن مجید را با آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم دوره می‌کرد. در آن هنگام، رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، به‌قدری جود و سخا می‌فرمود که گویی باد تندِ سخا می‌وزید.

در ماه رمضان عبادت‌هایی انجام می‌داد که در غیر رمضان آنها را انجام نمی‌داد. حتی گاهی مرتباً روزه می‌گرفت (به‌طوری که شب‌ها هم چیزی نمی‌خورد)، اما اصحابش را از روزهٔ وصال [روزه گرفتن به‌طور مرتب] نهی می‌فرمود.

صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم عرض کردند: یا رسول‌الله! شما که روزهٔ وصال می‌گیرید. آن‌حضرت می‌فرمود: من مانند شما نیستم. من در پیشگاه خداوند متعال، شب می‌گذرانم. [یا در روایتی آمده است: روزه می‌گذرانم] درحالی‌که او مرا اطعام می‌کند و می‌نوشاند.

رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم به خوردن سحری تشویق و ترغیب می‌فرمود و آن را برای مسلمانان، سنّت قرار داد.

از حضرت انس‌بن مالك رضی‌الله‌عنه روایت شده است که آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرمود:

«تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِي السَّحُورِ بَرَكَةً؛

ترجمه: سحری بخورید؛ زیرا سحری دارای برکت است.»(بخاری:۱۹۲۳)

و نیز فرمود: «فَصْلُ مَا بَيْنَ صِيَامِنَا وَصِيَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ أَكْلَةُ السَّحَرِ؛

ترجمه: فرق بین روزهٔ ما و روزهٔ اهل کتاب، خوردن سحری است.»(مسلم:۲۶۰۴)

رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم از تأخیر در افطار برحذر می‌داشت و آن را نشانهٔ فساد و علامت متعصبین اهل کتاب می‌دانست.

می‌فرمود: «لاَ يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ؛

ترجمه: مردم مرتباً در خیر و نیکی به‌سر می‌برند، مادامی‌که در افطار شتاب کنند.» (بخاری: ۱۹۵۷)

و نیز می‌فرمود: «لاَ يَزَالُ الدِّينُ ظَاهِرًا مَا عَجَّلَ النَّاسُ الْفِطْرَ لأَنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى يُؤَخِّرُونَ؛

ترجمه: دین درحال غلبه خواهد بود مادامی‌که مردم در افطار تعجیل نمایند؛ زیرا یهود و نصارا در افطار تأخیر می‌کنند.» (سنن ابوداود: ۲۳۵۵)

آن‌حضرت و اصحابش معمولاً سحری را در آخر وقت می‌خوردند و قبل از نماز افطار می‌کردند. با چند دانه خرمای رطب، اگر میسّر می‌شد [اغلب] افطار می‌کردند و اگر آن هم میسر نمی‌شد، آب می‌نوشیدند و هنگام افطار این دعا را می‌خواندند: «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ؛

ترجمه: بارالها! برای تو روزه گرفتم و با رزق تو افطار می‌کنم.» (سنن ابوداود: ۲۳۶۰)

و نیز این کلمات را قرائت می‌فرمود: «ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَثَبَتَ الأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ؛

ترجمه: تشنگی برطرف شد و رگ‌ها تر شد و إن‌شاءالله تعالی اجر ثابت گردید.» (سنن ابوداود: ۲۳۵۹)

در رمضان مبارك مسافرت نیز می‌کرد. گاهی در سفر روزه می‌گرفت و گاهی نمی‌گرفت و به صحابهٔ کرام نیز در مورد روزه در سفر اختیار می‌داد.

البته هنگام جنگ از روزه گرفتن منع می‌فرمود تا بتوانند در مقابل دشمن نیرومند باشند. رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در ماه مبارك رمضان برای مهم‌ترین و بزرگ‌ترین غزوات، بدر و فتح مکه مسافرت کرد.

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم سه‌شب در نماز «تراویح» مردم را امامت کرد، اما همین‌که عموم مردم اطلاع یافتند، جمع شدند و تعدادشان فراوان شد، به‌سوی مردم متوجه شدند و پس از خطبه فرمود: «من از حضور شما بی‌خبر نبودم، ولی بیم آن داشتم که مبادا این نماز بر شما فرض گردد، وانگهی شما از عهدهٔ آن برنیایید.» تا زمان وفات رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم همین حالت بود. اما بعد از وفات آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم به نماز تراویح اهتمام ورزیدند، تا اینکه این نماز، شعار اهل‌سنّت قرار گرفت.

رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم گاهی چنان روزه‌های نفلی می‌گرفت که آدم خیال می‌کرد دیگر مرتباً روزه می‌گیرد و چون روزه ترك می‌کرد، آدم فکر می‌کرد که دیگر روزه نمی‌گیرد.

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم به‌جز ماه مبارك رمضان، هیچ ماه دیگری به‌طور کامل روزه نمی‌گرفت و بیش از بقیهٔ ماه‌ها در ماه شعبان، روزه می‌گرفت.

روزهای دوشنبه و پنج‌شنه به روزه گرفتن اهتمام خاصی می‌کرد. حضرت عبدالله‌بن عباس رضی‌الله‌عنه می‌گوید: در حالت سفر و حضر، ایام بِیض [سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه] را ترك نمی‌کرد و دیگران را به روزه گرفتن در این روزها تشویق می‌کرد.

به روزهٔ عاشورا از میان روزها اهتمام می‌ورزید. چون روز عاشورا روزه گرفت بعضی گفتند: یا رسول الله! یهود و نصارا این روز را بزرگ می‌دارند. آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرمود: سال آینده إن‌شآءالله روز نهم را نیز روزه خواهیم گرفت.

حضرت رسول صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم روز عرفه، روزه نمی‌گرفت. روش رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم این نبود که شب‌وروز مرتباً روزه بگیرند. در روایت صحیح آمده است: «محبوب‌ترین روزه نزد خدا، صوم داود است. او یك روز، روزه می‌گرفت و روز دیگر می‌خورد.»

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم به منزل تشریف می‌برد و از اهل خانه می‌پرسید: «هل عندكم شیء؛ آیا چیزی [برای خوردن] موجود است؟» قالوا: «لا؛ می‌گفتند نه!» می‌فرمود: «إنی صائم؛ پس امروز من روزه‌ام.»

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم دههٔ اخیر ماه رمضان را در اعتکاف به‌سر می‌برد تا اینکه از این جهان، رحلت کرد. یك‌بار، اعتکاف رمضان فوت شد و آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در ماه شوّال، قضای آن را به‌جای آورد. اما در سالی که وفات یافت، بیست روز معتکف بود. جبرئیل علیه‌السلام هر سال یك‌بار، قرآن مجید را با آن حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم دوره می‌کرد، اما در سال وفات، دوبار دوره کرد. ❖

رمضان
ماه انقلاب، تحوّل و صبر

عبدالحلیم قاضی

انسان موجودی غافل و فراموش‌کار است و گاهی که به خود می‌آید و گذشته‌ها را مرور می‌کند، شرمنده می‌شود و متوجه می‌شود که چقدر مرتکب سستی، تنبلی، غفلت، بی‌پروایی و حق‌کشی شده و چه فرصت‌های عالی و باارزشی را از دست داده است. این‌جاست که منتظر فرصتی طلایی می‌ماند تا هم گذشته‌ها را جبران کند و هم راه هزارشبه را یك‌شبه طی کرده، به قله‌های افتخار بندگی و پرهیزگاری صعود نماید، و هم زادِ راه آینده‌های پرپیچ‌وخم را اندوخته نموده، از خسران و ندامت ابدی در امان بماند.

الله ذوالجلال به‌نحواحسن و بیش از انتظار بنده چنین موقعیت و فرصتی را برایش فراهم نموده و چنان راهی را فراروی او گذاشته است که بتواند با پیمودن آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن به قله‌های افتخار بندگی و پرهیزگاری صعود کند. این فرصت، فرصت ماه رمضان است؛ فلسفهٔ فرض شدن روزه در ماه رمضان هم رسیدن به تقوا، دور شدن از رذایل، و زیستن در سایهٔ عبادت، ذکر، تلاوت قرآن، صدقه و نیکی‌ها عنوان شده است. ماه رمضان یکی از بهترین ماه‌های سال است که مناسبت‌های ویژه‌ای در آن قرار دارد. ماه مبارك رمضان، ماه نزول قرآن و دیگر کتب آسمانی است: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾(بقره:۱۸۵)

این ماه، ماه هدایت انسان‌ها به شاهراه نجات‌بخش تقواست، ماه آشکار شدن رحمانیت، رئوفیت و مهربانی و لطف بی‌نهایت الله ربّ‌العزت نسبت‌به بندگان و جهانیان است. ماه تکریم بندگان مخلص و پروانه‌صفت و متمایز ساختن آنان از بندگان متمرّد و سرکش است. به‌خاطر همین اهمیت فوق‌العاده و بی‌نظیرِ این ماه، حضرت سیّدالمرسلین صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه پیشاپیش آمادگی خود را برای استقبال از رمضان و رسیدن به آن آشکار می‌کرد و از الله ذوالجلال متضرّعانه می‌خواست که ماه رجب و شعبان را در حق ایشان مبارك بگرداند و ایشان را به ماه رمضان برساند: «اللهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ، وَشَعْبَانَ، وَبَلِّغْنَا رَمَضَانَ»(مسنداحمد:۲۳۴۶) اهل‌بیت و صحابهٔ آن‌حضرت نیز وقتی سرخوشی و آمادگی ایشان را برای استقبال این ماه می‌دیدند، بیشتر به اهمیت آن پی می‌بردند و به تأسی از رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم با افزایش کمّی و کیفی عبادت و تلاوت قرآن مجید به استقبال ماه رمضان می‌رفتند و در رمضان همه‌تن مشغول استفاده از لحظه‌لحظهٔ این ماه می‌شدند تا بتوانند برای طول سال خود توشهٔ معنوی و روحانی برگیرند.

حال اگر من و شما به دنبال آنیم که گذشته را جبران کنیم، این شما و این سفرهٔ ایمان‌افروز و تقواساز رمضان! بیاییم از آن به‌نحواحسن استفاده کنیم؛ چون روزه برای الله است و پاداشش را خود الله تعالی برعهده گرفته است: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ»(بخاری:۶۹۳۸)

این فرصت طلایی و این هدیهٔ آسمانی را به عبث و کارهای بیهوده و دروغ و غیبت و غیره نگذرانیم وگرنه از رمضان بهره‌ای جز تحمل گرسنگی و تشنگی و خستگی نخواهیم داشت: «رُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلاَّ الْجُوعُ، وَرُبَّ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلاَّ السَّهَرُ؛ بسیارند روزه‌دارانی که از روزه جز گرسنگی و از عبادت شب جز بی‌خوابی بهرهٔ دیگری نمی‌برند.»(ابن‌ماجه:۱۶۹۰)

چگونه از ماه رمضان بهترین بهره را ببریم

لازم است در نخستین قدم در نیّت و اراده و عزم خود جدّی و راسخ باشیم تا بتوانیم از اعمال اندك خود در رمضان بهترین و بیشترین پاداش را ببریم و از خداوند بخواهیم رمضان را بر ما آسان بگرداند تا بتوانیم حلاوت

و شیرینی عبادت را دریابیم. الله عزّوجلّ می‌فرماید: ﴿طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾(محمد:۲۱)؛ «[در ظاهر] فرمان‌برداری و سخن نیك [از آنان نمایان می‌شود] پس چون کاری حتمی شود، اگر با خدا به‌راستی رفتار می‌کردند، برای‌شان بهتر بود.»

در قدم‌های بعدی اگر بتوانیم این کارها را انجام دهیم، امید است بهرهٔ خوبی از ماه مبارک ببریم:

۱. تنظیم برنامهٔ روزانه برای تلاوت قرآن و ذکر و استغفار؛

۲. تراویح را در مسجدی بخوانیم که کل قرآن با صوت زیبا و دلنشینی در نماز تلاوت می‌شود؛

۳. از مجالس دعوت و تبلیغ و ترجمه و تفسیر قرآن و دروس دینی بیشترین استفاده را بکنیم؛

۴. سعی کنیم دیگران را به عبادت و کارهای نیك تشویق کنیم؛

۵. به مطالعهٔ سیرت رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، صحابه و دیگر صالحان همّت بگماریم و همچنین با صالحان و اهل‌دل که مجالست با آنان به ایمان ما می‌افزاید، هم‌نشینی داشته باشیم؛

۶. از مجالس لهو و لعب و مشاهدهٔ سریال‌های تلویزیونی که جز وقت‌کشی و تضییع فرصت‌های رمضان، ثمرهٔ دیگری برای دنیا و آخرت ما ندارند، جداً دوری کنیم و این وقت را به تلاوت قرآن و تدبّر در آن صرف نماییم؛

۷. در انفاق بر مساکین و صدقه بر نیازمندان و کمك به امور دینی مساجد و مدارس و امور خیریهٔ دیگر بسیار کوشا باشیم چون انفاق، مال را افزون و مغفرت، فلاح و رستگاری را برای ما به دنبال دارد؛ چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾(تغابن:۱۷)؛ «اگر به خداوند وام نیکو بدهید آن را برای‌تان دوچندان کند و شما را بیامرزد و خداوند قدرشناس بردبار است.» ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾(تغابن:۱۶)؛ «و کسانی‌که از بخل نفس خویش رهایی یابند آنان رستگارند.»

انفاق و صدقه تمامی غم‌ها و اندوه‌های دنیا و آخرت را از انسان دور می‌کند؛ انسان سخاوتمند در دنیا خوشحال است که نسبت‌به کسی بخل نکرده و پیش قوم و فامیل خود نیز سرخ‌رو و سربلند است و در آخرت نیز کامیاب و سعادت‌مند است، و در صورت بخل از این سعادت محروم می‌شود و هم مالش از دست می‌رود؛ شاعر می‌گوید: «الله أعطاك فابذل من عطيّته/ فالمال عارية و العمر رحال/ المال كالماء أن تحبس سواقيه/ يأسن و إن يجر لعذب منه سلسال»؛ مال را الله‌تعالی به تو داده است پس از آن بخشش کن. مال عاریه است و عمر فانی و گذرا. مال مانند آب است، اگر مجاریش را مسدود کنی، متعفن و غیرقابل استفاده خواهد شد و اگر جاری شود شیرین و گوارا خواهد بود.

گاهی خود انسان فرصت دعا کردن ندارد یا دعا کردن را خوب بلد نیست، با دادن صدقه زبان انسان‌های نیازمند زیادی به دعا کردن برای وی گشوده می‌شود.

پس بیاییم رمضان را با صدقه و خیرات و تلاوت قرآن مجید احیا نماییم تا بهترین‌ها به ما عنایت شود.

۸. دوری از گناهان را سرلوحهٔ برنامه‌های خود در ماه مبارك رمضان قرار دهیم؛ زیرا هیچ‌گاه از مکاید نفس و شیطان در امان نیستیم: ﴿وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾(یوسف:۵۳)؛ «به‌راستی که نفس بدفرماست مگر وقتی که پروردگارم رحمت آورد، همانا پروردگارم آمرزندهٔ مهربان است.»

۹. توبه و استغفار به کثرت؛ توفیق توبه از ویژگی‌های این ماه رحمت است و بهترین صیقل‌دهنده که زنگار گناهان را از قلب می‌زداید، توبه و استغفار است که به قلب جلا و صفا می‌بخشد و در نتیجه می‌توان به راحتی لذّت و حلاوت عبادت را درك کرد.

بنابراین با ترك گناهان و تقویت رابطه با الله، به اصلاح درون و پرورش و رشد شخصیت خود اهتمام بورزیم.

توصیهٔ ویژهٔ رسول اکرم برای استفاده از ماه رمضان

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در ماه رمضان چهار چیز را خیلی توصیه کرده است:

۱. به‌کثرت لااله الاّ الله بخوانیم؛

۲. به‌کثرت استغفارکنیم؛

۳. از الله تعالی بهشت را بخواهیم؛

۴. از جهنم به خداوند پناه ببریم.

اهتمام ویژه به نماز شب در رمضان

الله ربّ‌العزت در طول شب به‌ویژه یك‌سوم آخر شب، ندای عام می‌دهد: آیا کسی هست از من بخواهد تا به او عنایت کنم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست تا او را بیامرزم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ هر شب

الله ذوالجلال این ندا را می‌دهد، آیا عجیب نیست که او را لبیك نگوییم! البته که رمضان بهترین فرصت برای اجابت این ندای ربّانی‌ست.

فواید نماز شب

نماز تهجّد و شب‌زنده‌داری و مناجات با خدا لذّت خاص خودش را دارد و باعث نورانیت و درخشش چهره می‌گردد. همچنین موجب نایل شدن بنده به درجه و مراتب عالی قرب الهی می‌شود و در آن وقت فرصت خلوت و مناجات با پروردگار فراهم می‌آید. از امام حسن بصری رحمه‌الله پرسیدند: چرا تهجدگزاران خوش‌چهره‌ترین مردمان‌اند؟ فرمود: چون در شب با حضرت رحمان خلوت و مناجات کرده‌اند و خداوند آنان را با نور خود مزیّن کرده است. علاوه‌براین، فواید فراوان دیگری نیز در نماز شب نهفته است؛ ازجمله:

۱. مفتخر شدن به اتباع و پیروی از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم؛
۲. تقرّب الی الله؛
۳. مفتخر شدن به محبت الله؛
۴. حصول اخلاص و للّهیت؛
۵. در ردیف عبادالرحمن قرار گرفتن: ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾(فرقان: ۶۴)؛
۶. فراهم شدن توشهٔ راه آخرت و دفع وحشت قبر؛
۷. سلامت و تندرستی؛
۸ . سعادت آخرت.

پاره‌ای از شرایط و آداب نماز تهجّد

۱. به نیّت بیدار شدن برای تهجّد بخوابید، ثواب تهجّد به شما می‌رسد؛
۲. بعد از بیدار شدن مسواك بزنید و وضو بگیرید؛
۳. نماز تهجد را با دو رکعت کوتاه شروع کنید تا بی‌حوصله نشوید، بعد هرقدر می‌خواهید طولانی کنید؛
۴. به‌هنگام بیدارشدن دعا کنید تا خداوند شما را نورانی بگرداند؛
۵. گناه‌ها را ترک کنید، این خیلی حیاتی‌ست؛ چون گناه انسان را از قیام شب محروم می‌کند. امام سفیان ثوری رحمه‌الله می‌فرماید: بر اثر یك گناه پنج‌ماه از قیام شب محروم شدم. پرسیدند چه گناهی بود؟ فرمود: یک‌بار مردی را در حال گریه دیدم، با خودم گفتم: این ریاکار است.
۶. وقت ظهر قیلوله کنید، این به شما کمك می‌کند تا راحت‌تر بتوانید در دل شب بلند شوید و تهجّد بخوانید.

با انجام و رعایت مسائل و امور عبادی ذکر شده، کار مسلمان به‌جایی می‌رسد که خداوند او را از جهنّم برای همیشه رهایی می‌بخشد. انسان روزه‌دار باید بکوشد در اواخر ماه مبارك دعا بکند تا از محرومان بارگاه الله تعالی نباشد.

احیای سنّت اعتکاف در رمضان

بعد از احیای دو دهۀ رحمت و مغفرتِ رمضان با روزه و ذکر و تلاوت و دیگر خیرات، الله‌تعالی می‌خواهد در دهۀ آخر رمضان بنده از تمام مشغله‌های دست‌وپاگیر زندگی دنیوی آزاد شود و همه‌تن به مناجات پرداخته، در خلوت و تنهایی به ذکر و عبادت و تلاوت قرآن مشغول شود و همۀ لحظه‌هایش به یاد الله باشد و به تصفیۀ روح و باطن برسد، و این امر در احیای سنّت اعتکاف میسّر است. البته از آن مهم‌تر حصول فضیلت و احیای شب قدر است که در دهۀ اخیر رمضان قرار دارد؛ شبی که به نصّ صریح قرآن مجید بهتر از هزارماه است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ. تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ. سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾(قدر:۱-۵)

نکاتی که در این سوره ذکرشده عبارت است از: ۱. نزول قرآن در شب قدر؛ ۲. فضیلت قیام شب قدر از عبادت هزارماه بیشتر است؛ ۳. نزول ملائکۀ رحمت و فرشتۀ روح (جبریل) علیه‌السلام در این شب به اجازه الله تعالی؛ ۴. نزول برکت و سلامتی از اول شب قدر تا سپیده‌دم صبح.

رمضان مجمع کمالات، نعمت‌ها و احسان‌هاست و با بهره‌مندی از آنها می‌شود راه هزارماهه را یك‌شبه طی کرد. این عطیه فقط مخصوص امّت مسلمان است نه دیگران. میزان بالای رحمت و عطوفت و کرم ربّ العالمین بر بندگان در این ماه هویداست.

در لحظات پایانی ماه رمضان گریان باشیم که چه زود گذشت و صبح روز عید بکوشیم تا در نماز عید با نهایت پاکی و صفای قلب و با اعطای صدقة فطر شرکت نماییم تا مزد خود را بعد از اتمام فریضۀ یك‌ماه روزه به‌طور کامل از الله تعالی دریافت نماییم.

خداوند به همۀ ما توفیق بندگی و اطاعت از خویش عنایت فرماید. ❖

رمضان ماه تربیت و حصول تقوا

محمّد ذاکری‌فر

خداوند انسان را برای عبادت و بندگی آفریده است و برای انجام این مسئولیت، زندگی دنیا را به‌طور فرصت در اختیار او گذاشته است و برای انجام بهتر این وظیفهٔ عبادی، همهٔ امکانات و نعمت‌های دنیا را به او ارزانی داشته است. اما انسان چه‌بسا بر اثر مشغله‌ها و گرفتاری‌های زندگی در انجام وظیفهٔ عبادی‌اش دچار غفلت و کوتاهی می‌شود. خداوند به‌منظور غفلت‌زدایی، سالی یک‌بار برای انسان فرصتی فراهم می‌آورد تا در دورهٔ عبادی ـ تربیتی یک‌ماهه رمضان، غبار غفلت را از دل بزداید و به تزکیه، تطهیر و وارستگی برسد. کسی‌که از برنامهٔ عبادی ـ تربیتی ماه رمضان به‌خوبی استفاده کند، از رحمت‌ها و برکت‌های ویژهٔ الهی بهره‌مند شده، با نیرویی پایدار در مسیر پرپیچ‌وخم زندگی در انجام وظیفه‌اش موفق خواهد شد.

مجدّد ألف ثانی شیخ احمد سرهندی دربارهٔ نقش تأثیرگذار و مهم ماه مبارك رمضان در زندگی انسان مسلمان می‌نویسد: «این ماه [رمضان]، جامع جمیع خیرات و برکات است، هر خیر و برکتی که در طول سال به هر طریقی به کسی برسد، قطره‌ای از دریای بی‌نهایتِ برکات این شهر عظیم‌القدر است. جمعیّتِ (آسایش خاطر) این ماه، سبب جمعیّتِ تمام سال است و تفرقهٔ (آشفتگی ذهنی) این ماه، سبب تفرقهٔ تمام سال. پس هرکه این ماه را به جمعیّت گذراند و از خیرات و برکات این ماه بهره‌مند شود، تمام سال به جمعیّت گذراند و به خیر و برکت مملو و محتوی باشد. برکاتی که به ایام (روزهای) این شهر (ماه) وابسته‌اند، دیگراند، و خیراتی که به لیالی (شب‌های) آن متعلّق‌اند، دیگر.» (سرهندی، ۱۳۸۳: ۱/ ۶۰)

روزه و ارتباط آن با تقوا

خداوند متعال در قرآن هدف اصلی از فرض شدن روزهٔ رمضان را تحصیل تقوا بیان کرده است؛ هرگاه تقوا حاصل گشت و انسان متقی گردید، آن‌گاه به الله می‌رسد و دروازهٔ هرگونه خیر و برکت و سعادت و خوشبختی به رویش باز می‌شود.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۸۳)؛ «ای مؤمنان، روزه بر شما فرض شده است چنانکه بر امّت‌های پیش از شما فرض شده بود، باشد که [با بهره‌مندی از این نعمت] تقوا پیشه کنید.»

مفهوم درست تقوا

خداوند در آیهٔ بالا روزهٔ ماه رمضان را وسیلهٔ رسیدن به تقوا و پرهیزگاری معرفی کرده است. حال باید دید تقوا یعنی چه؟ علامه سیّد ابوالحسن ندوی ضمن بیان مفهوم تقوا می‌گوید: متقی کسی نیست که پیوسته عبادت می‌کند، کم می‌خوابد یا اصلاً نمی‌خوابد، غذا نمی‌خورد یا کم می‌خورد و به‌کثرت نماز می‌خواند، شب‌زنده‌دار است و روزه می‌گیرد؛ بلکه تقوا یك صفت است، تقوا اسم خوف است، تقوا اسم عبادت، تلاوت و تسبیح نیست. تقوا خصلتی‌ست که در انسان پیدا می‌شود. رمضان برای این می‌آید تا ما را متّقی بگرداند؛ «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». تقوا آن نیست که با آمدن رمضان بیاید و با رفتن رمضان برود؛ چنین چیزی را تقوا نمی‌گویند. تقوا یعنی عادت دادن نفس به رعایت ادب خداوند و حضور خداوند را در هر لحظهٔ زندگی احساس کردن؛ به‌طوری‌که پیش از انجام هرکار بیندیشد که آیا انجام این کار سبب خشنودی الله می‌شود یا سبب ناخرسندی او، آیا مطابق دین و شریعت است یا نه. ملکه‌شدن و نهادینه شدن این عادت و احساس را تقوا می‌گویند. بعضی فکر می‌کنند با روزه‌گرفتن ۲۹ یا ۳۰ روز از رمضان در لیست متّقیان قرار می‌گیرند، یا کسی که روزه گرفت و چیزی نخورد و چندین‌بار قرآن را ختم کرد و در شب تراویح خواند او متّقی‌ست. هدف آیه این نیست که اگر امتحان رمضان را گذراندید، بعد از آن اعمال تعطیل است، بلکه هدف این است که بنده در تمام روز از ۳۰ روز ماه رمضان از خوردن و نوشیدن چیزهای حلال و پاکیزه خودداری کند و بااینکه در خانه بهترین نوشیدنی‌ها و خوراکی‌ها باشد و به‌شدّت به آنها احساس نیاز کند، صرفاً جهت اطاعت از حکم و دستور خداوند از صبح صادق تا غروب آفتاب از همه این چیزهای حلال اجتناب کند تا چون رمضان تمام می‌شود این احساس در بنده به‌وجود آید که در رمضان به‌دستور خداوند از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌های حلال اجتناب کردم، پس باید در غیر رمضان نیز به اطاعت از دستور خداوند از حرام و گناه و معصیت دوری کنم؛ دروغ نگویم، گواهی دروغین ندهم، مردم‌آزاری نکنم، حق کسی را تلف نکنم، به کسی تهمت و افترا نزنم، دزدی نکنم، ظلم نکنم، خون کسی را نریزم، مال حرام نخورم و عادت کنم به اینکه از آنچه خداوند منع کرده است، بازآیم. به‌همین‌دلیل خداوند فرمود: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، و نفرمود: لعلّکم تعبدون یا لعلّکم تشکرون یا لعلّکم تحجّون. زیرا هرگاه لحاظ کردن خدا، یعنی تقوا، تبدیل به ملکه شود و جزء سرشت انسان قرار گیرد، خودبه‌خود دیگر اعمال او اصلاح می‌گردد. (ندوی، [بی‌تا]: ۱۷۴ـ۱۸۱)

روزه علامت خوف و محبّت قلبی انسان با خداست و این احساس قلبی، انسان را از ارتکاب گناه بازمی‌دارد؛ زیرا اغلب ارتکاب گناه و معصیت به‌دلیل کمبود محبّت و خوف الهی انجام می‌گیرد. پس زمانی‌که انسان از گناهان و امراض باطنی و درونی محفوظ بماند، از عذاب جهنّم نیز نجات می‌یابد؛ به‌همین‌دلیل پیامبراکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم می‌فرماید: «الصِّيَامُ جُنَّةٌ وَحِصْنٌ حَصِينٌ مِنَ النَّارِ ؛ روزه سپر و دژِ محکمی در مقابل عذاب جهنّم است.» (مسند احمد: ۹۲۱۴)

روزه همان‌طورکه سبب علاج امراض باطنی‌ست، سبب علاج امراض ظاهری و جسمی نیز است؛ زیرا بسیاری از بیماری‌ها بر اثر پرخوری به‌وجود می‌آیند و روزه پرخوری را کاهش می‌دهد و در نتیجه بیماری کمتر می‌شود. چنانکه در حدیث آمده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَإِنَّ زَكَاةَ الْجَسَدِ الصَّوْمُ»؛ برای هر چیزی زکاتی‌ست و زکات (پاکی) بدن روزه است. (ابن‌ماجه: ۱۷۴۵) در روایت دیگری آمده است: «صُومُوا تَصِحُّوا؛ روزه بگیرید تا تندرست و سالم شوید. (طبرانی: ۱۱۹۰)

روزه نفس را فروتن، عقل و درك را تصفیه و انسان را به صفات پسندیدهٔ ملائکه مزیّن می‌کند و انسان را به همدردی با گرسنگان و فقیران و بینوایان وامی‌دارد.

جوانب تربیتی روزه

ـ تربیت ایمانی: روزه ایمان درونی را تقویت می‌کند، چنانکه رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم می فرماید: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ؛ کسی‌که براساس عقیده‌ای راسخ و یقینی صادق و با انگیزهٔ کسب ثواب، روزه می‌گیرد، گناهان و لغزش‌هایش بخشوده می‌شود.» (بخاری: ۱۹۰۱)

روزه ارتباط انسان را با پروردگارش محکم و قوی، و نفس و قلب را مملو از تقوای خداوند عزّوجلّ می‌گرداند، به‌طوری‌که در پنهان و پیدا خداوند را ناظر بر اعمال خود می‌داند.

روزه بزرگ‌ترین مظهر تربیت و تهذیب نفس است؛ وقتی که انسان روزه است، گرسنگی و تشنگی فشار می‌آورند و خواهشات نفسانی و تمنّای لذایذ بر او هجوم می‌آورند و مسلمان روزه‌دار پایمردی نشان می‌دهد و جلوی خواهشات نفسانی را می‌گیرد تا رضای الهی را حاصل کند، در آن لحظه هیچ نگهبان و مراقبی برای روزه‌دار به‌جز الله نیست.

ـ تربیت سلوك و رفتار: تعامل نیکو از ایمان حقیقی و یقین صادق سرچشمه می‌گیرد و ثمرهٔ ارادهٔ قوی‌ست. ایمان حقیقی و یقین صادق و ارادهٔ قوی به انسان این توانایی و قدرت را می‌دهد که گفتار و کردارش را در مسیر صحیح جهت دهد، به‌طوری‌که از زبانش چیزی که آزار و اذیت مردم و خشم و غضب خداوند را در پی دارد، بیرون نیاید و از اعضا و جوارحش کردار زشت و نامناسبی سر نزند. برای مقبولیت روزه نزد الله، ضروری‌ست که روزه‌دار علاوه‌بر ترک خوردن و نوشیدن، زبان، دهان و سایر اعضای خود را از گناهان و اعمال زشت حفاظت کند، چنانکه حدیث پیامبراکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم است: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لله حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ؛ شخص روزه‌داری که سخنان بیهوده و کارهای بیهوده را ترک نکند، خداوند نیازی به گرسنه شدن و تشنه شدن وی ندارد.» (بخاری:۱۹۰۳)

روزه وسیله‌ای‌ست برای تربیت نفس به تحمّل و مقاومت در برابر مشکلات زندگی و کنترل نفس در برابر هر آزار و اذیتی که از دیگران به انسان می‌رسد. فریضهٔ روزه، سلوك پاکیزه و مطهّر، و روحیهٔ گذشت و تسامح را در انسان پرورش می‌دهد؛ به‌طوری‌که اگر کسی به او ناسزا بگوید و یا کسی بر او ظلم و ستم روا دارد، روزه‌دار از او درگذر می‌کند و زشتی را با نیکی، درشتی را با نرمی، و بدی را با گذشت و عفو پاسخ می‌دهد؛ چنانکه رسول اکرم صلّی‌الله‌وعلیه‌سلّم به‌همین‌مطلب اشاره می‌کند: «وَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ؛ وقتی یکی از شما روزه‌دار بود، دشنام ندهد و ناسزا نگوید و با صدای بلند بر سر دیگری داد نزند و اگر کسی به او بدوبیراه گفت و یا با او جنگید، بگوید: من روزه دارم.» (بخاری:۲۷۰۶)

بنابراین، روزه اگر در تهذیب اخلاق و ترقی سلوك و رفتار انسان و بهبود تعامل فردی او با دیگران مؤثر واقع نشود، کالبدی بدون روح است.

بنابراین با اجرای درست برنامه‌های عبادی ـ تربیتی رمضان، جامعهٔ بشری به رشد و کمال می‌رسد و ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یافته، دنیا تبدیل به گلستان می‌شود.

منابع:
۱.سرهندی، شیخ احمد. مکتوبات امام ربّانی. چاپ اوّل، تهران: صدّیقی،۱۳۸۳.
۲. ندوی، ابوالحسن علی. قرآنی افادات. کراچی: مجلس نشریات اسلام، [بی‌تا].

احکام و مسائل روزه

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

روزه یکی از ارکان دین و فرض عین است، فرضیت آن از قرآن و احادیث و اجماع امت ثابت شده است .

کشیدن دندان و یا داروزدن به آن در حال روزه

کشیدن دندان هنگام ضرورت جایز و بدون ضرورت مکروه است. خون و یا دوایی که به داخل شکم برسد، مفسد روزه است. البته وقتی مساوی با آب دهان باشد، یا بیشتر از آن و یا مزه‌اش محسوس شود. درغیراین‌صورت‌ها مفسد روزه نیست.

حکم شخص بیماری که باید در روزهای رمضان دارو مصرف کند

اگر مرض شخص بیمار با استفاده از دارو در شب تسکین می‌یابد، برای او درحالت روزه استعمال دارو جایز نیست، اما اگر یقین یا گمان غالب داشته باشد که درصورت استفاده نکردن از دارو در روز جانش تلف می‌شود، یا بیماری او بیشتر می‌شود و باعث مرگ او می‌شود، پس برای او خوردن دارو در روز هم جایز می‌گردد. سپس وقتی‌که تندرست می‌شود، قضای روزه‌های فوت شده را به‌جا آورد و الا نزدیک موت وصیت کردن به ادای فدیه بر او لازم می‌شود.

خون دادن درحالت روزه

این عمل مفسد روزه نیست؛ البته اگر این احتمال وجود دارد که با خون دادن ضعیف و ناتوان می‌شود و توان روزه گرفتن از او سلب می‌گردد، دراین‌صورت مکروه است.

مسائل فدیه

ـ افرادی که می‌توانند به‌جای روزه فدیه بدهند عبارتند از: شخص پیروکهن سال که دچار ضعف جسمانی شدید است، و توانایی روزه گرفتن برای همیشه از او سلب شده است.

ـ کسی که به چنان بیماری دچار شده که امید سلامتی و بهبودی وی تا آخر عمر وجود ندارد؛

ـ فردی که قضایی روزهٔ رمضان بر گردن او هست و قبل از موت موفق به قضایی روزه‌ها نشده و وصیت به فدیه کرده باشد، بعد از وفات او از یک‌سوم اموال وی فدیه قضایی‌ها پرداخت شود. البته بدون وصیت از مال خود میت فدیه دادن جایز نیست. حکم قضای نمازها نیز همین است. ضمناً وارثین میت نمی‌توانند از طرف میت روزهٔ قضایی بگیرند. فدیهٔ روزه برای یک روز معادل قیمت یک فطریه (صدقه فطر) است.

سیرهٔ علما و سلف صالح در رمضان

محمد نارویی

ماه مبارک رمضان، با ماه‌های دیگر سال متفاوت است. در این ماه، هر چیزی برای انسان تازگی پیدا می‌کند. دل‌های مؤمنان بیدارتر می‌شود. روزوشب این ماه، جلوهٔ خاصی از طراوت و شادابی دارد. رمضان ماه انابت بنده و اجابت خالق است. انوار و برکات الهی در این ماه، دل‌های مؤمنان را منور می‌کند. انسان احساس سبک‌بالی کرده و با طیب خاطر، گرسنگی و تشنگی و تمام سختی‌های دیگر را به جان می‌خرد تا اجر و پاداش ببرد و برای روز قیامت توشه‌ای فراهم آورد.

قاطبهٔ علما و جمیع فضلا و سلف صالح، ماه مبارک رمضان را تحفه‌ای الهی دانسته و آن را بسیار مغتنم می‌شمرده‌اند. هدف‌شان این بوده که از آن، نردبانی برای صعود به عالم معنا بسازند. ماه رمضان، ماه مهمانی خداست، سیمای راستان در این داستان واقعاً خواندنی‌ست. خوشا به سعادت کسی که بخواند و پند بگیرد و راه آن مقربان بارگاه الهی را بپیماید. به‌واقع، هرکه سیمای راستان دارد، سر خدمت بر آستان دارد.

سلف صالح ما، دریادیدگان عالَم معنا بوده و به ساحل قرب الهی و نجات از کمند شیطان رسیده بودند. ناگفته پیداست که این سعادت به‌همین سادگی نصیب آنان نشده بود و محصول اطاعت و عبادت آنان بود. آنان به‌یقین می‌دانستند که ثروت و ملک دنیا، دست‌به‌دست می‌چرخد و آنچه در دو جهان به دردشان می‌خورد، عمل صالح است و ساییدن پیشانی بر درگاه بارگاه احدیت، وگرنه:

دوران بقا چو باد صحرا گذرد
تلخی‌وخوشی‌وزشت‌وزیباگذرد

خداوند متعال در این ماه، طوری دیگر با بندگانش طی می‌کند و به سبب فوران رحمت و مغفرتش، به اندک بهانه‌ای، قلم عفو بر گناهان‌شان می‌کشد و به عابدان مخلص آستانش، رفع درجات و بَرکت و شوکت می‌بخشد. رهروان راستین راه خدا، دلی پرسوزوگداز دارند و دنبال فرصتی هستند تا کام دل برآرند و توشه‌ای برای سفر آخرت‌شان برگیرند. بهترین فرصت برای این کار رمضان است. رمضان یگانه ماهی‌ست که در آن، تمرین تقوا صورت می‌گیرد. درواقع یکی از اهداف مهمش همین تمرین تقوا و خداترسی‌ست. دوره‌ای یک‌ماهه برای کسب تقواست که نیاز جدی به عزم و اراده‌ای آهنین دارد.

رمضان، ماه قرآن و محبوب‌ترین ماه نزد بندگان نیک و برگزیدهٔ خداوند است. آنان ماه‌ها قبل از فرارسیدن ماه رمضان برای آن لحظه‌شماری و برنامه‌ریزی می‌کردند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم وقتی هلال ماه رجب را می‌دید، دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا رَمَضَانَ» یعنی ای الله، ما را فرصت زندگی ده تا رمضان را دریابیم. هنوز دو ماه مانده به رمضان آن‌حضرت بی‌صبرانه چشم به راه است تا ماه محبوبش از راه برسد. شوروشعف آن‌حضرت را می‌توان از لابه‌لای تک‌تک کلمات این دعا دریافت. عبادت، تلاوت، سخاوت و ذکر و دعای رسول‌الله در رمضان

به‌مراتب بیشتر از بقیهٔ ماه‌ها بود.

صحابه و تابعین نیز در اهتمام به ماه رمضان، پیرو آن‌حضرت بودند. مراجعه به سیرت آن بزرگواران، بر این گفته صحّه می‌گذارد. در کتب تاریخ نوشته‌اند که برخی از نیکان و صالحان، شش‌ماه قبل از رمضان، منتظر آن بودند و دعا می‌کردند تا رسیدن ماه رمضان زنده باشند،پس از ماه رمضان نیز تا شش‌ماه برای قبولی اعمالی که در رمضان انجام داده بودند، دعا می‌کردند؛ خلاصه اینکه تمام سال‌شان رنگ‌وبوی رمضان داشت.

اهتمام به سنت اعتکاف

علمای سلف، برای اینکه بهتر بتوانند از برکات و انوار ماه رمضان استفاده کنند، با فرارسیدن ماه رمضان، به اعتکاف می‌نشستند و تدریس، گفت‌وگوها، ملاقات‌ها و برنامه‌های دیگر را تعطیل می‌کردند تا بتوانند از دقایق و ثانیه‌های رمضان بهرهٔ کافی و وافی ببرند. از قاضی مصر، عبدالرحمن‌بن محمد منقول است: «کان یلازم الاعتکاف فی رمضان؛ همیشه در ماه رمضان به اعتکاف می‌نشست.»(ابن‌حجر عسقلانی،رفع الإصر عن قضاة مصر:۹۹)

امام احمدبن حنبل نیز رمضان را در مسجد می‌گذراند و به استغفار و تسبیح مشغول می‌شد و فقط به‌وقت ضرورت از مسجد بیرون می‌رفت.(یحیی زهرانی،الصیام أدلة و أحکام:۶۰)

همچنین از امام مالک نیز منقول است که رمضان را در مسجد به اعتکاف می‌نشست.

اهتمام به تلاوت قرآن

ماه رمضان از قدیم به ماه قرآن مشهور بوده است. در این ماه، پیامبر با حضرت جبرئیل قرآن را دوره می‌کرد. علمای سلف، نیز چون رمضان فرامی‌رسید، با تمام وجود به تلاوت و تدبر در قرآن می‌پرداختند.

امام مالک باوجود اینکه به حدیث و روایت آن خیلی علاقه داشت و هنگام روایت حدیث، سیل اشک از چشمانش جاری می‌شد، چون ماه رمضان فرامی‌رسید، روایت حدیث را می‌گذاشت و خود را وقف تلاوت و تدبّر در قرآن می‌کرد. امام بخاری در ماه رمضان، هرروز قرآن را ختم می‌کرد و شب‌ها بعد از نماز تراویح، هر سه‌شب یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد. امام شافعی در رمضان، ۶۰ مرتبه قرآن را ختم می‌کرد. حضرت قتاده عادت بر این داشت که هفت‌روز یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد، و در رمضان، هر سه‌روز یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد و در عشرهٔ آخر، هر شب یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد. چنین بود حال سفیان ثوری، ابن‌شهاب زهری و بسیاری از بزرگان دیگر. (شریف، الفوائد الغراء من تهذیب سیر اعلام النبلاء: ۱۴۷/۲-۱۴۹)

امام ابوحنیفه در ماه مبارک رمضان، ۶۱ مرتبه قرآن را ختم می‌کرد، یک‌بار در روز و یک‌بار در شب و یک‌بار در نماز تراویح. (کاندهلوی،اکابر کا رمضان: ۲۶)

برنامه‌ای که شیخ‌الحدیث مولانا زکریا کاندهلوی در رمضان داشت، خواندنی‌ست و امید است جرقه‌ای در دل‌های پژمردهٔ ما ایجاد کند و انگیزه‌آفرین باشد. ایشان تمام ماه رمضان را در مسجد به اعتکاف می‌نشست. هر روز یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد. روزه‌اش را با خرمای مدینه و کمی آب، افطار می‌کرد. بعد از مغرب، نماز اوابین می‌خواند. در همین وقت با وابستگان و دوستان می‌نشست و با مهمانان ملاقات می‌کرد. بعد از نماز تراویح نیز نشست مختصری داشت. بعدازآن تا وقت سحر، به خواندن نوافل مشغول می‌شد. پس از سحری خوردن، نماز فجر را در اول وقت اقامه می‌کرد و تا طلوع خورشید می‌خوابید. (کلاً خواب ایشان در شبانه‌روز همین بود.) بعدازآن، تمام روز را به تلاوت قرآن مشغول می‌شد.(ابوالحسن علی ندوی، رمضان المبارک اور ان کی تقاضی: ۳۹)

حضرت مجدد الف ثانی در یکی از مکتوبات خود می‌نویسد: «قرآن کریم با این ماه، مناسبت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در همین ماه نازل شده است. این ماه جامع تمام انواع خیروبرکت است. خیرات و برکات تمام ماه‌های دیگر در مقابل خیرات و برکات این ماه، بسان قطره در مقابل دریاست. هرکس در این ماه، توفیق عمل صالح بیابد، در ماه‌های دیگر سال نیز به آن توفیق می‌یابد و هر که در این ماه از هرگونه عمل نیک محروم بماند، بیم آن می‌رود که در بقیهٔ ماه‌های سال نیز به آن توفیق نیابد.» (محمدرابع ندوی، قرآن مجید، انسانی زندگی کا رهبر: ۲۷۹)

شیخ‌الاسلام مفتی محمدتقی عثمانی دربارهٔ تلاوت علمای سلف می‌گوید:

«بزرگان ما در مورد تلاوت قرآن مجید، حالات مختلفی داشته‌اند. خیلی از آنان، روزانه قرآن را ختم می‌کردند. برخی نیز در رمضان، تلاوت‌شان را به دو برابر افزایش می‌دادند. در شرح‌حال علامه انورشاه کشمیری نوشته‌اند که در رمضان به‌اندازهٔ دیگر روزها تلاوت می‌کرد و بقیهٔ اوقات را به فهم و تدبر معانی، مفاهیم، تفسیر، حقایق و معارف قرآن مجید می‌پرداخت. در نتیجهٔ همین تدبرها، کتاب «مشکلات القرآن» را تألیف نمود. علامه محمدتقی عثمانی در ادامه می‌گوید: «شایسته است که اهل علم و عموم مردم در این ماه همراه با تلاوت قرآن، اوقاتی را به فهمیدن و ترجمه و تفسیر قرآن کریم اختصاص بدهند؛ زیرا قرآن مجید چنان اکسیری‌ست که اگر با تدبر خوانده شود، بهترین وسیله برای حصول قرب الهی خواهد بود.» (محمدتقی عثمانی،خطبات رمضان:۴۹)

سخاوت

یکی دیگر از ویژگی‌های نیک و علمای سلف، سخاوت آنان بود. حضرت ابن‌عباس روایت می‌کند: «كَانَ رَسُولُ اللهِ صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم أَجْوَدَ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ؛ رسول الله (در رمضان) در جود و سخاوت از باد تند (نیز) پیشی می‌گرفت.» (مسلم:۶۱۴۹) افطاری دادن در رمضان، اجر و ثواب زیادی دارد. در حدیث آمده است: «مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ لاَ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْئًا؛ کسی‌که به شخص روزه‌داری افطاری دهد، به مقدار اجر و پاداش روزه‌دار، به او ثواب می‌رسد.»(ترمذی:۸۰۷) امام زهری در مورد ماه رمضان فرموده است: «إنما هو قراءة القرآن و إطعام الطعام؛ ماه رمضان، در تلاوت قرآن و غذا دادن (به مستمندان) خلاصه می‌شود.» فقیه حمادبن ابی‌سلیمان در ماه مبارک رمضان، غذا و توشهٔ پنجاه‌هزار نفر را متقبل می‌شد و هر روز به آنان افطاری می‌داد و در شبِ عید، به آنها لباس و پوشاک هدیه می‌کرد.(ذهبی،سیر اعلام النبلاء:۲۳۸/۵)

بزرگانی مانند مولانا مدنی، شیخ‌الهند مولانا محمودالحسن، مولانا عبدالقادر رای‌پوری، مولانا عبدالرحیم رای‌پوری، مولانا محمدزکریا کاندهلوی که از بزرگان هندوستان بودند، در ماه رمضان، میزبان خیل عظیمی از مهمانان بودند که نزدشان حضور می‌یافتند. غذا و محل استراحت آنها را تدارک می‌دیدند. ❖

احکام و مسائل روزه

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

حکم استفاده از اسپری، برای بیماران آسمی در ایام ماه مبارک رمضان

در بیست‌ویکمین نشست مجمع فقه اسلامی اهل‌سنت ایران درخصوص استفاده از اسپری در رمضان بر موارد ذیل اتفاق نظر شد:

الف: بنابر قول راجح اسپریِ آسم شکنندهٔ روزه است.

ب: بیمار مبتلا به آسم اگر مجبور به استفاده از اسپری در روز رمضان شد، ضمن روزه گرفتن، قضایی به‌جا آورد.

ج: درصورت ابتلای دائم به بیماری آسم، علاوه‌بر روزه گرفتن و استفاده از اسپری در روز، احتیاطاً فدیه هم پرداخت کند.

حکم غذاهایی که میان دندان‌های روزه‌دار باقی می‌ماند

غذاهایی که میان دندان‌های روزه‌دار باقی می‌ماند، اگر کمتر از دانهٔ نخود باشد و به حلق فرو رود، روزه فاسد نمی‌شود، اما اگر بیشتر باشد، روزه را فاسد می‌کند.

حکم روزهٔ شخصی که گمان می‌کند روزه‌اش فاسد شده است

اگر شخصی گمان کرد که روزه‌اش فاسد گشته، پس از آن قصداً چیزی خورد یا نوشید، دراین‌صورت قضای آن روز بر وی واجب است و کفاره‌ای برعهده‌اش نیست.

آنچه روزه را فاسد می‌کند

۱. خوردن و نوشیدن و نزدیکی با همسر از روی عمد؛ ۲. مصرف دارو از راه دهان و بینی؛۳. گذاشتن شیاف؛ ٤. خوردن سحری پس از طلوع فجر صادق؛ ٥. افطار قبل از غروب؛ ٦. عادت ماهیانه زنان(حیض و نفاس).

توصیه‌هایی به حافظان کلام‌الله مجید

مفتی محمدقاسم بنی‌کمال(قاسمی)

ماه پرخیروبرکت رمضان که از راه می‌رسد، در شهر و دیار ما، حافظان قرآن کمر همت می‌بندند و هرشب در نمازهای تراویح به تلاوت کلام روح‌بخش الهی می‌پردازند. سال‌هاست که ماه مهمانی خدا در این دیار با نوای قرآن عجین شده است؛ نوایی ملکوتی که از حنجرهٔ حافظان کلام وحی برمی‌خیزد و انگیزه‌ای می‌شود تا مردم مؤمن و متدین این دیار شب‌ها در مساجد مختلف بیش از یک ساعت در پیشگاه رب ذوالجلال قیام کنند و با پروردگارشان به مناجات بپردازند. استاد مفتی محمدقاسم قاسمی برای آنکه حافظان کلام وحی در کار خود بیشتر موفق باشند، ۱۰ توصیهٔ مهم به آنان داشته که در ادامه به ترتیب بیان می‌شوند:

یکم: عزیزان حافظ که الله تعالی آنان را به نعمت حفظ قرآن مجید مشرف کرده، قبل از هر چیز شکر این نعمت بزرگ را به‌جا آورند؛ شکر زبانی، شکر قلبی و شکر عملی این نعمتی که الله تعالی به آنان عنایت کرده و از میان افراد امت این افتخار را فقط نصیب آنان کرده است. اگر به فضایل بی‌شماری که دربارهٔ حفظ کلام‌الله مجید بیان شده و علما نقل کرده‌اند، توجه کنیم، درمی‌یابیم که بی‌شک این نعمت، نعمت بی‌بدیلی است: ﴿يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾(آل‌عمران:۷۴)؛ «هرکس را که بخواهد به رحمتِ خویش ویژه می‌گرداند.» ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ﴾(جمعه:۴)؛ «این فضل خداست. آن را به هرکس که بخواهد می‌دهد.» بسیاری از پدران و مادران آرزو کرده‌اند که فرزندان‌شان حافظ قرآن بشوند، ولی نشده‌اند. بدانید این نعمتی است که الله تعالی فقط شما را به آن آراسته است. پادشاهی دنیا و ثروت و سرمایهٔ دنیوی چه ارزشی در مقابل نعمت قرآن عظیم‌الشأن دارد. قرآن ذکر الهی است. قرآن کلام الهی است؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾(حجر:۹)؛ «بی‌گمان ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم و ما نگهبان آن هستیم.» ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾(عنکبوت:۴۹) «بلکه آن [قرآن] در دل دانش‌یافتگان، آیاتی روشن است» سینه‌ای که جایگاه آیات الهی‌ست، مبارک و قابل رشک است.

دوم: در حین خواندن قرآن احتساب و اخلاص نیت را در ذهن مستحضر کنید. تحصیل فوایدی را که الله سبحانه‌وتعالی بر زبان حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وسلم جاری کرده، مدنظر داشته باشید؛ اینکه چقدر رحمت الله تعالی شامل حال شما می‌شود و چقدر

به شما ثواب می‌رسد. عدهٔ کثیری در نماز تراویح صدای شما را می‌شنوند، برای هر حرفی که شما می‌خوانید یک نیکی در نامهٔ اعمال شما ثبت می‌شود و هر نیکی به ده برابر افزایش می‌یابد. این فضایل را ذهن مستحضر کنید. خدایا این نعمت بزرگ توست، یا الله برای تو باشد، تو قبول کن و بپذیر. این نکته هم مهم است که انگیزه و هدف شما رسیدن به پول و مال نباشد. شرط نکنید که اگر به من این مقدار پول بدهید، آن وقت نماز می‌دهم. فقط برای رضای الله تعالی قرآن بخوانید.

سوم: حُسن حفظ شما بسیار مهم است. باید کیفیت حفظ شما عالی باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ﴾(قمر:۱۷)؛ «و به‌راستی قرآن را برای پندپذیری آسان گردانده‌ایم، پس آیا پندپذیری هست؟» الله تعالی قرآن را آسان کرده برای کسی که واقعاً پندپذیر باشد. سعی کنید در طول روز حتی یک لحظه هم از قرآن غافل نباشید. در رمضان کل وقت خود را به قرآن بدهید. از خوردونوش و استراحت خود بکاهید؛ البته به‌حدی که نشاط‌تان حفظ شود. بکوشید هیچ نوع اهمال و سستی و تساهلی روا ندارید و به بهترین نحو قرآن را تلاوت کنید.

چهارم: بکوشید قواعد تجوید و صحیح‌خوانی قرآن مجید را رعایت کنید. هر روز از دوست و همراه، یا از استاد خود بپرسید که دیشب من چه نکاتی از نکات تجویدی را رعایت نکردم. به غنّه، مد، ادای حروف از مخارج و صفات حروف، به همهٔ این نکات اهمیت بدهید. از لحن جلی جداً بپرهیزید و تلاش کنید لحن خفی هم در تلاوت شما نباشد.

پنجم: تعدیل ارکان در نماز ضروری‌ست. مخصوصاً بین دو سجده. تعدیل نزد امام (اعظم) رحمه‌الله و اکثر ائمه واجب است و برخی فرض گفته‌اند. دقت کنید «سمع الله لمن حمده» کامل گفته شود. دقت کنید که قرآن را با ترتیل و آهسته بخوانید؛ طوری‌که حداقل خودتان بفهمید چه خوانده‌اید. یک فرد عامی، کسی‌که بلد نیست قرآن بخواند، اگر پشت سر شما باشد، متوجه شود که قرآن خوانده شده و او آیات قرآن را شنیده است.

این نکته را یادآور شوم که بعضی جاها برای شب ختم از یک شخصیت دعوت می‌کنند و حافظان هم برای آنکه در همان شبی که هماهنگ شده ختم کنند، با سرعت و شتاب هرچه بیشتر قرآن می‌خوانند. مثلاً آن شخصیت می‌گوید: من فقط شب نوزدهم وقت خالی دارم و می‌توانم در مراسم ختم شما شرکت کنم. بزرگان مسجد همان شب را تعیین می‌کنند و از حافظان می‌خواهند هرطور شده شب نوزدهم ختم کنند. حافظان هم دست‌وپا می‌زنند تا همان شب ختم کنند. این کار اصلاً شایسته نیست. حافظان ما نباید راضی به چنین کاری شوند. حافظ خوب کسی‌ست که با رعایت تمام آداب و قواعد قرآن بخواند ولو اینکه کسی در مراسم ختم قرآن او شرکت نکند. خودش با چند مقتدی دعا کند. مهم برایش ادای حق قرآن باشد. این خیلی بهتر از آن است که در مدت‌زمان کمتری قرآن را طوری ختم کند که کسی نداند چه خواند و چطور خواند. اگر قرآن خوب تلاوت نشود، آمدن یک شخصیت برجسته و دعای او چه تأثیری دارد، چنین دعایی چطور قبول می‌شود؟

ششم: هر شب پیش از قرار گرفتن در محراب و خواندن قرآن، دعا بکنید؛ دعای ﴿رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ...﴾ را بخوانید. (دعا کنید: خدایا) کار مشکلی در پیش دارم، یا الله آسان بفرما،«لا سهل الا ما جعلته سهلا»؛ فقط تویی آسان‌کننده. به تعبیر حضرت شیخ‌الاسلام، مقتدی‌های پشت‌سرتان را مدنظر قرار ندهید. جلوی‌تان خدا را ببینید. اینکه در پیشگاه چه ذاتی ایستاده‌اید، این برای شما مهم باشد.

هفتم: بعد از نماز تراویح استغفار کنید. هم در مسجد و هم بعداً که از مسجد بیرون رفتید. با الله تعالی نجوا کنید که یا الله من حق قرآن را ادا نکردم. به من فرصتی رسید و من لایق آن نبودم. یا الله مرا معاف کن. یا الله مرا مغفرت کن. بعد از هر نماز این معمول شما باشد، بعد از هر نماز تراویح؛ هم در مسجد و هم در خانه.

هشتم: حافظان عزیز، بدانید که شما هر قدر متقی باشید، هر قدر توّاب و صالح و نیک‌کردار باشید و دل‌تان پاک باشد، به‌همان مقدار تلاوت شما تأثیرگذار خواهد بود. تصمیم بگیرید که از این به بعد زندگی‌تان را تغییر می‌دهید. دیگر حتی گرد گناه نمی‌گردید. نگاه‌تان را همیشه حفاظت می‌کنید، خلاف نمی‌گویید. شما هر قدر پاک و باتقوا باشید، همان مقدار از قرآن تأثیر می‌گیرید و هر اندازه که شما از قرآن تأثیر بگیرید، همان‌قدر

خواندن شما تأثیرگذار می‌شود. آن‌وقت قرآن خواندن شما سبب تحول مردم می‌شود. سبب می‌شود که نمازگزاران اعم از مرد و زن، زندگی‌شان را تغییر دهند. وقتی قرآن در دل‌های مردم اثر گذاشت، برای همیشه آنها با قرآن مرتبط می‌شوند و شما حافظ عزیز یک داعی عملی می‌شوید بدون اینکه وعظی کرده باشید. قرآن موعظه است و اگر مخلصانه خوانده شود، سخت تأثیر می‌گذارد.

نهم: سعی کنید مرتب دعا بکنید و از دیگران هم دعا طلب کنید. توبه کنید. استغفار کنید و با تضرع و زاری موفقیت خود را از الله متعال بخواهید.

چون خدا خواهد که مان یاری کند
میل‌مان را جانب زاری کند

استعینوا بالله. از الله مدد بگیرید برای انجام هرچه بهتر این کار مهم. کاری که خودش یک جهاد است؛ در آیهٔ مبارکهٔ ﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان:۵۲) «و به [حکم] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز.»مرجع ضمیر «به» قرآن است. الله تعالی همچنین می‌فرماید: ﴿اسْتَعِينُوا بِاللهِ وَاصْبِرُوا﴾ (اعراف:۱۲۸)؛ «از خداوند یاری بجویید و بردباری کنید.» صبر و استقامت کنید. این کار جهاد و مبارزه با نفسانیت است. مبارزه با امراضی است که در سینه‌ها وجود دارد. امراضی مثل «شرک» و «نفاق» و «خودنمایی و ریا». لذا تلاوت قرآن یک مبارزه است. حافظ و قاری قرآن با نفس و شیطان می‌جنگد و در این جنگ از الله تعالی کمک بخواهد. به نظر حقیر یک حافظ واقعی، یک حافظ مخلص و محتسب مجاهد است و کارش مجاهده و مبارزه است.

دهم: بدانید که امروز رسانه‌ها قرآن را به همه رسانده‌اند. هرجا قرآن شنیده می‌شود. هرکسی صدای قرآن را ضبط می‌کند. مبادا خواندن غلط شما ضبط شود. شما غلط خواندید، بدون تجوید خواندید، اشتباه خواندید و بعد صدای شما ضبط شد و به همه رسید، آن‌وقت به ما چه می‌گویند؟ آنهایی‌که به‌هرحال یا منتقد هستند یا مغرض، یا حتی خیرخواه‌اند، ناراحت می‌شوند که این چه قرآنی خوانده است. دوستان ناراحت می‌شوند و انسان‌های مغرض می‌خندند که این چه قرآنی است اینها می‌خوانند. بنابراین لازم است این چیزها همه لحاظ بشوند. حالا شرایط با گذشته فرق کرده است. ❖

احکام و مسائل کفاره

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

احکام کفاره

شخص روزه‌دار اگر بدون مریضی و عذر شرعی عمداً، با خوردن، نوشیدن و مقاربت روزهٔ رمضان را بشکند، باید کفاره ادا نماید.

طریقهٔ ادای کفاره

دو ماه پی‌درپی روزه گرفتن و درصورتی‌که قدرت نداشته باشد دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد، آنگاه باید ۶۰ مسکین را در دو وعده غذا بدهد. اگر به‌جای غذا دادن، به مقدار صدقهٔ فطر، گندم یا قیمت آن را داد جایز است.

تذکر: اگر در بین دو ماه، یک روز روزه نگرفت، روزهای قبلی که روزه گرفته، از کفاره حساب نمی‌شوند و باید از اول شروع کند؛ مثلاً ۵۵ روز پی‌درپی روزه گرفت، روز ۵۶ را روزه نگرفت، باید از اول دوباره ۶۰ روز روزه بگیرد.

و اگر در بین ۶۰ روزکفاره، ماه رمضان، عید، یا ایام تشریق واقع شد، باید از ابتدا دوباره ۶۰ روز روزه بگیرد و روزه‌های قبلی، کفاره به‌حساب نمی‌آیند. البته عادت ماهیانهٔ خانم‌ها عذر به‌حساب می‌آید و مانع توالی کفارهٔ شصت روز نیست.

تذکر: شکستن روزهٔ غیر ماه مبارک رمضان کفاره ندارد، فقط قضا دارد.

اگر کسی در ماه رمضان از اول نیت روزه نکرد و خورد فقط قضا واجب می‌شود، کفاره لازم نمی‌شود.

مواردی که به‌سبب آنها خوردن روزه جایز است

۱. شخصی که به‌طور ناگهانی به بیماری دچار شد و درصورت نخوردن و ننوشیدن مرگ او را تهدید می‌کرد؛

۲. تشنگی به حدی که اگر ننوشد، می‌میرد؛

۳. زن حامله و شیردهنده که بر خود و فرزندش بیم دارد، می‌تواند بخورد و بعد قضایی به‌جا آورد. اما اگر شوهر این زن ثروتمند است و جایگزینی برای شیرمادر وجود دارد که به‌عنوان غذا به بچه داده شود (مثل شیرخشک)، دراین‌صورت زن حق خوردن روزه را ندارد.

نمونه‌هایی از تلاوت و تدبّر در قرآن

در سیرهٔ نبوی و سیرهٔ سلف صالح*

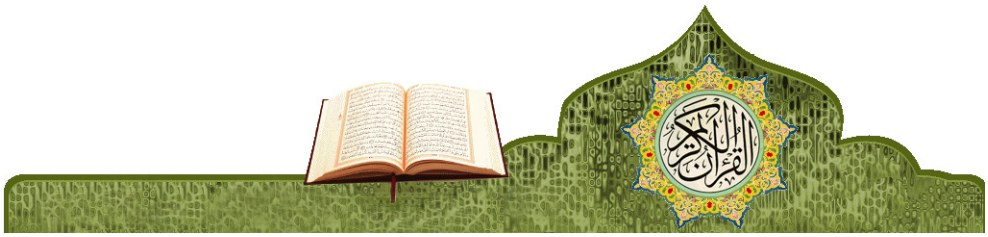

حضرت عبدالله‌بن‌مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند: روزی رسول‌اکرم صلی الله علیه وسلم به من فرمود: برایم قرآن بخوان. عرض کردم: آیا برای شما بخوانم درصورتی‌که قرآن بر خود شما نازل شده است؟ فرمود: آری، می‌خواهم آن را از دیگران نیز بشنوم. ابن‌مسعود می‌گوید: من سورهٔ نساء را تلاوت کردم، وقتی به این آیه رسیدم: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾؛ پس [حال‌شان] چگونه است، آن‌گاه‌که از هر امّتی گواهی [در میان] آوریم و تو را بر این امت گواه بیاوریم.(نساء:۴۱) یکی از اهل مجلس مرا اشاره کرد، وقتی سرم را بلند کردم، دیدم اشک از چشمان مبارک رسول خدا سرازیر شده است.(متفق‌علیه)

حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت می‌کند: «شبی آن‌حضرت صلی الله علیه وسلم تا صبح این آیه را تلاوت می‌کرد: ﴿إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛ اگر آنان را عذاب کنی، آنان بندگان تو هستند، و اگر آنان را بیامرزی، تویی که پیروزمند با حکمت هستی.(مائده:۱۱۸)

ام‌المؤمنین عائشه می‌فرماید: حضرت ابوبکر صدیق بسیار رقیق‌القلب بود هرگاه قرآن می‌خواند، نمی‌توانست اشک‌هایش را نگه دارد و بدون اختیار گریه می‌کرد.

حضرت ابورافع می‌گوید: حضرت عمر رضی الله عنه در نمازهای فجر سوره‌های کهف، مریم، طه و مانند آنها را تلاوت می‌کرد. روزی در آخرین صفِ مردان که بعد از آن صف‌های زنان شروع می‌شد، نماز می‌خواندم. حضرت عمر سورهٔ یوسف را تلاوت می‌کرد. ایشان معمولاً با صدای بلند می‌خواند. وقتی به این آیه رسید: ﴿إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللهِ﴾؛[یعقوب علیه‌السلام گفت:] من رنج و غم خویش را فقط به الله شکایت می‌کنم.(یوسف:۸۶) چنان گریه‌اش گرفت که قرائتش قطع شد. من از دور صدای گریه‌اش را می‌شنیدم.

عبدالله‌بن‌عمر رضی الله عنه می‌گوید: روزی حضرت عمر رضی الله عنه در نماز صبح چنان گریه کرد که صدای گریه‌اش را از فاصلهٔ سه صف شنیدم.

حسن بصری رحمه الله می‌فرماید: حضرت عمر رضی الله عنه گاهی در ورد شبانه‌اش به یک آیه می‌رسید، چنان گریه می‌کرد که بر اثر آن حالش دگرگون می‌شد و بر زمین می‌افتاد، چنان‌که پس از آن در خانه می‌ماند و مردم برای عیادت و احوالپرسی او می‌رفتند.

امام بیهقی نقل کرده است که حضرت عثمان رضی الله عنه می‌گفت: اگر دل‌های ما پاک باشد، هرگز از تلاوت کلام پروردگار سیر نخواهیم شد. من دوست ندارم حتی یک روز از عمر من در حالی بگذرد که در آن قرآن مجید را از رو نخوانده باشم. وقتی حضرت عثمان رضی الله عنه به شهادت رسید، دیدند مصحفی که از روی آن خوانده بود، به دلیل

کثرت تلاوت پاره شده است.(حیاةالصحابه:۴/۲۳ـ۲۴)

ابن‌عمیر می‌گوید: من سورۀ یوسف را از قرائت حضرت عثمان یاد گرفتم. ایشان در نماز فجر به‌کثرت این سوره را تلاوت می‌کرد.

حضرت علی رضی الله عنه بعد از رحلت رسول‌اکرم صلی الله علیه وسلم چنان با قرآن مشغول شد که تا چندین روز از خانه‌اش بیرون نیامد.

دربارۀعبدالله‌بن‌زبیر،عمروبن‌العاص،عبدالله‌بن‌عمر، عبدالله‌بن‌رواحه، عبدالله‌بن‌عباس، عبدالرحمن‌بن‌عوف از صحابۀ کرام و دربارۀ سعیدبن‌جبیر، مالک‌بن‌انس، منصوربن‌المعتمر از تابعین روایات و حکایات مشابهی در کتاب‌ها ذکر شده است.(قیام‌اللیل:۵۷-۶۰)

دربارۀ زراره‌بن‌اوفی نقل می‌کنند که روزی در مسجدجامع با مردم نماز می‌خواند، وقتی به این آیه رسید: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾؛ پس چون در صور دمیده شود، آن روز هنگامه‌ای دشوار است که بر کافران آسان نیست.(مدثر:۸-۱۰) با خواندن این آیه روحش پرواز کرد و به زمین افتاد. بهزبن‌حکیم می‌گوید: من از کسانی بودم که پیکرش را تا خانه‌اش حمل کردند.

حضرت خلید مشغول نماز بود، وقتی آیۀ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ را تلاوت کرد، یعنی هر موجود زنده‌ای چشنده [طعم] مرگ است.(آل‌عمران:۱۸۵) این آیه را به‌طور مکرر خواند. ناگاه از گوشۀ خانه صدایی شنید: چقدر این آیه را تلاوت می‌کنید، تا حال ٤ جن با شنیدن این آیه فوت کرده‌اند.

حمزه که خادم حضرت اسماءبنت ابوبکر بوده، می‌گوید: روزی حضرت اسماء مرا به بازار فرستاد. آن هنگام او مشغول تلاوت سورۀ طور بود و به این آیه رسیده بود: ﴿وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ﴾؛ و پروردگار ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کرد.(طور:۲۷) من به بازار رفتم و برگشتم، دیدم هنوز همان آیه را تکرار می‌کند.

نقل می‌کنند که شبی حضرت تمیم داری رضی الله عنه به مقام ابراهیم آمد و به خواندن سورۀ جاثیه مشغول شد، وقتی به این آیه رسید: ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾؛ آیا کسانی که مرتکب کارهای زشت می‌شوند گمان می‌کنند که ما با آنها مثل کسانی که ایمان آوردند رفتار خواهیم کرد؟ مرگ و زندگی‌شان را یکسان خواهیم کرد؟ [اینان] بسیار بد داوری می‌کنند.(جاثیه:۲۱) آن را پیوسته تکرار کرد و گریه نمود تا اینکه صبح شد.

سعیدبن جبیر در ماه مبارک رمضان پیش‌نماز جماعت بود، وقتی به این آیات رسید: ﴿فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَ السَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ﴾؛ پس [حقیقت را] خواهند دانست وقتی‌که طوق‌ها و زنجیرها در گردن‌شان خواهد بود. [همچنین] کشیده می‌شوند در آب جوش. آن‌گاه در آتش تافته می‌شوند.(غافر:۷۲-۷۰) آن را بیش از بیست‌بار خواند و آن‌قدر گریه کرد که بر چشم‌هایش اثر گذاشت.

مسروق رحمه الله (شاگرد حضرت عبدالله‌بن عباس رضی الله عنهما) بعضی شب‌ها از نماز عشا تا فجر سورۀ رعد را به‌طور مکرر می‌خواند.

هارون‌بن ایاب اسدی گاهی اوقات در نماز تهجد فقط این آیه را تکرار می‌کرد و می‌گریست: ﴿لَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ و اگر آنان را ببینی هنگامی‌که در کنار آتش بازداشته شوند [شگفت‌زده می‌شوی!] پس گویند: ای کاش ما بازگردانیده شویم و آیات پروردگارمان را دروغ نینگاریم و از مؤمنان شویم.(انعام:۲۷)

حسن بصری یک‌شب فقط آیۀ ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللهِ لَا تُحْصُوهَا﴾؛ اگر [بخواهید] نعمت خداوند را بشمارید، نمی‌توانید [همه] آن را بشمارید.(ابراهیم:۳۴) را تکرار کرد تا اینکه صبح شد. مردم علت آن را از وی پرسیدند. فرمود: در این آیه خیلی پند و عبرت وجود دارد. هر وقت نگاه می‌کنیم، نزول یک نعمت را مشاهده می‌کنیم، البته نعمت‌هایی که آنها را نمی‌شناسیم خیلی بیشترند.

امام ابوحنیفه رحمه الله یک‌بار در نماز تهجد این آیه را تا صبح به‌طورمکرر تلاوت می‌کرد: ﴿بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ﴾؛ میعادشان روز قیامت است و قیامت بسیار سخت و ناگوار است.(قمر:۴۶) ❖

*اصول و مبادی فهم قرآن، سیدابوالحسن ندوی

ماه رمضان فرصتی برای تلاوت و تدبر در قرآن

عبدالرئوف شهنواز

ماه مبارک رمضان جامع فضایل است و ویژگی‌های خاصی را در خود جای داده است. یکی از این ویژگی‌ها، پیوند و مناسبت ویژهٔ این ماه با قرآن به‌عنوان منبع نور و هدایت است؛ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره: ۱۸۵)؛ «ماه رمضان که قرآن در آن فرو فرستاده شده [و قرآن] رهنمای مردم و [در بردارنده] آیه‌هایی روشن از هدایت و [معیار] تشخیص حق از باطل است.» ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾(قدر: ۱)؛ «ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.»

قرآن کتاب زنده و جاوید ملت مسلمان و راهنمایی حکیم و هدایت‌گر برای بشر است. مؤمنان نخست در دامان آن، مقام انسان را بازشناختند و گام در مسیر رشد و سعادت گذاردند. این کتاب مبین که هرگز غبار کهنگی به خود نمی‌بیند، رهبری دانا و زندگی‌بخش برای انسان جویای سعادت و کمال در تمام ادوار تاریخ و عرصه‌های مختلف زندگی بوده و است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال: ۲۴)؛ «ای مؤمنان! [فرمان] خداوند و پیامبر را بپذیرید چون شما را فراخواند برای آنچه شما را زنده می‌سازد.»

پس شایسته است انسان مسلمان در طول زندگی به‌ویژه در ماه مبارک رمضان و مَهبط وحی، از قرآن غافل نگردد و نسبت به تلاوت و تدبّر در آن توجه دوچندان نماید. بدین مناسبت لازم دیدیم مطالبی چند در آداب تلاوت و تدبر در قرآن برای استفادهٔ عموم گردآوری و تقدیم نماییم، امید است مورد قبول افتد.

آداب تلاوت

تلاوت آدابی دارد که علما رعایت آنها را لازمهٔ استفاده از قرآن دانسته‌اند:

۱. طهارت؛ طهارت از جنابت، عادت ماهیانه و نِفاس، به‌اتفاق جمهور فقها شرط نخست تلاوت قرآن است؛ فرق نمی‌کند که تلاوت از حفظ صورت گیرد یا از روی قرآن. اما در حالات عادی اگر کسی می‌خواهد تلاوت کند، مستحب است که وضو بگیرد و چنانچه می‌خواهد به قرآن دست بزند، واجب است که وضو داشته باشد.

۲. انتخاب مکان و زمان مناسب؛ چون مکان و زمان بر روان و تمرکز انسان تأثیر بسیار دارد، به‌همین جهت انتخاب مکان و زمان مناسب برای تلاوت جزو مستحبات تلاوت است؛ ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾(حج: ۳۲)؛ «و هرکس شعایر خدا را بزرگ شمارد، آن از تقوای دل‌هاست.» یکی از بهترین مکان‌ها برای تلاوت مسجد است و باید از تلاوت در مکان‌هایی مثل حمام، سرویس بهداشتی و مراکز لهو و سرگرمی اجتناب نمود.

در تمام اوقات، تلاوت خوب و جایز است؛ اما تلاوت در نمازهای نفلی، نیمه‌های شب، هنگام سحر، بعد نماز صبح و عصر و مابین نماز مغرب و عشا از بهترین اوقات برای تلاوت است؛ اوقات فراغت و فرصت‌های کوتاهی که گاه بین مشغله‌های مختلف یافت می‌شود، نیز زمان مناسبی برای تلاوت است تا انسان در زمرهٔ «اهل الله» قرار گیرد؛ «قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ لِلهِ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ، مَنْ هُمْ؟ قَالَ: «هُمْ أَهْلُ الْقُرْآنِ، أَهْلُ اللهِ وَخَاصَّتُهُ»؛ «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: همانا برای خداوند

دوستانی از مردمان است. پرسیدند: ای رسول خدا! آنان چه کسانی‌اند؟ ایشان پاسخ داد: آنان اهل قرآن‌اند که اهل الله و بندگان خاص اویند.»(ابن‌ماجه: ۲۱۵)

۳. مسواک زدن؛ استفاده از مسواک پیش از تلاوت از آداب است و از تکمیل طهارت و بزرگداشت قرآن نیز است؛ «السِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ؛ مسواک پاکیزه‌کنندهٔ دهان و موجب خشنودی پروردگار است.»(نسایی: ۵)

٤. باوقار و سکون روبه‌قبله نشستن هنگام تلاوت مستحب بوده و موجب استفادهٔ بیشتر از قرآن خواهد شد؛ اما رعایت آن الزامی نبوده و می‌توان در حالت ایستاده، تکیه و یا درازکشیده هم تلاوت نمود. ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ﴾ (آل‌عمران: ۱۹۰و۱۹۱)؛ «به‌راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدوشد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هاست آنان که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش [آرمیده] یاد می‌کنند.»

۵. نیت ثواب و طلب هدایت؛ نیت ثواب به همراه استحضار فضایل تلاوت و طلب هدایت از خداوند؛ زیرا قرآن کلام هدایت‌گر و معجز خداوند است و بندگان را مورد خطاب قرار می‌دهد؛

٦. رعایت تجوید و ترتیل؛ هنگام تلاوت واجب است که کلمات قرآن به‌صورت صحیح و شمرده ادا شود و قواعد تجوید نیز رعایت گردد ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزمل: ۴)؛ «و قرآن را چنان‌که باید شمرده و شیوا بخوان.».

۷. تلاوت با صدای زیبا؛ تا حدی که امکان دارد باید کوشید قرآن را با صدای زیبا و خوش تلاوت نمود و علما بر استحباب این مسئله اتفاق نظر دارند؛ «زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛ قرآن را با صداهای خود زینت ببخشید.»(ابوداود: ۱۴۶۸)

۸. خواندن «أعوذ بالله مِن الشیطان الرّجیم» پیش از تلاوت و «بسم الله الرّحمن الرّحیم» در آغاز هر سوره؛ رعایت این امر در تلاوت الزامی است. همچنین این دو جمله دعایی نشان توکل بر ذات خداوند متعال و استعانت از پروردگار عالم است و موجب تقویت ایمان و نجات از نیرنگ و فریب شیطان می‌گردند. ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾(نحل: ۹۸)؛ «پس هرگاه قرآن بخوانی، از شیطان رانده شده به خداوند پناه جوی.» ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾(علق: ۱)؛ «بخوان به نام پروردگارت که [هستی را] آفرید.»

تدبر در قرآن

یکی از راه‌های استفاده از قرآن تدبر در معانی و پیام‌های آن است و قرآن خود بارها بدان تأکید نموده است. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾(ص: ۲۹)؛ «کتابی‌ست خجسته که آن را بر تو فروفرستاده‌ایم تا [انسان‌ها] در آیه‌هایش تدبّر کنند و تا خردمندان پند گیرند.»

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾(نساء: ۸۲)؛ «آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعا در آن اختلافی بسیار می‌یافتند.»

تدبر نیز آدابی دارد که می‌تواند در فهم قرآن به انسان کمک کند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تکرار آیات؛ تلاوت مکرر آیاتی خاص وسیله‌ای مؤثر در برقراری ارتباط با محتوا و مفاهیم آیات است که صحابه و صالحان امت اسلامی از آن برای تدبر در قرآن بهره می‌برده‌اند. آورده‌اند که کسی از زَیدبن ثابت پرسید: کیف تَرَی فِی قِراءَة القُرآنِ فِی سَبع؟ فقال زَید: حَسنٌ، ولأَن أَقرَأَهُ فِی نِصفٍ أَو عَشر أَحَبُّ إلیَّ وسَلنی لِمَ ذَاكَ؟ قال: فَإِنِّی أَسأَلُكَ. قَال زَید: لِكَی أتدبَّرهُ وأَقِفَ علیهِ؛ به نظرت تلاوت کل قرآن در مدت هفت روز چگونه است؟ زید پاسخ داد: خوب است، اما من مناسب‌تر می‌دانم که آن را در مدت پانزده یا ده روز تلاوت کنم؛ بپرس از من چرا این مدت مناسب‌تر است، آن مرد گفت: چرا این مدت مناسب‌تر است ؟ زید پاسخ داد: تا در قرآن به تدبر بپردازم و هدف و پیام قرآن را دریابم.(مؤطا: ۴۷۱)

۲. مُدارَسَت قرآن؛ مدارست و شرکت در مذاکرات قرآنی و استفاده از تجربه و فهم دیگران در باب تدبر قرآن هم عملی بسیار سودمند در درک پیام قرآن است. تابعی دانشمند مجاهدبن جبر می‌گوید: «قرآن را سه بار تمام نزد عبدالله‌بن عباس رضی‌الله‌عنه از سوره فاتحه تا پایان قرآن به صورت کامل فراگرفتم. پس از هر آیه مکث نموده، از وی در مورد معنا و پیام آن سؤال می‌نمودم.»(طبری، ۲۰۰۹، ۱:۶۵)شرکت در کلاس‌های تفسیر و درس قرآن به‌ویژه در ماه رمضان فرصتی مناسب برای تدبر و شناخت قرآن است که نباید از آن غفلت نمود؛

۳. دقت در معانی قرآن به‌طور مستقیم؛ توجه و دقت در موضوعات مطرح شده در آیات و سوره‌ها از قبیل هشدارها، بشارت‌ها و عبرت‌ها از مفیدترین راه‌های تدبر است. ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾(محمد: ۲۴)؛ «آیا در قرآن اندیشه نمی‌کنند یا بر دل‌ها قفل‌های آنها [زده شده] است.» براساس تجربه

و نظر علامه ابوالحسن علی ندوی برای تدبر و درک پیام قرآن بهتر است تا حد امکان به‌طور مستقیم و بدون واسطه از قرآن بهره گرفت و در معانی و مفاهیم آن تدبر نمود. اگر تلاوت‌کننده، زبان عربی را به‌قدر ضرورت می‌فهمد، به‌طور مستقیم وگر نه از طریق ترجمه و پانوشت‌های مختصر در معانی قرآن دقت کند و معنای آن را دریابد.(ندوی، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

٤. استماع قرآن و خشوع در مقابل آن؛ استماع و گوش فرادادن به آیات قرآن با خشوع و تأمل در معنا نیز از راه‌های مؤثر در تدبر قرآن است. باید هنگام شنیدن آیات خود را در مقابل قرآن تسلیم و فرمانبردار نشان دهیم و زمان نزول وحی بر مسلمانان صدر اسلام را تصور نماییم. ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾(اعراف: ۲۰۴)؛ «و چون قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و خاموش بمانید تا مورد رحمت قرار گیرید.»

نماز تراویح در ماه رمضان فرصتی خوب برای استماع خاشعانه و تأمل در معانی قرآن است. شیخ‌الهند مولانا محمودحسن دیوبندی صاحب تفسیر عثمانی، مشهور به «تفسیر کابلی» در رمضان توجه خاصی به استماع قرآن داشت و شب‌ها پس از نماز تراویح به استماع قرآن از حافظان در نمازهای نفلی ادامه می‌داد؛ هر حافظ چند جز از قرآن را تلاوت می‌کرد و چون آن حافظ خسته می‌شد، حافظی دیگر به نماز و تلاوت ادامه می‌داد و ایشان همچنان بانشاط کامل تا نزدیکی سحر به آنان اقتدا می‌نمود و به استماع قرآن می‌پرداخت.(مدنی، ۱۹۹۷: ۱۵۸ و ۱۵۹)

۵. محاسبۀ نفس؛ هرگاه با هشدارها، بشارت‌ها، دستورات و نواهی قرآن مواجه می‌شویم و از آنها گذر می‌کنیم، باید به عمل و وضعیت ایمانی خود نگاهی بیندازیم و خود را در میزان کلام خداوند بسنجیم. آنگاه بر کوتاهی‌ها استغفار کنیم و بر استقامت بر اعمال صالح از خداوند کمک بخواهیم و این هدف و مقصود ایمان به قرآن است ﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾(اسرا: ۱۰۹)؛ «و بر چهره‌های‌شان درحالی‌که گریه می‌کنند [بر زمین] می‌افتند و [قرآن] آنان را فروتنی می‌افزاید.» ❖❖

منابع:
۱. طبری، محمدبن جریر. تفسیر الطبری المسمی جامع البیان فی تأویل القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹م.
۲. مدنی، محمداسماعیل میمن. حضرت مولانا محمدزکریا کاندهلوی اور دیگر اکابر کا رمضان. کراچی: مجلس نشریات اسلام، ۱۹۹۷م.
۳. ندوی، ابوالحسن علی. اصول و مبادی فهم قرآن. ترجمه محمدقاسم قاسمی. زاهدان: ندوی، ۱۳۸۴.

احکام و مسائل صدقۀ فطر

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

ـ صدقۀ فطر بر شخص مسلمان آزاد (اعم از بزرگ‌وکوچک و عاقل‌ومجنون) اگر به اندازۀ نصاب زکات، پول، اموال تجاری و طلا و نقره یا اشیای غیرضروری داشته باشد، بر وی صدقۀ فطر واجب می‌شود و در غیراین‌صورت واجب نمی‌شود.

ـ صدقۀ فطر را از طرف خود و فرزندان کوچکش پرداخت کند.

ـ اگر بچه یا دیوانه دارای مال وسرمایه باشد، صدقۀ فطر از دارایی او پرداخت گردد و در غیراین‌صورت شخص ولی از مال خود بپردازد.

ـ پرداخت صدقۀ فطرِ همسر بر شوهر، و فرزندان بزرگ (حتی اگر زیر سرپرستی پدر باشد،) بر پدر لازم نیست، اما اگر پرداخت کند، درست است.

ـ کسی که توانایی روزه گرفتن را ندارد (به‌خاطر مریضی یا کهولت سن و عدم توانایی روزه)، صدقۀ فطر از وی ساقط نمی‌شود.

ـ پرداخت صدقۀ فطر در روز نخست عید فطر قبل از رفتن به عیدگاه مستحب است.

ـ اگر پیش از روز عید فطر صدقۀ فطر را پرداخت کرد، جایز است.

ـ صدقۀ فطر به فقرا و مساکینی که صاحب نصاب نباشند، پرداخت شود.

ـ یک گروه که صدقۀ فطر بر آنها لازم است، اگر به یک نفر بدهند جایز است.

ـ اگر صدقۀ فطر را از اول روز عید فطر به تأخیر انداخت، ساقط نمی‌شود و پرداختش لازم است. در صورت پرداخت، صدقۀ فطر فرد مذکور ادا می‌گردد، ولی ثواب صدقه فطر اصلی در موعد مقرر را ندارد؛ بلکه صدقه‌ای از صدقات عادی است.

زکات؛ عبادت مالی و اجتماعی

دکتر یوسف قرضاوی

زکاتِ اسلامی، نظامی نوین

زکات معروف اسلامی، چیزی بالاتر از نیکی و انفاق به مفهوم کلی آن است و چیزی بالاتر از زکاتی‌ست که به‌طور مطلق قبل از هجرت، تشریع شده بود، و نیز بالاتر از زکاتی‌ست که در ادیان سابق معمول بوده است؛ زکاتی‌که در مدینه و پس از هجرت تشریع و مقرر گردید، در هیچ دین آسمانی و نظام زمینی سابقه نداشته است.

زکات، فریضهٔ واجبی‌ست که انکارش منجر به کفر و جلوگیری از آن، مستلزم فسق است و کسی که با ترکِ آن با جماعت مسلمانان مقابله نماید، سرکوب می‌گردد. برای اثبات این موضوع، همین کافی‌ست که خلیفهٔ اول، حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه برای کارزار با کسانی‌که از دادن زکات خودداری می‌کردند، یازده پرچم برافراشت و سخن معروف خود را بر زبان آورد و فرمود: «به خدا قسم، با کسی‌که نماز و زکات را از هم جدا کند می‌جنگم، به خدا اگر عِقالی را که به پیامبر می‌دادند، از من دریغ کنند، برای گرفتن آن خواهم جنگید.»

زکات در اسلام، یك «بخشش بزرگواری» نیست که ثروتمند به‌وسیلهٔ آن بر فقیری منت نهد یا فرد دارایی به فرد نداری احسان کند، بلکه عمیق‌تر و وسیع‌تر از این چیزهاست.

زکات، بخشی از نظام اقتصادی اسلام است، نظام یگانه‌ای که مسئلهٔ فقر یا مسئلهٔ ثروت را به‌طور کلی پیش از آنکه هیچ نظامی در دنیا، به علاج آن توجه کند، حل نموده است.

اسلام، اموالی را که زکات بر آنها واجب است و نیز پایین‌ترین حد دارایی را که مشمول زکات می‌گردد و همچنین زمان وجوب و مقدار آن را معین کرده است.

بدین‌ترتیب از بعضی از اموال، باید یك‌دهم داده شود، مانند محصولاتی که خداوند از زمین می‌رویاند و از طرف انسان، تلاش قابل ملاحظه‌ای نمی‌طلبد.

درصورتی‌که اگر با وسایل دیگری آبیاری شود، مقدار زکات یك‌بیستم می‌شود و این زکات، همهٔ محصولات کشاورزی را شامل می‌شود.

برخی دیگر از اموال، همچون طلا و نقره و درآمد تجارت متکی بر پول، مشمول قانون یك‌چهلم، یعنی ۲/۵ درصد هستند و این زکات، هرسال قمری که بر اموال می‌گذرد، واجب می‌گردد.

برای زکات مالی هم که به‌صورت حیواناتی از قبیل گاو، شتر و گوسفند ملاحظه می‌شود، نظام خاصی از طرف اسلام تدوین شده است.

حکمت تفاوت مقادیر تعیین شده در زکات، این است که هرچه تلاش انسان در کسب مال، کمتر باشد، مقدار واجب، بیشتر می‌شود.

امام ابن‌قیم، به موضوع توجه نموده و در کتاب «زاد المعاد» خود با اشاره بدان گفته است: مقدار زکات مال، برحسب اندازهٔ کوشش صاحبان مال در به‌دست آوردن آن و بر حسب سهولت یا سختی آن متفاوت می‌شود.

بنابراین، در مواردی که انسان به مجموعهٔ آماده‌ای از اموال، به‌صورت گنج، یا معدن، دست می‌یابد یك‌پنجم قرار داده شده است و گذشت سال در مورد آن شرط نیست، بلکه هرگاه به‌دست آمد، دادن یك‌پنجم آن واجب می‌شود.

در چیزهایی مانند محصولات کشاورزی که زحمت کسب و دشواری و رنج به‌دست آوردنش بیشتر است، نصف این مقدار تعیین گردیده (یعنی یک‌دهم) و این درصورتی‌ست که آدمی فقط شخم زمین و بذرافشانی آن را

برعهده داشته باشد و آبیاری آن، به‌طور طبیعی و از طرف خدا انجام گیرد. اما در مواردی که زحمت و هزینهٔ آبیاری از قبیل هزینهٔ برق و غیره برعهدهٔ شخص قرار می‌گیرد، نصف یك‌دهم یعنی یك‌بیستم واجب گردیده است.

در مورد کارهایی هم که تحصیل درآمد، مستلزم فعالیت مداوم صاحب مال بوده و حرکت و اداره و مراقبت همیشگی لازم دارد، نصف یك‌بیستم، یعنی یك‌چهلم تعیین شده است.

اسلام، دارایی اندك را از مالیات زکات معاف کرده و برای هر نوع مالی، حد نصاب معینی قرار داده است که در صورت رسیدن بدان حد صاحبش مشمول زکات خواهد بود. البته اسلام حد نصاب را آن‌قدر بالا قرار نداده است که زکات، بر کسی غیر از افراد خیلی ثروتمند واجب نگردد، بلکه طوری قرار داده است که اکثر مسلمانان، فرصت و امکان سهیم شدن در تأمین احتیاجات جامعه و یاری نیازمندان و کمك به مصالح عمومی مسلمین را داشته باشند.

اهداف زکات

واژهٔ زکات در زبان عربی دو معنی دارد: ۱. پاکی و نظافت؛ ۲. رشد و افزایش.

اسلام ازآن‌جهت این کلمه را برای بیان این فریضهٔ مالی برگزیده است که نشان‌دهندهٔ هدف و مقصود اسلام از این فریضه باشد.

بنابراین، زکات، هردو مفهوم پاکی و رشد را داراست؛ از طرفی به معنی طهارت درونی فرد ثروتمند از بخل نفرت‌انگیز است. آفت حرص و آز آفت روانیِ مؤثری‌ست که می‌تواند آدمی را به ریختن خون و از دست دادن آبرو، یا فروختن وطن وادارد و هر فرد یا جامعه‌ای که گرفتار آن باشد رستگار نمی‌شود: ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾(حشر:۹) ترجمه: «و کسانی‌که از آزِ نفس خویش مصون باشند، اینانند که رستگارند.»

از طرف دیگر زکات باعث طهارت نفس فقیر از حسد و بدخواهی نسبت‌به ثروتمند مال‌اندوز است؛ زیرا لازمهٔ بخشش و نیکی، انعطاف قلب انسان است، همان‌طوری‌که محرومیت موجب لبریزی قلب محرومان از خشم و کینه می‌شود.

زکات، باعث مصونیت کل جامعه، چه ثروتمند و چه تهیدست، از عوامل نابودی و تفرقه و کشمکش و فتنه و تباهی است.

زکات همچنین باعث پاکی مال می‌شود. چون وقتی‌که حقّ کس دیگری به مال تعلق گرفت، آن را آلوده می‌سازد و این آلودگی تا وقتی‌که حقّ مزبور از آن جدا نگردد، باقی می‌ماند. از پیامبر نقل شده است: «اذا ادیت زکاة مالك فقد اذهبت عنك شره؛ چون زکات مال را پرداخت نمودی، شر و آفت آن را از خود دور کردی.»(مستدرک حاکم) حتی روایت شده است: «حصنّوا اموالکم بالزکاة؛ اموال خود را با دادن زکات محفوظ کنید.»(ابوداود)

از سوی دیگر، زکات، گذشته از طهارت و پاکی در بردارندهٔ رشد و فزونی‌ست؛ رشد شخصیت و موجودیت معنوی فرد ثروتمند. انسانی‌که خیر می‌رساند و نیکی می‌کند و از دارایی و دستاورد خود به برادران دینی و انسانی خود می‌بخشد تا آنان را سربلند کند و حقّ خدا را نیز به‌جای آورد، در درون، خود را شخصیت پیروزمند و مبارزی احساس می‌کند و می‌بیند که عملاً بر ضعف خود و بر شیطان و حرص و هوای نفس غلبه یافته است. این همان رشد نفسانی و زکات معنوی‌ست و شاید بتوانیم آن را از عبارت «تطهرهم و تزکیهم» در آیهٔ گذشته، برداشت کنیم.

همچنین زکات، باعث رشد شخصیت فقیر می‌شود؛ زیرا او خود را به‌خاطر فقر و ناتوانی، در جامعه پایمال و بی‌اهمیت و متروك، احساس نمی‌کند و در نتیجهٔ فقر و ناتوانی، از درون به تباهی و نابودی کشانده نمی‌شود. از این هم گذشته، فقیر معمولاً در جامعهٔ اسلامی زکات را از یك شخص دریافت نمی‌کند که در برابرش احساس خواری نموده، برتری او را نسبت‌به خود بپذیرد، بلکه آن را به‌عنوان حقّ خود، از دولت می‌گیرد تا آسیبی به حیثیتش نرسد. در مواقعی هم که دولت این کار را نمی‌کند و افراد شخصاً زکات خودشان را به فقرا می‌دهند، قرآن آنها را از منت‌گذاری و ناراحت کردن فقیر برحذر داشته، می‌فرماید: ﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾(بقره: ۲۶۳) ترجمه: «سخنی شایسته [گفتن] و گذشت از صدقه‌ای که آزاری در پی آن آید، بهتر است و خداوند بی‌نیاز [و] بردبار است.»

دیگر اینکه زکات، سبب رشد مال و برکت یافتن آن می‌شود، شاید برخی از این سخن تعجب کنند و آن را بعید بدانند، زیرا زکات، در ظاهر چیزی از مال می‌کاهد و چگونه ممکن است که عامل ازدیاد و افزایش آن باشد؟

اما آگاهان می‌دانند که در پشت این کاهش ظاهری، یك افزایش حقیقی وجود دارد؛ افزایش در مجموع ثروت

جامعه و حتی افزایش در مال شخص توانگر!

زیرا این مبلغ پرداختی اندك، از طریق دیگری دانسته یا ندانسته به‌صورت چندبرابر به او برمی‌گردد.

درهمین‌رابطه است که می‌بینیم برخی از دولت‌های غنی، با کمك مالی به بعضی از دول فقیر اظهار بخشش و بزرگواری می‌کنند، نه برای خدا، بلکه به‌منظور ایجاد نیروی خرید در آن کشورها برای تولیدات خود.

اگر یك نگرش عمیق به مسئله داشته باشیم، می‌بینیم که یك‌دینار در دست فردی که دل‌ها برای محبت او می‌تپند و زبان‌ها ثناگویش هستند، خیلی قوی‌تر و فعال‌تر از چندین دینار دارایی یك شخص خودبین و خودپرستی‌ست که همگان، آرزومند شکست و نابودی او هستند.

در آیات زیرین قرآن، رشد و نمو اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته است: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾(سبا: ۳۹) ترجمه: «و از هر چیزی که انفاق کنید. او عوضش را می‌دهد و او بهترینِ روزی‌دهندگان است.»

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾(بقره: ۲۶۸) ترجمه:«شیطان شما را از تنگدستی می‌ترساند و شما را به ناشایست فرمان می‌دهد. و خدا شما را به آمرزش و بخشایشی از جانب خویش وعده می‌دهد. و خداوند گشایشگر داناست.»

﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾(روم:۳۹) ترجمه: «و زکاتی را که در طلب خشنودی خداوند پرداخت کرده باشید، پس همینان فزونی یافتگانند.»

﴿يَمْحَقُ اللهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾(بقره:۲۷۶) ترجمه: «خداوند [بهرهٔ] ربا را نابود می‌سازد و [برکتِ] صدقات را رشد می‌دهد.»

زکات وسیلهٔ کاستن فاصلهٔ میان ثروتمندان و فقیران

زکات، یکی از وسایل مورد نظر اسلام، برای کاستن فاصلهٔ میان ثروتمندان و فقیران است. اسلام به تفاوت ذاتی مردم از نظر بهره‌مندی‌ها نسبت‌به یکدیگر که بی‌تردید، زاییدهٔ تفاوت‌ها در امکانات و خصایص و توانایی‌های افراد است اعتراف نموده است، ولی این بدان‌معنا نیست که ثروتمند را در ازدیاد ثروت خویش و تهی‌دست را در مسیر شدت گرفتن فقر و تیره‌روزی رها نماید تا در نتیجه، جدایی میان دو دسته زیادتر گردد و اغنیا قشری شوند که سرنوشت‌شان زندگی در برج عاج باشد و فقیران قشری باشند که می‌باید در ویرانه‌های بدبختی و محرومیت جان بسپارند. بلکه با تشریفات قانونی و توصیه‌های اخلاقی، برای کمتر ساختن مسافت میان آنها، دخالت نموده و در نهایت، برای طغیان ثروتمندان حدی قرار داده و سطح فقیران را بالاتر برده است.

اینجا در پی بیان روش‌ها و ابزارهای اسلام، در کم کردن این فاصله، از قبیل تحریم ربا و احتکار و اسراف و عیاشی و... نیستم، بلکه فقط از زکات می‌گویم که بارزترین نمونهٔ این‌گونه وسایل است و عبارت است از: گرفتن از اغنیا و دادن به فقرا.

زکات، قوی‌ترین سلاح در جنگ با ذخیره‌سازی و درآوردن پول‌ها از انبارها به‌منظور جریان یافتن در میدان فعالیت و تولیدات است. کسی‌که ثروت را ذخیره می‌سازد و از جریان بازمی‌دارد، شبیه کسی‌ست که سربازی از ارتش اسلام را حبس نماید و از فعالیت در میدان جهاد باز دارد و این یك تشبیه درستی‌ست؛ زیرا پولِ در گردش و مورد استفاده، مانند سربازی‌ست که در خدمت ملت و آسایش و سربلندی آن قرار گرفته و پول انباشته و گنجینه شده، مانند سرباز بازنشسته و یا محبوس است.

اسلام به همین جهت کنز/ذخیره را حرام کرده و قرآن، از خشم خدا نسبت‌به ذخیره‌سازان حریص، اطلاع داده و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾(توبه: ۳۴ـ۳۵)

ترجمه: «و کسانی‌که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذابی دردناك خبر ده. روزی که در آتش جهنم آن [اندوخته‌ها] تافته شوند، آنگاه پیشانی آنها و پهلوی‌شان و پشت‌های‌شان را با آن داغ بگذارند [و بگویند:] این است آنچه برای خود اندوختید، پس [سزای] آنچه را که می‌اندوختید، بچشید.»

البته به این تهدید اکتفا نکرده و علاوه‌بر آن طرحی عملی در جهت مبارزه با کنز و ذخیره‌سازی ترسیم نموده است که همانا زکات است. کدام انسانی قبول می‌کند که هرسال ۲/۵ درصد از سرمایه‌اش کاسته گردد و آن سرمایه همچنان بدون فعالیت و رشد باقی بماند؟ ❖

منابع:
منبع: قرضاوی، یوسف. فقه الزکاة. ترجمه و اقتباس.

زکات و صدقات
اهمیت و احکام

نصیراحمد سیدزاده

تفاوت انسان‌ها و نیازمندی‌شان به یکدیگر باعث شده نظام‌ها و تمدن‌ها به‌وجود آید. خداوند همه را یکسان نیافرید؛ هم غنی آفرید و هم فقیر، تا برای رفع نیازمندی‌های یکدیگر بکوشند. فقرا نیازهای خدماتی اغنیا را تأمین می‌کنند و اغنیا بخشی از ثروت خود را در قالب زکات و صدقات به فقرا و نیازمندان می‌بخشند و از این طریق مهرومحبت را در جامعه تزریق می‌کنند؛ در کنار این در اسلام توصیه شده که هرشخص خودش نیازهایش را از طریق کارهایی که برای دیگران انجام می‌دهد، برآورده سازد؛ امّا اگر قادر به کار نبود، لازم است دیگران به او کمک کنند و او را در مقابل غول گرسنگی و درماندگی تنها رها نسازند. هرگز خداوند نمی‌پسندد که در کنار توانگران، کسانی توان تهیهٔ غذا، لباس و مسکن مناسب را نداشته باشند و بااین‌حال اغنیا نسبت‌به آنان بی‌توجه باشند.

توجهٔ ادیان الهی به فقرا

این یک واقعیت است که همهٔ ادیان الهی حتی ادیان ساختگی و آیین‌های بشری از عنایت به حال فقرا غافل نمانده‌اند. البته ادیان آسمانی در مقایسه با نظام‌های ساختهٔ بشر بیشتر به این امر پرداخته و با صدای رساتری به این امر فراخوانده‌اند. دعوت هیچ پیامبری از این امر که قرآن از آن گاهی به‌عنوان انفاق و اطعام، و گاهی به‌عنوان زکات یاد می‌کند، خالی نبوده است. قرآن آنجاکه از حضرت ابراهیم، اسحاق و یعقوب سخن به‌میان می‌آورد، چنین می‌گوید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾(انبیا:۷۳)؛ «و آنان را پیشوایانی گردانیدیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و انجام دادن نیکی‌ها و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم و عبادتگزار ما بودند.»

عنایت اسلام به فقرا و علاج مشکل فقر

توجهی که اسلام به رعایت حال فقرا و مستمندان جامعه داشته است، نظیر آن چه در ادیان آسمانی و چه در نظامی‌های بشری یافت نمی‌شود؛ اسلام از همان آغاز دوران مکّی و طلوع فجر اسلام، به مشکل فقرا و بیچارگان و رعایت حال آنان کاملاً توجه داشت؛ در آیه‌های مکی آزادسازی بردگان و تغذیه و اطعام بیچارگان و یتیمان به‌عنوان گردنه‌ای معرفی شد که انسان می‌باید برای رسیدن به خشنودی و رضای الله از آن بگذرد: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ» (بلد:۱۲-۱۴)؛ «چه می‌دانی که گردنه چیست؟ آزاد کردن برده است

یا خوراک دادن در روز گرسنگی یتیم خویشاوند را یا بینوای فقیر و ناتوان را.»

خداوند در سورهٔ مدّثر سبب رفتن گناهکاران به آتش جهنم را از زبان خودشان چنین بیان می‌کند: ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ﴾ (مدّثر۴۴-۴۳)؛ «چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم و به بینوا خوراک نمی‌دادیم.»

در سورهٔ قلم نیز حکایت باغدارانی نقل شده است که تصمیم گرفتند میوه‌ها و محصولات‌شان را شب بچینند و بیچارگان و نیازمندان را که معمولاً برای گرفتن کمک حاضر می‌شدند، محروم کنند؛ در نتیجه عذاب الهی بر باغ آنان نازل شد: ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (قلم:۱۹-۲۰)؛ «آن [باغ] را بلایی از سوی پروردگارت درحالی که آنان خفته بودند، درنوردید؛ آن‌گاه مانند کشت دروشده شد.»

فرض شدن زکات

در سال دوم هجری که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و از وضعیت انفرادی، به شکل اجتماعی و منسجم درآمدند و صاحب یک نظام و سرزمین شدند، زکات نیز قانونمند شد و مقدار، موارد مصرف، متولیان و نحوهٔ پرداخت آن مشخص و با صیغهٔ امر فرضیت آن اعلام شد: ﴿آتُوا الزَّكَاةَ﴾ (بقره:۴۳)؛ زکات بپردازید.» بنابراین زکات در اسلام تنها در حد بخشش و بزرگواری صرف باقی نماند، بلکه به یکی از واجبات و ارکان مهم دین اسلام تبدیل شد.

نمونه‌ای دیگر از اهمیت زکات را در سورهٔ توبه چنین می‌خوانیم: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه:۵)؛ «پس اگر توبه کردند و نماز برپای داشتند و زکات پرداختند، راه‌شان را بازگذارید. بی‌گمان خداوند آمرزندهٔ مهربان است.» در این آیه خداوند عدم تعرض به مشرکین را مشروط به سه شرط کرده است: ۱. توبه از شرک؛ ۲. اقامهٔ نماز؛ ۳. دادن زکات.

با توجه به آیات فوق تنها کسی می‌توانست در جمع مسلمانان درآید و عضوی از جامعهٔ مسلمین تلقی شود و به‌عنوان برادر دینی خطاب شود که بعد از اقرار به توحید و اقامهٔ نماز، به ادای زکات نیز اقدام کند.

مصالح و حکمت‌های زکات

زکات، عبادت مالی و پاک نمودن نفس از صفت بسیار زشت بخل است.

امام شاه‌ولی‌الله دهلوی در کتاب حجةالله‌البالغه جایی که از مصالح و حکمت‌های زکات سخن به‌میان می‌آورد، می‌فرماید: «عمدهٔ آنچه در زکات ملحوظ شده، دو مصلحت است: مصلحت اول به تزکیه و تربیت نفس انسان مرتبط است؛ زیرا نفس انسان عادت به بخل و حرص مال دارد و بخیلی از بدترین خلق و خوی آدمی‌ست که دین و آخرت انسان را تباه و برباد می‌کند. کسی که بخیل است و حرص مال دارد چون بمیرد دلش معلق به مال دنیاست و در نتیجه سخت معذّب می‌گردد. بعد از توکل به خدا و تضرع و عاجزی به پیشگاه او بهترین صفتی که در قیامت برای انسان مفید واقع می‌شود، سخاوت است. مصلحت بعدی به تمدن و شهرنشینی و نظام اجتماعی جامعه برمی‌گردد. در هر جامعه‌ای فقرا و مستمندانی وجود دارند و فقر حادثه‌ای است که برای بسیاری اتفاق می‌افتد. اگر در جامعه‌ای مواسات و همدردی با فقرا نباشد، فقرا در آن جامعه تلف می‌شوند.(دهلوی،۲۰۱۰:۲/۱۳۹-۱۴۱)

پاداش‌های بسیار بزرگ در قبال ادای زکات

خداوند به کسانی‌که در راه خداوند خرج می‌کنند و زکات اموال‌شان را پرداخت می‌کنند، وعدهٔ پاداش‌های بزرگی داده است. از جمله در سورهٔ بقره آمده است: «مَثَل (صدقات) کسانی‌که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هرکس که بخواهد (آن را) چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست. کسانی‌که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منّت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برای‌شان نزد پروردگارشان (محفوظ) است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند.»(بقره:۲۶۱-۲۶۲)

در این آیه خداوند برای زکات‌دهندگان و خرج‌کنندگان در راه او سه وعده ذکر فرموده است:

۱. هر قدر که آنها خرج کنند، خداوند در عوض آن، چندین برابر به آنان خواهد داد؛

۲. در روز قیامت اجر و پاداش بزرگ و نعمت‌های قابل توجّهی به آنها داده می‌شود؛

۳. در روز قیامت هیچ‌گونه ترس و بیم و اندوهی به آنها نخواهد رسید.

در احادیث نیز بشارت‌ها و فضایل بی‌شماری در مورد زکات آمده است. رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، می‌فرماید: «مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ؛ مال از صدقه دادن کم نمی‌شود.»(مسلم) همچنین فرموده است: «هر صبح دو فرشته نازل می‌شوند؛ یکی دعا می‌کند: "اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفاً؛ بارالها به کسی که انفاق می‌کند عوض بده." و دیگری می‌گوید: "اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلَفاً؛ بارالها کسی که از انفاق دست نگه می‌دارد، مالش را تلف کن."» (بخاری و مسلم) در یک حدیث به نکات جالبی توجه داده

است: «حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ، وَدَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَاسْتَقْبِلُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ؛ مال‌های‌تان را با دادن زکات حفاظت و بیمه کنید، بیماران‌تان را با دادن صدقه مداوا کنید، و با [سپر] دعا و تضرع امواج بلا را مقابله کنید.»(شعب‌الإیمان:۳۲۷۹)

بعضی از فواید دنیوی زکات و صدقات

علاوه‌بر اجر و پاداشی که در روز قیامت به زکات‌دهندگان و صدقه‌دهندگان می‌رسد، در این جهان نیز فواید زیادی نصیب آنان می‌شود؛ ازجمله: ۱. قلب مؤمن و مسلمانی که زکات و صدقه می‌پردازد، همیشه شاد و خرّم است؛ ۲. فقرا و مستمندان بر وی حسادت نمی‌ورزند، بلکه خواهان خیر و عافیت برای او بوده، با نگاه محبت به‌سوی او می‌نگرند و برایش دعای خیر می‌کنند؛ ۳. چنین افرادی مورد احترام عموم مردم نیز قرار گرفته، همهٔ مردم با آنان ابراز محبّت و همدردی می‌کنند؛ ٤. خداوند در اموال آنان خیر و برکت فراوانی قرار می‌دهد و همان‌طور که در حدیث اشاره شده، از امواج بلا محفوظ می‌مانند.

عذاب بسیار دردناک برای تارکان زکات

عذابی که برای ندادن زکات در قرآن ذکر شده است، بسیار سخت و دردناک است؛ خداوند در سورهٔ توبه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از احبار و راهبان یهود اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا بازمی‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را به عذابی دردناک خبر ده. روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند] این است آنچه برای خود اندوختید پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید.»(توبه:۳۴ـ۳۵)

در سورهٔ آل‌عمران بیان آمده است: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾(آل‌عمران:۱۸۰)؛ «و کسانی‌که در آنچه خداوند از فضل خویش به آنان داده است، بخل می‌ورزند، نباید این [بخل] را برای خود خیر بپندارند، بلکه آن برای‌شان شر است. به‌زودی در روز قیامت آنچه در آن بخل ورزیده‌اند [مانند طوق] در گردنشان افکنده می‌شود.» در سورهٔ توبه آمده است: «و مردمی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارت ده؛ روزی که آن زر و سیم در آتش جهنم گداخته شود و پیشانی و پهلو و پشت آنها با آن داغ کرده شود، و گفته شود: این است آنچه اندوخته کردید برای خویش، پس بچشید سزای آنچه اندوختید.»(توبه:۳۴ـ۳۵)

در حدیث نیز آمده است: «ما منَعَ قومٌ الزکاة، إلا ابتلاهم الله بالسنین؛ قومی که زکات‌دادن را ترک کنند، خداوند آنان را به قحط‌سالی گرفتار می‌کند.» (المعجم‌الأوسط،طبرانی:۶۷۸۸) در حدیثی دیگر آمده است: «وقتی مردم زکات اموال‌شان را نپردازند، از باران محروم می‌شوند، و اگر وجود حیوانات نمی‌بود، برای‌شان یک قطره باران نمی‌بارید.»(ابن‌ماجه و مسند بزّار) همچنین در حدیثی دیگر آمده است: «ما خالطت الصدقة ـ أو قال: الزكاة ـ مالاً إلا أفسدته؛ هر مالی که صدقه ـ یا فرمود زکات ـ آن پرداخته نشود، هلاک می‌گردد.»(مسند بزّار و بیهقی فی الترغیب)

نتیجهٔ همین بشارت‌ها و هشدارها بود که مسلمانان خود را متولیان فقرا می‌دانستند و به جست‌وجوی فقرا و مستحقان زکات برمی‌آمدند و برای ادای وظیفهٔ مالی خود حرص می‌ورزیدند و تا زکات اموال‌شان را ادا نمی‌کردند و به‌دست مستحقان نمی‌رساندند، آرام نمی‌گرفتند و خوردن و خوابیدن برای‌شان گوارا نمی‌نمود. کسانی‌که زندگی صحابه و سیرت تابعین و پیروان به حق آنان را در ادوار مختلف تاریخ اسلام بررسی کنند، به‌وضوح این مطلب را مشاهده می‌کنند.

مصارف زکات

خداوند متعال مصارف (محل مصرف) زکات را در سورهٔ توبه چنین بیان می‌کند: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللهِ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه:۶۰)؛ «صدقات فقط برای فقیران و بینوایان و کارگزاران [گمارده شده] بر آن و دلجویی‌شوندگان و [برای خرج کردن] در [راه آزادی] بردگان و غرامت‌دهندگان [و وامداران] و [برای هزینه کردن] در راه خدا و در راه‌ماندگان است که [به‌عنوان] حکم مقرر شده از [سوی] خداست. و خداوند دانای فرزانه است.»

زکات بر چه اموالی لازم است؟

اموالی که مشمول زکات می‌شوند، عبارت‌اند از: ۱. طلا و نقره وقتی طلاها به ۸۷/٤۷۹ گرم و نقره‌ها به ٦۱۲/۳۵ گرم برسند؛ ۲. پول‌های نقد وقتی که معادل ٦۱۲/۳۵ گرم نقره و طبق قولی دیگر معادل ۸۷/٤۷۹ گرم طلا یا بیشتر باشند؛ ۳. اموال تجاری اعم از زمین و هر نوع مالی که برای تجارت نگهداری کنند، به‌شرطی که به اندازهٔ نصاب برسند؛ ٤. حیوانات مخصوص که هر نوع حیوان نصاب مشخصی دارد و تفصیلات آن را از علما باید پرسید. به‌غیر از این چهار مورد که ذکر شد

چیزهای دیگر (از قبیل ماشین، فرش، وسایل خانگی و هر چیز دیگر) ولو بیش از نیاز باشند، مشمول زکات نمی‌شوند.(فتاوی‌الهندیة:۱۷۴/۱)

نحوه و زمان ادای زکات

نحوهٔ ادای زکات این است که اگر نزد مسلمانی مقدار معینی از اموال مخصوص(اموالی که در بالا ذکر شد) وجود داشته باشد و یک‌سال بر آنها بگذرد، یک‌چهلم یا به تعبیری دیگر دوونیم درصد آن را به فقرا و مساکین و یا به مصارفی دیگر که خدا و رسول مقرر کرده است، بدهد. (نعمانی،۱۳۸۴: ۴۴) البته باید توجه داشت که هرگاه شخصی مالک نصاب زکات شد، بر او فرض می‌شود که تاریخ آن را به روز و ماه یادداشت کند، سپس چون یک‌سال قمری از آن تاریخ بگذرد، باید مقدار زکات اموال خود را مشخص کند و بپردازد. تأخیر در ادای زکات مکروه است. بسیاری از مردمان زکات خود را در ماه مبارک رمضان حساب می‌کنند و یا چنین می‌پندارند که ماه رمضان، ماه دادن زکات است، درحالی‌که چنین نیست، بلکه شخص در چه روز و در چه ماهی مالک نصاب شده است، یک‌سال بعد(البته یک‌سال قمری) همان موقع باید زکات اموال خود را محاسبه و مشخص کند. چه معلوم که اگر همان موقع مالش را به‌قصد پرداخت زکات حساب نکند، روز بعد یا ماه بعد مالش کمتر شود و او از همان مال کمتر زکات بدهد و با این کار بدون اینکه او متوجه شود، مقداری از زکات بر گردنش باقی می‌ماند. البته اگر در همان موقع مبلغ زکات را مشخص کرد و بعداً در رمضان ادا کرد، زکاتش ادا می‌شود؛ البته تأخیر در ادای زکات، کار پسندیده‌ای نیست.

زکات حدّ اقلِّ همدردی و مواسات است

زکات حدّ اقلِّ کمکی است که توانگران باید به فقرا داشته باشند و هیچ تقصیری از آنان در این مورد پذیرفتنی و بخشودنی نیست. رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، فرموده است: «إِنَّ فِي الْمَالِ حَقًّا سِوَى الزَّكَاةِ؛ در مال [اغنیا] حقوقی غیر از زکات نیز هست.»(ترمذی:۶۶۰) البته صدقاتی که شخص علاوه‌بر زکات می‌دهد، بستگی به روحیهٔ همدردی و احساس مسؤلیت او نسبت‌به هم‌نوعانش دارد.

همدردی با انواع صدقات دیگر

نکتهٔ مهم این است که تعالیم اسلام می‌خواهد از طریق زکات و صدقات، روحیهٔ مواسات و همدردی را در پیروانش ایجاد و تقویت کند. خداوند می‌دانسته که مال تنها حاجت انسان در زندگی‌اش نیست و خلأهای زندگی انسان تنها با مساوات و برابری مالی پر نمی‌شود، بلکه انسان‌ها به مواسات و همدردی بیش از مساوات مالی نیاز دارند و چه‌بسا سخنی شیرین و لطیف که از قلبی برآید و اشکی که از روی مهربانی و عطوفت ریخته شود، از مال‌های هنگفت مفیدتر و کارسازتر واقع می‌شود. انسان گاهی به کمک مالی برادرانش نیز نیاز پیدا می‌کند، اما چه‌بسا بیش از آن نیاز به این دارد که با چهرهٔ بشاش و گفتار نیک با او ملاقات کنند، در درد و غمش با او شریک شوند، به احساسات و عواطفش پاسخ دهند و از انواع همدردی و مواسات در حق او دریغ نکنند.

همه می‌توانند از ثواب صدقه بهره‌مند شوند

پیامبر اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، آنجاکه از راه‌های خیررسانی و انواع صدقات سخن می‌گوید، می‌فرماید: « تَعْدِلُ بَيْنَ الِاثْنَيْنِ صَدَقَةٌ وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ قَالَ وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ... وَتُمِيطُ الْأَذَى عَنْ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ؛ در میان دو کس با عدالت رفتار کردن صدقه است؛ شخصی را برای سوارشدن بر سواریش کمک کردن و کالای او را برایش بلند کردن صدقه است؛ سخنی نیکو با کسی صدقه است؛ چیز آزاردهنده‌ای را از سر راه برداشتن صدقه است.»(مسلم:۱۶۷۷) نیز فرموده است: «يُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفَ قَالُوا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ قَالَ فَلْيَعْمَلْ بِالْمَعْرُوفِ وَلْيُمْسِكْ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهَا لَهُ صَدَقَةٌ؛ [هرشخص] نیازمند ستم‌دیده و فریادخواه را کمک کند! پرسیدند: اگر چیزی نیافت؟ فرمود: به کار خیر و نیکویی امر کند و از بدی بازآید، این نیز صدقه است.» (بخاری:۱۴۴۵) همچنین فرموده است: «تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ وَأَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ وَبَصَرُكَ لِلرَّجُلِ الرَّدِيءِ الْبَصَرِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشَّوْكَةَ وَالْعَظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِفْرَاغُكَ مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ؛ لبخندت هنگام مواجهه با برادرت برایت صدقه است. امر به نیکی و نهی از بدی برایت صدقه است. گم‌گشته را راهنمایی کردن برایت صدقه است. نابینایی را راه‌بردن برایت صدقه است. برداشتن سنگ، خار و استخوان از سر راه برایت صدقه است. ریختن آب از دلو خود در دلو برادرت، برایت صدقه است.»(ترمذی:۲۰۸۳) ❖

منابع:
۱. دهلوی، شاه‌ولی‌الله‌احمدبن‌عبدالرحیم. حجةالله‌البالغة. باتحقیق‌سعیداحمد پالن‌پوری؛ دمشق: دارابن‌کثیر، ۲۰۱۰م.
۲. نعمانی، محمدمنظور. دین‌وشریعت. ترجمهٔ محمدقاسمی. چاپ‌چهارم، زاهدان: انتشارات‌ندوی، ۱۳۸۴.

احکام و مسائل زکات

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

● نصاب وجوب زکات

اگر شخصی علاوه‌بر مخارج خود و خانواده‌اش، بیست مثقال طلا (۸۷/۴۷۹ گرم) یا به‌اندازهٔ آن پول نقد یا مال و وسایل تجاری داشته باشد یا مجموعهٔ طلا و نقره و پول و وسایل تجاری او با قیمت بیست مثقال طلا (۸۷/۴۷۹ گرم) برابر است بعد از گذشت یک سال قمری بر آنها زکات واجب است.

● تملیک در زکات لازم است

تملیک یعنی اموال زکات را به مالکیت فقرا یا وکلای آنان درآورد.

● گرفتن زکات برای چه افرادی جایز نیست؟

به شخصی که علاوه‌بر لوازم اولیه و ضروری زندگی از قبیل مسکن، سواری و وسایل و ظروف خوردونوش و غیره، ۸۷/۴۷۹ گرم طلا داشته باشد، یا طلا، نقره، اموال تجاری، پول نقد و وسایل غیرضروری او جمعاً معادل ۸۷/۴۷۹ گرم طلا باشند، غنی گفته می‌شود و دریافت زکات برای وی جایز نیست.

● به افراد ذیل گرچه فقیر باشند زکات دادن جایز نیست:

۱. (اصول) مانند پدر، پدربزرگ پدری و مادری، مادربزرگ پدری و مادری؛

۲. (فروع) فرزندان(پسر، دختر) نوه دختری، نوه پسری و فرزندان آنها؛

۳. همسر و شوهر هم نمی‌توانند به یکدیگر زکات دهند حتی پس از طلاق تا زمانی که دوران عدت به پایان نرسیده است.

۴. با دادن زکات به کافر زکات ادا نمی‌شود و صدقه محسوب می‌شود.

● زکات اجناس مغازه‌ها

در اجناس و کالاهای تجاری، باید براساس قیمت فروش کلی زکات پرداخت شود، نه قیمت خرید.

در محاسبهٔ سال زکات و پرداخت آن، معیار، گذشتن یک سال قمری است نه شمسی، (بنابراین سپری شدن یک سال براساس سال قمری محاسبه شود).

تأخیر در ادای زکات بدون عذر گناه است.

● به چه چیزهایی اموال تجاری گفته می‌شود؟

به آن دسته از کالاها یا املاک، اموال تجاری گفته می‌شود که آنها را به نیت تجارت و فروش خریده باشد.

● سپری شدن یک سال برای وجوب زکات لازم است

از تاریخی که سرمایهٔ شخص به‌اندازهٔ نصاب شرعی رسیده، سال زکات شروع شده و سال بعد در همان تاریخ یک سال آن تکمیل می‌شود؛ گرچه بر تمامی پول‌ها یک سال نگذشته باشد، زیرا در زکات لازم نیست که بر هر جزء سرمایه سال بگذرد، بلکه شرط این است که در ابتدای سال و پایان آن نصاب زکات تکمیل باشد؛ البته اگر در میان سال تمام سرمایه و پول خود را از دست داد و هیچ مبلغی باقی نماند، در این صورت نصاب قبلی باطل می‌شود.

● زکات مبلغی که برای نیازهای ضروری پس‌انداز شده است

پولی که شخص برای حوایج و نیازهای خود مثل رفتن به حج یا مصارف ازدواج و خرید منزل و ماشین و غیره پس‌انداز می‌کند، اگر به‌اندازهٔ نصاب شرعی برسند و سالی بر آنها سپری شود، باید زکات آن را بپردازد.

● زکات سهام کارخانه‌ها

سهام کارخانه‌ها عبارتند از: ۱. ملک یا زمین کارخانه؛ ۲. ساختمان کارخانه؛ ۳. ماشین‌آلات کارخانه؛ ۴. سرمایهٔ در حال گردش کارخانه.

در نوع چهارم درهرحال زکات واجب است.

اما در سه نوع اول، اگر آنها را برای تجارت و فروش خریده است، پس جزء اموال تجاری محسوب می‌شوند و در آنها زکات واجب می‌گردد، اما اگر به نیت و قصد تجارت نخریده، بلکه قصد درآمدزایی را دارد، در آنها زکات لازم نمی‌شود.

● بخشیدن وام به فقیر به‌جای زکات

از بخشیدن وام در عوض زکات، زکات ادا نمی‌شود و راه درست آن این است که مال زکات را بدون شرط به فقیر بدهد و بعد از وی قرض خود را مطالبه نماید، یا فقیر بدهی خود را پرداخت کند، بعدازآن صاحب پول آن را به‌عنوان زکات به فقیر بدهد.

● دادن جنس به فقیر به‌جای پول نقد

اگر شخصی بخواهد به‌جای پول به فقیر جنس و کالا بدهد و یا به‌طورکلی می‌خواهد چیزی غیر از جنسی که زکات بر آن واجب شده، به‌عنوان زکات بپردازد، زکات ادا می‌گردد، به‌شرطی‌که آن چیزی که می‌خواهد بدهد از لحاظ قیمت به‌اندازهٔ قیمت همان چیزی باشد که ابتدا مشمول زکات شده است. ❖

نماز تراویح در عهد خلیفۀ چهارم علی مرتضی رضی‌الله‌عنه

مولانا محمدنافع

نماز تراویح در دین اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و شیوۀ مسنونی‌ست که از عهد نبی‌اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، تاکنون ادامه دارد.(الصحیح‌لابن‌خزیمه:۳/۲۳۷،مشکوة:ص۱۱۴) بعد از پیامبر اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، صحابه به این سنّت عمل کردند.(السنن‌الکبری:۲/۴۹۶) ما در اینجا قول و عمل خلیفۀ چهارم حضرت علی رضی‌الله‌عنه، را در رابطه با نماز تراویح بیان می‌کنیم.

۱. عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللهِ الثَّقَفِيِّ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَرْفَجَةُ، قَالَ: «كَانَ عَلِيٌّ يَأْمُرُ النَّاسَ بِقِيَامِ رَمَضَانَ، وَكَانَ يَجْعَلُ لِلرِّجَالِ إِمَامًا، وَلِلنِّسَاءِ إِمَامًا. قَالَ عَرْفَجَةُ: فَأَمَرَنِي عَلِيٌّ، فَكُنْتُ إِمَامَ النِّسَاءِ»(بیهقی،السنن‌الکبری:۴۷۸۹.مؤطامحمد:۲۳.شعب‌الایمان:۳۰۰۳. مصنف‌ابن‌ابی‌شیبه:۶۲۰۸.مصنف‌عبدالرزاق:۵۱۲۵)

حضرت عرفجه از بزرگان عهد حضرت علی مرتضی روایت می‌کند که حضرت علی در شب‌های ماه رمضان مرد و زن را برای نماز تراویح جمع می‌کرد و برای مردها و زن‌ها دو امام جماعت جداگانه مقرر می‌کرد تا با آنها نماز تراویح را اقامه کنند. حضرت عرفجه می‌گوید که حضرت علی مرا برای امامت زن‌ها مقرر کرد و من نماز تراویح را با آنها اقامه می‌کردم و برای رعایت حجاب آنها تمهیداتی اندیشیده شده بود.

۲. عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: «دَعَا الْقُرَّاءَ فِي رَمَضَانَ، فَأَمَرَ مِنْهُمْ رَجُلاً يُصَلِّي بِالنَّاسِ عِشْرِينَ رَكْعَةً» قَالَ: «وَكَانَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يُوتِرُ بِهِمْ»(بیهقی،السنن‌الکبری:۴۸۰۴.مؤطا محمد:۲۳) و روی من وجه آخر عن علی.(المنتقی‌للذهبی،ص۵۴۲)

ابوعبدالرحمان السلمی می‌گوید که حضرت علی در ماه رمضان قاریان را فراخواند و یکی را دستور داد که بیست رکعت نماز تراویح را امامت کند و خود حضرت علی مرتضی سه رکعت نماز وتر را امامت می‌کرد.

۳. عَنْ شُتَيْرِ بْنِ شَكَلٍ وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، «أَنَّهُ كَانَ يَؤُمُّهُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً، وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ. »(بیهقی،السنن‌الکبری:۴۸۰۳)

شتیربن شکل از شاگردان حضرت علی، در رمضان بیست رکعت نماز تراویح را اقامه می‌کرد و سه رکعت وتر می‌خواند.

۴. «كَانَ يَؤُمُّنَا سُوَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ فِي رَمَضَانَ فَيُصَلِّي خَمْسَ تَرْوِيحَاتٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً»(همان)

سویدبن غفله شاگرد مشهور حضرت علی، در رمضان بیست رکعت نماز تراویح را با پنج ترویحه امامت می‌کرد.

۵. «أَنَّ عَلِيًّا أَمَرَ رَجُلاً يُصَلِّي بِهِمْ فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً »(مصنف‌أبی‌شیبه:۷۷۶۳)

حضرت علی در ماه رمضان دستور داده بود که بیست رکعت نماز تراویح بخوانند.

خلاصه اینکه خواندن بیست رکعت نماز تراویح از عهد نبوی ثابت است و به‌ویژه در عهد عمر رضی‌الله‌عنه، (۱٤ هـ‌ق) با اهتمام ویژه‌ای بر آن عمل شد. سپس در عهد عثمان رضی‌الله‌عنه، این سنّت ادامه یافت و سپس در عهد علی رضی‌الله‌عنه، نیز به روال سابق بیست رکعت نماز تروایح با جماعت ادا می‌شد. بنابراین نماز تراویح از عمل صحابه نیز ثابت است و حضرت علی و فرزندان ایشان نیز بر این سنّت عمل کردند و در این مسئله هیچ اختلافی در عهد علوی رخ نداد. از آن زمان تاکنون نماز تراویح با جماعت در مساجد برگزار می‌شود. عمل صحابه دلیلی قوی بر ثبوت هر امر است؛ چنانکه این قاعدۀ مهم بین علما مشهور است: «التوارث و التعامل هو معظم الدین، یعنی اذا ثبت تعامل الصحابة بامر فهو حجة قاطعة و سنة ثابتة لایمکن دفعها؛ توارث و تعامل مسئلۀ مهمی‌ست در دین؛ یعنی زمانی که مسئله‌ای با تعامل صحابه ثابت شود آن حجت قطعی و سنّت ثابتی‌ست که نمی‌توان آن را رد کرد.»(کشمیری،فیض‌الباری:۲/۲۵۴)

و نیز پیامبر فرمود: «إِنَّ أُمَّتِي لاَ تَجْتَمِعُ عَلَى ضَلاَلَةٍ؛ امت من بر گمراهی اجماع نمی‌کنند.(ابن‌ماجه:۳۹۵۰) لذا تعامل مسلمانان در برگزاری نماز تراویح در تمام ادوار نمی‌تواند اجماع امت بر گمراهی باشد، و این نه یک بدعت، بلکه سنّت است.

نماز تروایح در کتب شیعه

امام جعفر صادق رحمه‌الله، روایت می‌کند که رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، در ماه رمضان بعد از نماز عشا بر نوافل می‌افزود. زمانی‌که پیامبر برای نماز بلند می‌شد مردم به ایشان اقتدا می‌کردند و نماز می‌گزاردند. اندکی بعد پیامبر آنها را ترک می‌کرد و به خانه تشریف می‌برد. سپس از خانه بیرون تشریف آورد و مردم دوباره به ایشان اقتدا کردند. بدین‌گونه پیامبر چندین بار آنها را ترک می‌کرد و به خانه می‌رفت و دوباره تشریف می‌آورد و نماز اقامه می‌کرد. امام جعفر می‌گوید که رسول اکرم فرمود که به‌غیر از رمضان در دیگر شب‌ها بعد از نماز عشا نفل نخوانید.

ابی عبدالله علیه السلام قال: «کان رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم یزید فی صلاته فی شهر رمضان إذا صلی العتمة صلی بعدها یقوم الناس خلفه فیدخل ویدعهم، ثم یخرج أیضا فیجیئون ویقومون خلفه فیدخل ویدعهم مرارا» قال وقال: «لا تصل بعد العتمة فی غیر شهر رمضان»(فروع‌کافی:۳۹۶/۱.الاستبصارللشیخ طوسی:۲۳۱ـ۳۲. تهذیب‌الاحکام للشیخ طوسی:۱۳۰ـ۱۳۱)

از روایات بالا معلوم می‌شود که در رمضان بعد از نماز عشا، نوافل را با جماعت می‌خواندند و در برخی روایات بیست‌ودو رکعت نفل نیز ثابت است. همین نوافل، نماز تراویح است، البته با تفاوت در نام که آنان (اهل تشیع) این نماز را نفل می‌گویند و ما (اهل سنّت) به آن نماز تراویح می‌گوییم. ❖

منابع:
منبع: سیرت سیّدنا علی المرتضی. ترجمۀ محمد ذاکری‌فر. ص:۵۰۵ـ۵۰۹

احکام و مسائل نماز تراویح

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

* خواندن نماز تراویح در ماه مبارک رمضان برای مردها و زن‌ها سنت مؤکده است.
* خواندن نماز تراویح از شبی که هلال ماه رمضان رؤیت شده شروع می‌شود و تا شبی که هلال ماه شوال رؤیت می‌شود، ادامه دارد.
* نماز تراویح تابع روزه نیست، لذا بر افرادی که توانایی روزه گرفتن ندارند، خواندن نماز تراویح سنت مؤکده است و درصورت ترک آن گناهکار محسوب می‌شوند. (مراقی‌الفلاح)
* وقت خواندن نماز تراویح بعد از نماز عشا شروع می‌شود و تا فجر صادق ادامه دارد. لذا خواندن نماز تراویح قبل از نماز عشا درست نیست و تراویح محسوب نمی‌شود
* اگر شخصی بعد از نماز عشا، نماز تراویح خواند و سپس معلوم شد که در نماز عشا دچار سهو شده است، لازم است نماز عشا و تراویح را دوباره بخواند.
* خواندن وتر بعد از پایان نماز تراویح بهتر است و اگر قبل از نماز تراویح کسی نماز وتر بخواند، نماز وتر وی درست است.
* اگر شخصی نماز عشا را با جماعت نخوانده است، بهتر است تراویح را نیز با جماعت نخواند. زیرا نماز تراویح تابع نماز عشا است. اما اگر همین شخص بعدازاینکه نماز عشا را به‌صورت انفرادی خواند، با جماعتی که دارند نماز تراویح می‌خوانند شریک شود، اشکالی ندارد و درست است؛ زیرا این شخص در نماز تابع جماعت است.
* اگر شخصی زمانی به مسجد رسید که نماز جماعت عشا تمام شده بود، ابتدا فرض عشا را بخواند، سپس در نماز تراویح شریک شود. و تعداد رکعاتی را که از نماز تراویح فوت شده است، بعد از نماز وتر بخواند.
* ختم قرآن یک‌مرتبه در نماز تراویح از اول تا آخر به ترتیب سوره‌های قرآن سنت مؤکده است. نباید به‌خاطر سستی و تنبلی مردم ترک شود.
* خواندن تراویح در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان سنت مؤکده است.
* نزد احناف خواندن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» در ابتدای یکی از سوره‌ها با صدای بلند در نماز تراویح لازم است؛ زیرا بسم‌الله الرحمن الرحیم یک آیه از قرآن مجید است، و اگر با صدای بلند خوانده نشود، ختم قرآن کامل نمی‌گردد.

تعداد رکعات نماز تراویح

* نماز تراویح به اجماع صحابه کرام وائمه اربعۀ اهل سنت وجماعت بیست رکعت است.

روش خواندن نماز تراویح

* نماز تراویح بیست رکعت است و مانند سایر نمازها به‌صورت دو رکعت دو رکعت با یک سلام خوانده می‌شود و اگر به‌صورت چهار رکعتی با یک سلام خوانده شود، نیز ادا می‌شود. ❖

نماز تهجد و تأثیر آن در سعادت دنیا وآخرت

دکتر عبیدالله بادپا

واضح است که عبادات و اعمال نیک انسان را به قرب الهی می‌رسانند و اگر انگیزه درست و الهی باشد، تمام حرکات انسان حتی عادت‌های طبیعی او مانند خوردن و خوابیدن، تجارت و کشاورزی، گردش و تفریح نیز وسیلهٔ قرب الهی قرار می‌گیرند. از میان عبادات و اعمال، نماز از مهم‌ترین اعمالی است که راحت و سعادت دنیا و آخرت را دربردارد.

نماز خودش به انواعی مانند فرض، واجب، سنّت و نفل تقسیم می‌شود که هرکدام احکام و فضایل، فلسفه و حکمت‌های ویژه‌ای دارند، کمااینکه هرکدام در راستای اصلاح و خودسازی و در تأمین اهداف مشروع انسان نقش مؤثری ایفا می‌کنند. از تدبر در آیات قرآن و مطالعهٔ روایات چنین برمی‌آید که از میان نمازها بعد از فرایض، واجبات و سنن، مهمترین نمازی که به ادای آن خیلی تأکید شده است و فضایل و فواید متعددی دربردارد، نماز شب (تهجد) است. این نماز در راستای خودسازی و قرب الهی، و اصلاح و اعتلای روح‌وروان و تندرستی ظاهری و باطنی انسان سازنده‌ترین و مؤثرترین عمل است. در این نوشتار سعی شده است دربارهٔ نماز شب و فضایل، فواید و احکام آن، در پرتوی آیات، روایات، تجربیات و واقعات، مطالبی تقدیم خوانندگان گردد.

فلسفهٔ و حکمت نماز تهجد

شب و روز را خدا آفریده است و همه ازآنِ اویند؛ روز برای کسب‌وکار است و شب برای دعا و نیایش به‌حضور پروردگار. صفاوصمیمت و سکون‌و آرامشی که الله‌تعالی در تاریکی‌های شب گذاشته است در روز هرگز میسر نمی‌شود؛ زیرا تمام موجودات عالم در شب به سکوت و سکون فرومی‌روند و خلوتی جهان هستی را فرامی‌گیرد. انسان شب‌زنده‌دار با دعاونیایش خود مثل مهتابی در آن خلوت و تاریکی می‌درخشد و مورد الطاف و عنایات پروردگار قرار می‌گیرد. شاید بنابر همین صفاوصمیمیت است که نمازهای فرض شب مانند عشا و مغرب و فجر با قرائت جهری خوانده می‌شوند.

و نکتهٔ دیگر این‌که در روایات متعدد آمده است: «يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الآخِرُ، يَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ؛ پروردگار ما هر شب به آسمان دنیا با عنایت و رحمت‌های خاص متوجه می‌شود، وقتی که ثلث آخر شب به پایان رسد، می‌فرماید: کیست که مرا بخواند و من اجابتش کنم، کیست که از من سؤال کند و به او عطا کنم، کیست از من آمرزش بخواهد و من او را ببخشایم.»(بخاری:۱۰۹۴)

و در روایت دیگری آمده است: «کیست از من شفا بخواهد تا او را شفا بخشم، کیست که از من رزق بخواهد تا به او روزی بدهم.»

الله‌تعالی انسان را آفریده و مشکلات و ضرورت‌ها، حاجت‌ها و آرزوهای زیادی فرا راه وی گذاشته است. سپس با لطف و مهربانی‌اش برای رفع و برآورده ساختن آنها برنامه‌ها، عبادت‌ها و اوقات مخصوصی به وی آموخته است. شب که فرامی‌رسد به‌ویژه سحرگاهان، خداوند الطاف و رحمت‌های خاص خودش را بر جهانیان می‌گستراند. در آن تاریکی‌ها از یک‌سو شیاطین و نمایندگان فسق و ارواح خبیثه به حرکت درمی‌آیند تا انسان‌ها را به منجلاب فسق و غفلت بکشانند و از دیگرسو رحمت‌ها و عنایات الهی به‌جوش می‌آیند تا بندگان را از گزند و گمراهی آنها در حفظ و امان نگه‌دارند.

آیه‌هایی از قرآن در مورد نماز تهجد

۱. ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾(مزمّل:۶)؛ «به‌یقین شب‌زنده‌داری در سازگاری زبان و دل مؤثرتر و در سخن استوارتر است.»

۲. ﴿أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ﴾(زمر:۹)؛ «آیا [کسی‌که شرحش را گفتیم، بهتر است] یا کسی‌که او در لحظه‌لحظهٔ شب سجده‌کنان

و ایستاده به عبادت می‌پردازد. درحالی‌که از آخرت می‌ترسد و به بخشایش پروردگارش امید می‌دارد؟»

۳. ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾(ذاریات:۱۷ـ۱۸)؛ «[چنین بود] که اندکی از شب می‌خوابیدند و آنان به هنگام سحر آمرزش می‌خواستند.»

٤. ﴿الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾(آل‌عمران:۱۷)؛ «همان شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و بخشندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهان.»

فضیلت و فواید نماز تهجد در آیینهٔ احادیث

پیامبر اسلام در روایت‌های زیادی اهمیت نماز تهجد را بیان کرده و به ادای آن توصیه فرموده است، ضمناً در بعضی روایات به فواید دنیوی آن نیز اشاره نموده است که با ذکر پاره‌ای از آنها تحت عنوان‌های خاص بسنده می‌کنیم:

ـ تأکید به نماز شب

«عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ، فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ؛ نماز شب را بر خود لازم بگیرید؛ زیرا مواظبت بر آن، شیوه و روش نیکان قبل از شما بوده است.»(ترمذی:۳۵۴۹) این روایت ضمن تأکید به نماز تهجد آن را از روش نیکان امت‌های گذشته برشمرده است و به این مطلب اشاره دارد که در ادیان گذشته پای‌بندی به نماز تهجد یکی از معیارهای تقوا و صلاح بوده است و این امت که خیرالأمم و پیرو افضل‌الرسل است، شایسته‌تر به خواندن نماز تهجد است.

ـ تهجد افضل‌ترین نفل بعد از نمازهای فرض

«إِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْمَفْرُوضَةِ، الصَّلَاةُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ؛ بعد از نماز فرض بهترین نماز آن است که در دل شب خوانده شود.»(المعجم‌الکبیر:۱۶۷۴) مراد از نمازی که در دل شب ادا می‌شود، قطعاً نماز تهجد است. روایت‌های زیاد دیگری نیز دربارهٔ افضل بودن نماز تهجد در مقابل دیگر نوافل آمده است.

ـ نماز تهجد مایهٔ نشاط و پاکیزگی

در روایت مشهور از بخاری و مسلم آمده است که وقتی کسی از شما می‌خوابد، شیطان بر پشت سر او سه‌گره می‌زند و روی هر گرهی می‌نویسد: شبی طولانی در پیش داری، بخواب. حال اگر شخص بلند شود و خدا را با ذکر و دعا و غیره یاد کند، یک گره باز می‌شود، چون وضو بگیرد، گره دیگری باز می‌شود، و وقتی نماز بخواند، همهٔ گره‌ها گشوده می‌شوند. سپس در ادامه فرمود: «فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ

كَسْلَانَ؛ آن شخص بعد از ادای نماز تهجد در حال نشاط و پاکیزگی نفس صبح می‌کند و گرنه با نفسی پلید و در حالت سستی و کاهلی صبح می‌کند.»(بخاری:۱۱۴۲)

هر عبادت مایهٔ نشاط روح‌وروان است، اما با توجه به این روایت، نماز تهجد در طراوت و شادابی روح‌وروان، و گره‌گشایی و تقویت انسان تأثیر به‌سزایی دارد؛ انسان تهجدگذار از توانمندی و برنامه‌ریزی ویژه‌ای برخوردار است و تجربه بر این امر شاهد است که چنین شخصی در راستای مدیریت و کنترل اوضاع و احوال زندگی انفرادی و اجتماعی خود از دیگران موفق‌تر است.

ـ نماز تهجد وسیلهٔ قرب الهی، کفارهٔ گناهان و بازدارنده از هر معصیت

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرمود: «عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ، فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ، وَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ، وَمَكْفَرَةٌ لِلسَّيِّئَاتِ، وَمَنْهَاةٌ عَنِ الإِثْمِ؛ نماز شب را لازم بگیرید که شیوهٔ نیکان قبل از شما و وسیلهٔ قرب و نزدیکی به پروردگار است و کفارهٔ بدی‌ها و بازدارنده از گناه است.»(ترمذی:۳۵۴۹)

ـ دعای رحمت پیامبر برای همسر و شوهر تهجدگزار

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرمود: رحمت خدا بر مردی باد که شب از خواب برمی‌خیزد و نماز تهجد می‌خواند و همسرش را نیز بیدار می‌کند تا او هم نماز بخواند و اگر سستی نشان دهد، بر چهره‌اش آب می‌پاشد که برای تهجد بیدار شود. رحمت خدا بر زنی باد که آخر شب برمی‌خیزد و نماز تهجد می‌گزارد و شوهرش را هم برای نماز خواندن بیدار می‌کند و اگر امتناع ورزد، بر چهره‌اش مقداری آب می‌پاشد تا برای نماز تهجد بیدار شود.(ابوداود)

ـ جایگاه خاص در جنت برای تهجدگزاران

باری آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم کاخ‌ها و قصرهای

زیبایی از جنت را ذکر کرد. ابومالک اشعری پرسید: آنها برای چه کسانی هستند؟ آن‌حضرت فرمود: «لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَبَاتَ قَائِمًا وَالنَّاسُ نِيَامٌ؛ برای کسی‌که زیبایی گفتار دارد و به نیازمندان طعام می‌دهد و شب را درحالی‌که دیگر انسان‌ها در خواب به‌سر می‌برند، با نماز سپری می‌کند.»(ترمذی:۱۹۸۴)

ـ نماز تهجد باعث سلامتی و تندرستی بدن

طبق بعضی از روایت‌ها در آخرِ حدیث مشهوری که در آن به نماز تهجد تأکید و توصیه شده است، آمده است: «وَمَطْرَدَةٌ لِلدَّاءِ عَنِ الْجَسَدِ؛ نماز تهجد بیماری را از تن می‌زداید.»(سنن‌کبری بیهقی:۴۸۳۳) به گفتهٔ بعضی از پزشکان نماز تهجد جهت پیشگیری سکته‌های قلبی تأثیر خاصی دارد.

کارهایی که در بیدار شدن برای تهجد کمک می‌کند

اهمیت و جایگاه نماز تهجد را بیشتر افراد می‌دانند، بعضی آرزو می‌کنند که نماز شبی نصیب‌شان شود، ولی در عمل به این سعادت بزرگ نایل نمی‌آیند. لذا مناسب است به بعضی عوامل و اصول که مراعات آنها در این امر کمک می‌کند، اشاره شود:

۱. تدبر و مطالعهٔ آیه‌های مربوط به نماز تهجد، و نیز احادیثی که دربارهٔ فضیلت و فواید آن وارد شده است؛ بعضی از علمای گذشته و معاصر روایت‌هایی پیرامون نماز تهجد به‌صورت جداگانه گردآوری کرده‌اند که مطالعهٔ آنها نیز در این مورد مفید خواهد بود، ازجمله «التهجدوقیام اللیل» اثر ابن‌ابی‌الدنیا و «قیام‌اللیل» اثر المروزی.

۲. تصور روز رستاخیز و صحنه‌های وحشتناک قیامت، و تصور اینکه عابدان شب‌زنده‌دار در آن روز ایمن می‌شوند، و نیز تصور لذت و شیرینی ملاقات و دیدار با پروردگار در آن روز که نصیب نیکان و شب‌زنده‌داران می‌شود، قیام شب را آسان می‌کند.

۳. اجتناب از گناه و معصیت؛ آری، برای توفیق به نماز تهجد و دعاونیایش و جلب رحمت‌های الهی لازم است انسان از هر نوع گناه پرهیز کند و راه نیکی و تقوا را اختیار نماید؛ چون بسا نیکی کردن باعث انجام دادن نیکی‌های دیگر می‌شود و ارتکاب یک گناه، به گناه دیگری می‌کشاند. حسن بصری می‌فرماید: چه‌بسا انسان گناهی می‌کند و به سبب آن از شب‌بیداری و روزه گرفتن محروم می‌شود.(ابوطالب‌مکی، [بی‌تا]:۱/۱۱۴) سفیان ثوری می‌فرماید: گناهی را مرتکب شدم و به سبب آن، مدت پنج‌ماه از نماز شب محروم ماندم. پرسیدند چه گناهی بود؟ گفت: شخصی را دیدم گریه می‌کرد، در دلم گفتم این شخص ریاکار است.(همان:۱/۱۱۳)

۴. پرهیز از پرخوری؛ پرخوری باعث خواب زیاد می‌شود، به‌ویژه هنگام شب و بعد از عشا باعث سستی و کسالت می‌شود و گاهی انسان به سبب آن تا نماز فجر بلکه تا طلوع آفتاب در خواب غفلت می‌ماند.

عارف رومی چه زیبا فرموده است:

اندکی صرفه بکن از خواب و خور
ارمغان بهر ملاقاتش ببر
شو قلیل النوم مما یهجعون
باش در اسحار از یستغفرون

(دفتر اول، ابیات:۳۱۸۱ـ۱۳۸۲)

۵. زود خوابیدن در شب؛ رسم بدی که امروزه امت اسلامی بدان گرفتار است، دیرخوابیدن در شب است. ساعت‌ها از وقت ما مسلمانان در مجلس‌های بیهوده و تماشای ماهواره‌ها و شب‌نشینی ضایع می‌گردد. آن‌حضرت در گفتار صریحی از شب‌نشینی و نشستن در مجالس بیهوده بعد از عشا منع فرموده است. یکی از علت‌های منع همین است که انسان زود بخوابد تا بتواند قبل از طلوع صبح صادق از خواب بیدار شود و از فضیلت نماز تهجد و رحمت‌ها و عنایات الهی در آخر شب محروم نماند.

۶. همکاری و هم‌فکری اعضای خانواده برای آن؛ جای دارد که برای نیل این فضیلت مهم اعضای خانواده به‌ویژه پدر و مادر با مشورت و هم‌فکری جهت بیدار شدن قبل از صبح صادق برنامه‌ریزی کنند و فضیلت این کار را که با این برنامه‌ریزی و هم‌فکری مصداق دعای پیامبر قرار می‌گیرند، درنظر بگیرند.

۷. استعانت از خواب ظهر (قیلوله)؛ خوابیدن در ظهر که بعضی آن را مستحب نیز گفته‌اند، جهت بیدار شدن در وقت تهجد کمک می‌کند. آن‌حضرت فرمود: «اسْتَعِينُوا بِطَعَامِ السَّحَرِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ، وَبِالْقَيْلُولَةِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ؛ برای روزه گرفتن از سحری خوردن و برای شب‌بیداری از خواب ظهر کمک بگیرید.»(ابن‌ماجه:۱۶۹۳) قبل از ظهر یا بعد از ظهر اندکی خوابیدن برای بیداری در آخر شب تأثیر به‌سزایی دارد. به امید توفیق خدا؛ بارالها! دعای نیم‌شب و آه سحری نصیب‌مان بفرما، آمین. ❖

منابع

۱. ابن‌الجوزی، عبدالرحمن. زادالمسیر فی علم التفسیر. تحقیقِ عبدالرزاق المهدی. بیروت: دارالکتاب‌العربی، ۱۴۳۱هـ.

۴. المکی، ابوطالب. قوت‌العکوب. ترجمهٔ اردو مولانا صدرعالم. [بی‌جا]: دارالإشاعت، [بی‌تا].

۶. مولوی، محمّدبن محمد. مثنوی معنوی نسخهٔ نیکلسون. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۶هـ.ش.

دعا و نیایش

عبداللطیف نارویی

اگر بنده با پروردگار خویش، ارتباط داشته باشد، همواره پیروز و کام‌روا خواهد بود؛ وگرنه انسان دچار سرگردانی و پریشانی می‌گردد.

بی‌گمان یکی از راه‌های بسیار نزدیک و ارزشمند ارتباط با الله، «دعا» است، راهی که آدمی هرگاه و هرجا بخواهد می‌تواند از طریق آن با پروردگارش ارتباط برقرار و با آن ذات بی‌همتا راز و نیاز کند.

خداوند در کلام پاکش از ما خواسته است: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ [در حاجات و مشکلات فقط] مرا بخوانید، به داد شما می‌رسم.(غافر:۶۰) همچنین متذکّر شده است: ﴿وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾؛ [ای پیامبر] و چون بندگانم دربارهٔ من از تو بپرسند، [بگو:] به‌راستی که من نزدیکم؛ قبول می‌کنم دعای دعاکننده را هنگامی که مرا [به دعا] بخواند.(بقره:۱۸۶)

دعا در قرآن

دعا از موضوعات مهم و برجستهٔ قرآنی‌ست که در این کتاب حکیم به‌گونه‌های مختلف از آن ذکر شده است. خداوند در قرآن به دعا دستور داده است تا بندگان اهمیت آن را دریابند.

در قرآن به برخی آثار دعا اشاره شده است. ازجمله:

هرکس دعا کند، از حسنه و نیکی بهره‌مند می‌گردد؛ گناهانش مغفرت می‌شود؛ امداد و یاری خداوند شامل حالش می‌شود؛ دعا در درمان بیماری تأثیر فراوان دارد؛ سبب نزول رحمت خداوند می‌گردد؛ خواسته‌های دعاکننده برآورده می‌شود؛ اندوه و غم انسان برطرف می‌شود؛ بر اثر دعا آدمی از گناه مصون می‌ماند؛ محبوب خداوند قرار می‌گیرد؛ از دوزخ رهایی می‌یابد؛ همراهی نیکان نصیبش می‌گردد؛ در فرزندان و ذُرّیهٔ او تأثیر نیکو می‌گذارد و آن‌ها را گرویدهٔ دین و راه صلاح می‌کند؛ خداوند در کارها او را راهنمایی می‌کند؛ قلب او را بر ایمان مستحکم می‌گرداند؛ در رزق و روزی او می‌افزاید؛ فرزندانش را سبب روشنایی دیدگانش می‌گرداند؛ او را به مرتبهٔ پیشوایی می‌رساند.

بنابرین انسان باید دعا را جزو برنامهٔ اصلی زندگی خویش قرار دهد تا از این طریق بتواند پله‌های ترقّی و قرب خداوند عزّوجلّ را بپیماید و دروازه‌های رحمت خداوند را بر خود بگشاید. آنانی‌که با دعا رابطه‌ای ندارند و به آن متوسّل نمی‌شوند، با مشکلات فراوانی در زندگی مواجه می‌شوند.

همان‌گونه که خداوند عزّوجلّ راز و نیاز و دعای بندگان را می‌پسندد؛ بی‌اعتنایی به دعا را نمی‌پسندد، زیرا این عمل نوعی بی‌نیازی از رحمت خداوند است و استکبار شمرده می‌شود. علامه شوکانی در تشریح آیهٔ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾، نوشته است: «دعا، عبادت است و ترک دعا استکبار است، بلکه قبیح‌ترین نوع استکبار به‌شمار می‌رود.»(شوکانی،تحفةالذاکرین:۲۸)

دعا و نیایش در زندگی پیامبر اسلام

دعا و نیایش در زندگی رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وسلّم جایگاه ویژه‌ای داشت، به‌گونه‌ای که دعاکردن از برجستگی‌های زندگی ایشان بود. آن‌حضرت با توجّه به مسئولیت خطیرش، به‌وسیلهٔ دعا از سرچشمه‌های فیض و قدرت الهی در برابر تهاجم گستردهٔ مشکلات ظاهری و باطنی استفاده می‌کرد؛ بلکه با دعا به بهترین صورت خداوند را عبادت می‌کرد، و دعا را مغز عبادت نامید: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»(ترمذی:۳۳۷۱) در جایی دعا را خود عبادت و برترین عبادت ذکر کرد: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»(مسنداحمد:۱۸۳۷۸)، «أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ»(مستدرک‌حاکم:۱۸۰۵)

با توجه به جایگاه والای دعا در زندگی پیامبر اسلام، می‌توان دعاهای ایشان را بخش مستقلّی از دلایل نبوّت نامید، چنانکه امام سیّد ابوالحسن علی ندوی می‌نویسد: کار احیاگری و کامل‌سازی

نبوّت محمّدی به این‌جا پایان نمی‌یابد، بلکه آن‌حضرت روش دعا را نیز به امّت آموخته است. ایشان میراث بشری و گنجینهٔ ادبیات جهان را از جواهر گران‌بهای دعا سرشار ساخت؛ جواهری که در گران‌بهایی و درخشش جز در صحیفه‌های آسمانی نظیری ندارد. ایشان با مالک و پروردگار خود با الفاظی دعا و مناجات کرد که هیچ انسانی نمی‌تواند الفاظی مؤثّرتر و بلیغ‌تر و موزون‌تر و مناسب‌تر از آن‌ها ارائه کند. این دعاها بخش مستقلّی از دلایل نبوّت هستند و هر یک از کلمات آنها گواهی می‌دهد که از زبان یک پیامبر بیرون آمده‌اند. در این دعاها نور نبوّت، یقین پیغمبر و نیاز «عبد کامل» مشهود است.(ندوی، سیرهٔ محمّدی در آیینهٔ دعا و نیایش: ۲۲)

جامعیت و گستردگی دعاهای نبوی

دعاهای رسول اکرم ـ صلّی‌الله علیه‌وسلّم ـ جامع و کوتاه هستند و خواندن و به ذهن سپردن آنها بسیار آسان است، امّا از لحاظ معنا چنان گسترده و فراگیرند که رفع هر نیاز انسان در آن‌ها لحاظ شده است، چنان‌که در دعایی فرموده‌اند:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ؛ ای الله! دینم را نیکو گردان که نگهبان امور من است، و دنیایم را نیکو گردان که در آن معاش من است، و آخرتم را نیکو گردان که محل بازگشت من است، و لحظه لحظه زندگی‌ام را باعث پیشرفت و ترقی در کارهای خیر بگردان، و مرگم را موجب رهایی از هر بدی قرار ده.»(مسلم:۷۰۷۸)

در این دعای جامع، قبل از هر چیزی اصلاح دین را که سرچشمهٔ اصلاح تمامی امور زندگی است خواستار شده است ضمن آن که اصلاح دنیا را نیز از یاد نبرده است؛ زیرا ممکن است بدون اصلاح دنیا در کار دین نیز خلل به‌وجود آید و اصلاح آخرت که سرانجام هر انسانی است نیز مدنظر قرار گرفته است. از خداوند خواسته شده زندگی را باعث ازدیاد خیر، و مرگ را سبب راحتی از هرگونه شری بگرداند.

همچنین رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم به امّتش توصیه می‌کند تا هر حاجت و نیازی را از خداوند بخواهند. هم دربارهٔ نیازهای دینی و اخروی و هم دربارهٔ نیازهای مادّی و دنیوی و همواره در هر مشکلی به سوی او متوجّه شده و از او یاری و مدد بطلبد، چنان‌که در حدیثی می‌فرماید: «لِيَسْأَلْ أَحَدُكُمْ رَبَّهُ حَاجَتَهُ ... وَحَتَّى يَسْأَلَهُ شِسْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ؛ هر یکی از شما نیازهای خود را از خداوند بخواهد حتی اگر بند کفشش پاره شد باز هم از خداوند مدد بطلبد.»(ترمذی:۳۹۶۳)

در جایی می‌فرماید: «لاَ تَعْجِزُوا فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ لاَ يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ»(مستدرک حاکم:۱۸۱۸)؛ در دعا کردن ضعف و سستی نشان ندهید، زیرا هلاکت نمی‌شود کسی دعا بکند. به‌همین دلیل است که خود حضرت رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم از چشمی که در پیشگاه خداوند گریان نباشد به خدا پنا می‌برد، و در دعایی دیگر از خداوند دیدهٔ گریان مسئلت می‌نماید تا با ریختن اشک مزرعهٔ دل را آبیاری کند.

برخی از عوامل اجابت دعا

۱. خوردن مال حلال و پرهیز از حرام است. رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در حدیثی فرموده است که مسافری که سفری طولانی در پیش گرفته و خسته و درمانده و پراکنده‌مو است و گرد و غبار سفر بر چهره‌اش نشسته است، با چنین وضعی دست‌هایش را به‌سوی آسمان دراز می‌کند و خداوند را با «یا رب! یا رب!» می‌خواند، امّا غذاها، نوشیدنی‌ها و لباس‌هایی که این فرد از آن استفاده کرده از مال حرام بوده است؛ پس چگونه دعایش پذیرفته می‌شود.(رواه مسلم)

۲. استقامت بر شریعت و اطاعت از دستورات الله نیز سبب می‌گردد تا دعای انسان در بارگاه الهی پذیرفته شود؛ زیرا این امر رضایت الله تعالی را در بردارد و هرگاه الله تعالی از بنده‌اش راضی شود او را با الطاف خویش می‌نوازد و دعای او را می‌پذیرد، چنان‌که فرموده است: ﴿وَأَلَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾(جن:۱۶) «و اینکه اگر [بنی‌آدم] بر شیوه [راستین اسلام] پایدار می‌ماندند به آنان آب [و امکاناتی] بسیار بهره می‌دادیم.»

از رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم، روایت شده که خداوند عزّوجلّ فرموده است: بندگانم اگر اطاعت مرا بکنند شب‌ها بر آنان باران نازل می‌کنم و در روز خورشید را بر آنان می‌تابانم و آواز رعد را به آنان نمی‌شنوانم.(رواه احمد فی مسنده)

۳. توبه و استغفار از گناهان؛ زیرا خداوند بندهٔ پشیمان را به بارگاهش می‌پذیرد به شرط آن‌که از ته دل توبه

کرده باشد. خداوند عزّوجلّ در این باره می‌فرماید: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾(نوح:۱۰ـ۱۲) «سپس گفتم: از پرودگارتان آمرزش بخواهید بی‌گمان او بس آمرزنده است. تا [باران] آسمان را پیاپی [و فراوان] بر شما فرو ریزد، و شما را با [بخشیدن] اموال و فرزندان مدد رساند و به شما باغ‌ها دهد و برایتان رودها قرار دهد.»

٤. دوری از خواهشات و هوس‌های ناجایز نفسانی و زهد و بی‌رغبتی از دنیا. این امر سبب می‌گردد که آدمی مقرب بارگاه الهی گشته در اطاعت او بیشتر بکوشد؛ چنان‌که در حدیث آمده است: «رُبَّ أَشْعَثَ مَدْفُوعٍ بِالأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللهِ لأَبَرَّه؛ بسا انسان‌های ژولیده‌مو و سروصورت غبارگرفته‌ای وجود دارد که از درها رانده می‌شوند [و در پیش مردم ظاهربین عزّ و قربی ندارند]، امّا اگر یکی از همان‌ها [برای تحقّق امر به ظاهر ناممکنی] به خدا سوگند یاد کند، خداوند سوگند او را نمی‌شکند [و سخن او را رد نمی‌کند].(مسلم: ۶۸۴۸)

۵. انسان به قبولیت دعا یقین داشته باشد و هنگام دعا دلش غافل نباشد. در حدیث آمده است: «ادْعُوا اللهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالإِجَابَةِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ لا يَسْتَجِيبُ دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لاهٍ؛ وقتی در بارگاه الله تعالی دعا می‌کنید به اجابت دعا یقین داشته باشید، و بدانید که خداوند دعای کسی را که با قلب غافل و مشغول دعا می‌کند، اجابت نمی‌کند.»(ترمذی:۳۴۷۹) بنابراین حضور قلب در دعا بسیار ضروری است؛ زیرا خواستن واقعی همان است که با قلب حاضر و بیدار باشد، نه با غفلت و دل‌مشغولی.

پاره‌ای از آداب دعا

اهتمام به آداب دعا، راه توفیق و اجابت را هموار می‌کند. رسول اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در موارد بسیاری به آداب دعا اشاره کرده‌اند. امام ابوحامد غزالی در احیاءعلوم‌الدین در پرتو احادیث نبوی برای دعا آدابی را برشمرده است که به ذکر آن می‌پردازیم:

یکم: آنکه مترصّد اوقات مبارک و زمان‌های استجابت دعا باشد، مانند روز عرفه، ماه مبارک رمضان، روز جمعه، ثلث اخیر شب، وقت سحر و شب جمعه. امام غزالی بر همین مقدار بسنده کرده است، امّا علامه ابن‌جزری در عدةالحصن‌الحصین اوقات بسیار دیگری را نیز ذکر کرده است.

دوّم: آنکه حالات مبارک را غنیمت داند، مانند حالت سجده، رویارویی با دشمن، نزول باران و برپا شدن نماز. و امام نووی حالت رقت قلب را نیز از همین موارد شمرده است.(نووی، الأذکار: ۴۳۲)

سوّم: رخ به طرف قبله بکند و دست‌ها را بلند کند و در آخر بر چهره بمالد و چشم‌ها را به‌سوی آسمان بلند نکند.

چهارم: با آهستگی دعا کند.

پنجم: در پی قافیه‌بندی و سجع و وزن کلمات دعا نباشد.

ششم: با تضرّع و خشوع و همراه با خوف و امید دعا کند.

هفتم: آنکه در طلب خویش جزم داشته باشد و بر اجابت دعا یقین کند و در دعا بر امید و اعتماد خویش بیفزاید.

هشتم: در دعا پافشاری و الحاح داشته باشد و سه بار آن را تکرار نماید و اجابت را بعید نداند.

نهم: دعا را با ذکر و یاد خدا آغاز نماید. امام نووی افزوده است: با ذکر الله و با درود بر نبی کریم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم آغاز نماید و به‌همین‌نحو دعا را به پایان برساند.

دهم: مهم‌ترین ادب و شرط اجابت، توبه و ردّ مظالم و اقبال به سوی خداوند است.(نووی، الأذکار: ۴۳۳. غزالی، احیاءعلوم‌الدین:۴/۱)

علامه ابن‌الجزری در عدة الحصن الحصین علاوه‌بر آنچه از امام غزالی ذکر شده است، می‌فرماید: مهم‌ترین و مؤکّدترین ادب در دعا، پرهیز از مال حرام در خوراک و پوشاک است. همچنین از آداب دعا اخلاص در دعا، تقدیم عملی صالح بر دعا، زانو زدن و گشاده داشتن دست‌ها، دعا با اسمای حسنای الله تعالی، ادعیهٔ ماثوره و اعتراف بر گناهان است، همچنین با عزم و رغبت و سعی و کوشش دعا کردن و حضور قلب داشتن.(ابن‌الجزری، عدة الحصن الحصین: ۶۹)

دیگر اینکه بر قطع صلهٔ رحم و امری که خداوند از فیصلهٔ آن فارغ گشته است دعا نکند، از دعای بد بپرهیزد، دایرهٔ دعا را تنگ و محدود نکند، بلکه تا حدّ امکان همگان را در دعا شریک گرداند. هیچ‌گاه نگوید: دعا کردم امّا دعای من اجابت نشد؛ زیرا دعای بنده مؤمن در هر صورت پذیرفته می‌شود، یا در همین دنیا به او می‌رسد، یا سبب دفع مصیبتی از او می‌شود و یا برای آخرتش ذخیره می‌گردد. و نکتهٔ مهم دیگر اینکه همواره به خداوند گمان نیک داشته باشد، زیرا خداوند مطابق گمان بنده با او رفتار می‌کند. ❖

اعتکاف؛ فضایل و مسائل*

عبدالحکیم شه‌بخش

مسجد مکی زاهدان

خیمه‌های معتکفین مسجد مکی زاهدان

خداوند حکیم برای پرورش جسم و روح انسان ابزارهای مختلف و متعددی به این مخلوق خاص خودش عطا فرموده است. عبادت‌های گوناگون برای پرورش روح و روان انسان هستند. هر عبادت خاصیت و ویژگی خاص خودش را دارد؛ «اعتکاف» یکی از این عبادات است که آثار مثبت آن بر قلب و قالب، درون و برون انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست.

هدف از اعتکاف پاک کردن دل از تعلّقات دنیوی و تفکرات مادّی و مشغول شدن به ذکر و عبادت پروردگار است. علامه ابن‌قیّم رحمه‌الله می‌گوید: هدف از اعتکاف و روح آن، دل را به ذات پروردگار وابسته کردن است؛ بدین‌صورت که از همه منقطع و با او مجتمع شود، از غیر او ببُرد و چنان به او مشغول شود که به‌جای همهٔ خیالات و تفکرات، ذکر پاک و محبّت او در دلش جای گیرد. امام شاه‌ولی‌الله رحمه‌الله در کتاب حجة‌الله البالغه می‌فرماید: «اعتکاف در مسجد سبب آسودگی خاطر، صفای قلب، فارغ شدن برای طاعت و بندگی، مشابه شدن با فرشتگان و دریافتن "شب قدر" است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم دههٔ آخر رمضان را برای اعتکاف انتخاب نمود و برای محسنین و مخلصین امت خویش سنت قرار داد.»

سیری در فضایل اعتکاف

فضایل اعتکاف در منابع حدیثی نقل شده‌اند. بیشتر احادیث نیز مربوط به اعتکاف در ماه مبارک رمضان هستند که از درجهٔ اعتبار بالایی برخوردارند. از حضرت عبدالله‌بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارهٔ اعتکاف‌کنندگان فرمودند: «هُوَ يَعْكِفُ الذُّنُوبَ، وَيُجْرَى لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا»؛ معتکف از گناهان، اعتکاف و دوری می‌کند و ثواب همهٔ اعمال حسنه‌ای که او به‌خاطر اعتکاف نمی‌تواند انجام دهد، به او می‌رسد. (ابن‌ماجه:۱۷۸۱)

پیامبر اسلام به اعتکاف رمضان ترغیب می‌دادند و

خودشان هر سال به اعتکاف اهتمام می‌کردند. حضرت ابوهریره روایت می‌کند: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ فِي كُلِّ رَمَضَانٍ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ يَوْمًا»؛ رسول‌اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم هر رمضان ده روز به اعتکاف می‌نشستند و در سالی که وفات یافتند، بیست روز اعتکاف نمودند. (بخاری:۲۰۴۴)

از حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است: «أنّ النبی کان یعتکف العشر الاواخر من رمضان، حتی توفاه الله تعالی ثمّ اعتکف أزواجهُ من بعده»؛ پیامبر صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم همیشه دههٔ آخر رمضان را به اعتکاف می‌نشستند تا اینکه خداوند او را نزد خود فراخواند و روحش را قبض کرد، پس از او همسرانش معتکف شدند. (متفق‌علیه)

اقسام اعتکاف

اعتکاف بر سه نوع واجب، سنت و مستحب تقسیم می‌شود.

اعتکاف واجب اعتکافی است که فرد نذر کند که به اعتکاف می‌نشیند، برابر است نذر او مشروط به برآورده شدن حاجتش باشد یا نه. اعتکاف مسنون که حکم آن، سنت مؤکده است، به اعتکاف دههٔ اخیر ماه رمضان گفته می‌شود. به‌خاطر احادیث فوق‌الذکر، فقها فرموده‌اند که اعتکاف دههٔ اخیر رمضان «سنّت مؤکّده علی‌الکفایه» است؛ یعنی اگر در یک محله کسی در مسجد به اعتکاف ننشیند، همهٔ اهل آن محله به‌خاطر ترک سنّت اعتکاف گناهکار می‌شوند و اگر یک نفر در مسجد اعتکاف کند، از طرف بقیه نیز ادا می‌شود.

سومین نوع اعتکاف، که اعتکاف نفلی و مستحب است به هر اعتکافی غیر از اعتکاف دههٔ آخر رمضان و اعتکاف واجب، گفته می‌شود. این نوع اعتکاف محدودیت زمانی ندارد؛ مثلاً فرد می‌تواند تا زمانی که در مسجد است نیت اعتکاف کند و نیت در دل کافی است. اعتکاف نفلی و مستحب در مسجدی که نماز جماعت در آن برگزار نمی‌شود، نیز درست است.

مروری بر احکام اعتکاف

اعتکاف یک رکن و هفت شرط دارد؛ رکن آن اقامت در مسجد به شیوه‌ای خاص است. علاوه‌برآن نیّت اعتکاف، مسلمان بودن، عاقل بودن، اقامت در مسجد جماعت، روزه گرفتن در اعتکاف واجب و سنّت، پاک بودن از جنابت و پاک بودن زن از حیض و نفاس شرایط صحت و درستی اعتکاف هستند. شرط «عاقل بودن» به «بالغ» بودن معتکف هم اشاره دارد؛ البته اعتکاف نابالغ که به رشد و هوشیاری رسیده باشد، درست است. با توجه به اینکه ورود به مسجد در حالت جنابت و ناپاکی جایز نیست، فقها پاکی از جنابت را برای جایز شدن اعتکاف شرط قرار داده‌اند. اگر کسی در حالت جنابت به اعتکاف بنشیند، اعتکافش درست می‌شود، اما به‌دلیل ورود به مسجد در حالت ناپاکی شدیداً گناهکار محسوب می‌شود. در حالت حیض و نفاس نه روزه صحیح است و نه اعتکاف. اگر زنی در حالت اعتکاف دچار عادت ماهانه یا نفاس شد، باید از اعتکاف بیرون بیاید.

در مجموع برای اعتکاف احکام، مستحبات و مکروهات متعددی در کتاب‌های فقهی ذکر شده است؛ اما مهم‌ترین آنها ـ با هدف آسانی ـ در فهرست ذیل می‌آید. خوانندگان عزیز برای جزئیات احکام به منابع مربوط مراجعه کنند.

۱. شخصی که ارادهٔ اعتکاف مسنون را دارد باید روز بیستم رمضان، قبل از غروب آفتاب، با نیت کسب خوشنودی الله متعال و ده روز اعتکاف وارد مسجد شود.

۲. هرگاه هلال ماه شوال رؤیت شد، اعتکاف به پایان می‌رسد.

۳. اعتکاف ده روز آخر ماه مبارک رمضان، سنت مؤکده است. اگر کسی کمتر از ده روز بنشیند، ثواب به او می‌رسد، اما ثواب اعتکاف مسنون به او نمی‌رسد.

٤. ازآنجایی‌که اعتکاف، عبادت محض است، اجرت گرفتن بر آن (مثلاً از اهل محله) جایز نیست.

۵. حتی‌الامکان در مسجد جامع اعتکاف کند. البته اگر کسی برای اعتکاف در مسجد محله نبود، همان مسجد مستحق‌تر به اعتکاف است. دراین‌صورت، معتکف هم ثواب اعتکاف را به‌دست می‌آورد و هم پاداش رهانیدن اهل محله از گناه و وبال ترک سنت نصیبش می‌شود.

٦. محل اعتکاف زنان، خانه است و باید گوشه‌ای از خانه را برای اعتکاف اختصاص بدهند. زن می‌تواند محل نمازش را تغییر دهد، اما محل اعتکافش را نمی‌تواند تغییر بدهد.

۷. اعتکاف زنان در مسجد مکروه تنزیهی است و برخی آن را ناجایز گفته‌اند.

۸. معتکف تلاش کند حتی‌الامکان بیشتر اوقات خود را در عبادت بگذراند. در کنار این اگر کتاب‌های معتبر دینی را مطالعه کند، نیز مفید خواهد بود.

۹. به اذکار و اوراد مسنون و نمازهای نافله مانند صلاة‌التسبیح، اوابین، تهجد، تحیة‌الوضو و تحیة‌المسجد

اهتمام بورزد. مخصوصاً بعد از فجر تا طلوع آفتاب و بعد از عصر تا مغرب به ذکر و تلاوت مشغول باشد.
۱۰. شب‌های قدر را به عبادت مشغول باشد.
۱۱. در اعتکاف، نصب چادر و خیمه در مسجد، هر دو از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ثابت است. اگر چادر هنگام برپایی جماعت، مزاحمت ایجاد می‌کند، آن را جمع کنند.
۱۲. از آزار رساندن به دیگران با گفتار و کردار و رفتار شدیداً باید پرهیز کرد.
۱۳. خوردن، آشامیدن و استراحت معتکف باید در محدودهٔ مسجد صورت بگیرد.
۱٤. در صورت نیاز مبرم، معتکف می‌تواند برای رفع نیازهای خود و خانواده چیزی بخرد یا بفروشد.
۱۵. نگه‌داشتن وسایل ضروری در حد رفع نیازها برای معتکف جایز است.
۱٦. اگر معتکف تاجر و بازرگان است، می‌تواند به کارمندان و زیردستان خود راهنمایی‌های لازم را بدهد و به اندازهٔ ضرورت جایز است که در مورد خرید یا فروش چیزی سخن بگوید.
۱۷. آوردن کالای تجاری به مسجد و راه انداختن دکان در آن جایز نیست.
۱۸. برای معتکف عوض کردن لباس، عطر زدن و استفاده از روغن مو و شانه زدن جایز است.
۱۹. در حین شست‌وشو و استفاده از وسایل شخصی نباید صحن یا دیوار مسجد کثیف شود.
۲۰. ساکت ماندن به‌منظور استراحت، یا از روی طبیعت و سرشت و یا به‌خاطر گریز از گفت‌وگوی غیرضروری جایز است. اما به‌طور کامل ساکت ماندن و آن را عبادت دانستن برای معتکف مکروه تحریمی است.
۲۱. حرف‌هایی که در آن گناه نباشد، مباح است. سخن دنیایی به‌اندازهٔ نیاز، مجاز است، اما نباید آن را مشغلهٔ خود قرار دهد.
۲۲. گرفتن ناخن، اصلاح سبیل و خط گرفتن برای معتکف جایز است، اما نباید چیزی از اینها در مسجد بیفتد. البته این نیازها برای افرادی پیش می‌آید که مدتی طولانی به اعتکاف می‌نشینند؛ در اعتکاف ده‌روزه به این موارد کمتر نیاز پیدا می‌شود.
۲۳. تعلیم قرآن و تدریس در مسجد برای معتکف جایز است.
۲٤. غیبت، سخن‌چینی، ریاکاری، حرف‌های غرورآفرین زدن و جنگ‌ودعوا درهرحال ممنوع و زشت است، اما در اعتکاف زشتی آن بیشتر می‌شود.
۲۵. بدون نیاز کسی را برای گپ زدن پیش خود فراخواندن و مجلس گرم کردن، مکروه است.
۲٦. از آوردن روزنامه و مجلات غیردینی به مسجد و بی‌جهت در فضای مجازی گشتن و چت کردن شدیداً اجتناب شود.
۲۷. سیگار و قلیان کشیدن در مسجد برای معتکف ممنوع است. در حین اعتکاف حتی‌الامکان از این موارد پرهیز شود. اما اگر نیاز چنان شدید بود که تحملش سخت بود، معتکف در راه توالت و بیرون از مسجد این نیاز را رفع کند. اما چیزی بخورد که بوی بد دهان از بین برود.
۲۸. طبق دیدگاه امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله خارج شدن از مسجد بدون نیاز شرعی و طبعی چه عمداً باشد چه سهواً حتی برای یک‌لحظه هم که شده اعتکاف مسنون را فاسد می‌کند.
۲۹. منظور از نیاز شرعی، نماز جمعه، وضوی فرض و غسل جنابت است و منظور از نیاز طبعی، نیاز به توالت است. هر عملی که بدون وضو صحیح نمی‌شود، معتکف می‌تواند برای انجام آن وضو بگیرد و از حدود مسجد خارج شود.
۳۰. معتکف برای ادای نماز جمعه طوری برود که تحیةالمسجد و سنت را آنجا بخواند و به خطبه و نماز فرض برسد. همچنین بعد از ادای فرض، فقط برای خواندن سنت می‌تواند توقف کند.
۳۱. اگر معتکف برای اقامهٔ نماز جمعه به مسجد جامع رفت و بیشتر از یک شبانه‌روز یا کمتر از آن در آن مسجد ماند، یا همان مسجد را برای ادامهٔ اعتکاف برگزید، این امر اعتکاف را فاسد نمی‌کند، اما مکروه است.
۳۲. اگر معتکف، به هر دلیلی، به جماعت نرسید، نمی‌تواند برای اقامهٔ نماز با جماعت به مسجدی دیگر برود.
۳۳. معتکفی که در روستاست و یا در منطقه‌ای که نماز جمعه شرعاً بر مردم آن منطقه واجب نیست، نمی‌تواند برای نماز جمعه مسجد را ترک کند.
۳٤. بیرون رفتن از مسجد برای تکفین و تدفین و خواندن نماز جنازه اعتکاف را می‌شکند. مگر اینکه کسی غیر از معتکف نباشد که این کارها را انجام دهد؛ البته در این صورت اعتکاف فاسد می‌شود و بعداً باید قضایی بیاورد.
۳۵. اگر معتکف برای رفع نیازهای شرعی، یا طبعی از مسجد بیرون رفت، در حین بازگشت جایز است که بدون توقف و تغییر مسیر از بیماری

عیادت کند و یا در نماز جنازه‌ای که آماده است شرکت کند، اما به‌طور مستقل نمی‌تواند برای انجام این کارها از مسجد خارج شود.
۳۶. با توجه به اینکه روزه بودن برای اعتکاف شرط است، اعتکاف در روز عید معصیت است.
۳۷. نزدیک‌ترین وضوخانه و دستشویی به مسجد را برای قضای حاجت انتخاب کند. در مسیر رفتن به توالت یا مسجد جامع نباید جایی توقف کند. فقط به نیازش بپردازد و زود برگردد. اگر نیاز شد که با کسی صحبت کند، در حال راه رفتن صحبت کند.
۳۸. انزال منی در صورت چشم‌چرانی و یا خیالات و تصورات نادرست، اعتکاف را فاسد نمی‌کند، اما این کارها حرام هستند و باید از آنها پرهیز کرد.
۳۹. احتلام اعتکاف را فاسد نمی‌کند. بیرون رفتن برای غسل غیرواجب مثل غسل جمعه جایز نیست، اما شخص می‌تواند روز جمعه وقتی برای عذری موجه بیرون می‌رود، در حین بازگشت غسل مسنون هم بکند.
۴۰. با بیرون کردن سر یا دست از مسجد، اعتکاف فاسد نمی‌شود.
۴۱. معتکف اجازه ندارد برای کارهایی مانند تمیز کردن بینی، انداختن آب دهان، شستن دست قبل و بعد از صرف غذا، خرید اشیای غیرضروری مانند اعتبار تلفن همراه و... از مسجد بیرون برود. وضوخانه بیرون از مسجد محسوب می‌شود، آنجا بدون نیاز نرود. دست‌ها را در ظرفی داخل مسجد بشوید و همچنین برای آب دهان از دستمال‌کاغذی و غیره استفاده کند.
۴۲. اگر محل اذان گفتن مناره، حجره یا اتاقکی خارج از مسجد است، اما درب ورودی آن داخل مسجد قرار دارد، معتکف مؤذن و غیر مؤذن برای اذان گفتن و دیگر امور می‌توانند به آنجا بروند.
۴۳. اگر محل مخصوص اذان گفتن بیرون از مسجد است، معتکف مؤذن و غیر مؤذن فقط برای اذان دادن می‌توانند به آنجا بروند، سپس فوراً برگردند.
۴۴. بام مسجد در حکم مسجد است و رفتن به آنجا وقتی جایز است که راه پله‌های آن داخل مسجد باشند.
۴۵. کل محوطهٔ مسجد در عرف، مسجد نامیده می‌شود، اما برای معتکف مسجد به همان مکانی گفته می‌شود که برای نمازخواندن و سجده تعیین شده است. به تعبیری دیگر، همان‌جایی که نمی‌توان وضو گرفت، در حالت جنابت قدم گذاشت و یا با کفش وارد شد. بنابراین، معتکف نمی‌تواند در مکان‌های وابسته به مسجد مثل وضوخانه، حمام، اتاق امام و مؤذن، کلاس درس که بیرون از مسجد است و راهرویی که به هدفی غیر از اقامهٔ نماز ساخته شده، برود. زیرزمینی که برای نمازخواندن ساخته شده، جزء مسجد محسوب می‌شود.
۴۶. اگر مسجدی چند طبقه دارد، رفت‌وآمد برای معتکفین در صورتی جایز است که راه پله‌های آن داخل مسجد باشند.
۴۷. در حین رفتن و برگشتن برای رفع انواع نیازهای مشروع، لازم نیست معتکف با شتاب و سرعت راه برود. آهسته راه رفتن بهتر است تا بتواند بدون توقف به سؤالات احتمالی رهگذران پاسخ بدهد.
۴۸. معتکف برای تناول غذا یا آوردن آن نمی‌تواند از مسجد خارج شود. کسی از خانه غذا بیاورد و یا با رستورانی هماهنگی کند که سر وقت برایش غذا بیاورند.
۴۹. اگر کسی نبود که برای معتکف غذا بیاورد، خودش می‌تواند برای آوردن غذا از بیرون مسجد اقدام کند، اما بدون نیاز توقف نکند. قبل از غروب آفتاب هم نرود، چون حاجت بعدازآن پیش می‌آید. این نیاز در ذیل «حاجت ضروری» می‌آید.
۵۰. اگر مسجد با خطر انهدام مواجه بود، یا حاکم ظالم بخواهد معتکف را بازداشت کند، یا نیاز به گواهی معتکف باشد و در غیراین‌صورت حق مدعی ضایع می‌شود، یا کودکی در حال غرق شدن باشد یا خطر افتادن او در آب یا آتش باشد، یا جان و مال و عزت کسی از اعضای خانواده‌اش با خطری جدی مواجه باشد و نیاز به حضور معتکف در خارج از مسجد باشد، یا کسی از عزیزانش شدیداً بیمار باشد و نیاز به تیمارداری او پیش بیاید، یا جنازه‌ای هست و کسی برای امامت پیدا نمی‌شود، یا حکم جهاد عمومی و فرض عین صادر شده و یا به هر دلیلی کسی او را به‌زور از مسجد بیرون بیاورد، همهٔ این موارد جزو نیازهای ضروری هستند. در بیشتر این موارد شکستن اعتکاف واجب می‌شود و گناهی هم متوجه معتکف نخواهد شد.
۵۱. اگر فردی که برای معتکف غذا می‌آورد، مزد زیاد بخواهد و یا بی‌جهت منّت بگذارد، خود معتکف می‌تواند بیرون برود. اگر شدیداً تشنه بود و در مسجد نه آب بود و نه کسی که آب بیاورد، معتکف می‌تواند

شخصاً برای نوشیدن آب بیرون برود.

۵۲. شکستن عمدی روزه، اعتکاف را فاسد می‌کند. به فراموشی خوردن چیزی نه روزه را می‌شکند و نه اعتکاف را.

۵۳. اگر معتکف مریض شد، از پزشک بخواهد در مسجد او را معاینه کند. اگر نیاز به دارو شد، از کسی دیگر بخواهد دارو را برای او تهیه کند، اگر کسی نبود خودش می‌تواند برود.

۵٤. در صورت شکسته شدن اعتکاف مسنون، فقط قضای همان روزی لازم است که اعتکاف فاسد شده است. اگر هنوز رمضان تمام نشده، می‌تواند در همان مدت، یک روز به نیت قضا به اعتکاف بنشیند. یا بعد از رمضان روزی را انتخاب کند و به اعتکاف بنشیند.

۵۵. اگر فرد در حین اعتکاف مسنون، بنابر عذری نیت کرد که فردا به اعتکاف نمی‌نشینم و بعد از غروب بیرون رفت، قضایی بر او لازم نمی‌آید. البته اعتکاف «مسنون» او به اعتکاف نفلی تبدیل می‌شود.

۵٦. بیهوشی، جن‌زدگی و دیوانگی که بیش از یک شبانه‌روز طول بکشد، اعتکاف را فاسد می‌کند. اگر کمتر باشد، اعتکاف نمی‌شکند.

۵۷. اعتکاف نفلی در هر مسجدی جایز است و با شکستن آن، قضا لازم نمی‌آید بلکه به پایان می‌رسد. ❖

*بیشتر مطالب این مقاله از کتاب «مسائل اعتکاف»، تألیف مفتی عبدالرئوف سَکروی و ترجمهٔ مولوی محمدعمر عیدی نقل شده‌اند.

احکام و مسائل زکات

دارالإفتاء دارالعلوم زاهدان

• زکات ماشین‌های سواری، منازل و مغازه‌های مسکونی و کرایه‌ای

در منازل مسکونی و ماشین‌های سواری و نیز منازل و مغازه‌هایی که کرایه داده می‌شود، زکات لازم نیست؛ البته در درآمد منازل و مغازه‌هایی که کرایه داده می‌شوند، درصورتی‌که تنها یا با بقیه سرمایه به‌اندازهٔ نصاب شرعی برسند و یک سال بر آنها بگذرد، زکات واجب است. البته اگر اموال مذکور را به نیت تجارت و خریدوفروش خریده است، در این صورت در آنها زکات واجب است.

• نیت زکات

برای صحت زکات لازم نیست که به فرد مستحق بگوید که مال مذکور زکات است، بلکه نیت زکات هنگام دادن به شخص مستحق کافی است. (البته اگر کسی به مدارس دینی زکات می‌دهد، بگوید که مال مذکور زکات است تا مسئولین مدارس آن را در مصرف زکات خرج نمایند.)

• زکات بدهی‌ها و طلب‌ها

بدهی‌ها از سرمایه کسر می‌شود و جزو سرمایه نبوده و در آنها زکات واجب نیست و طلبکاری‌ها جزو سرمایه محسوب می‌شوند؛ ولی فرد زکات دهنده اختیار دارد که زکات آنها را حالا ادا نماید و بهتر هم همین است یا زمانی که وام‌ها را وصول نمود؛ زکات تمام سال‌های گذشته را یکجا بپردازد. البته طلبکاری‌هایی که امیدی برای دریافت آنها نیست، جزو سرمایه قرار نمی‌گیرند و زکات بر آنها واجب نیست.

• زکات مهریه

بر مهریهٔ زن که بر گردن شوهر است و شوهر آن را پرداخت نکرده، زکات واجب نیست.

پرداخت زکات طلاهای زن بر عهدهٔ خود اوست، مگر اینکه شوهر از طرف او زکات آنها را بپردازد.

• زکات مبلغ سپردهٔ حج و عمره

طبق نظر مجمع فقه اسلامی علمای اهل سنت در پانزدهمین نشست آن که در دارالعلوم زاهدان برگزار شد، مبلغ سپردهٔ حج و عمره زکات دارد و باید پرداخت گردد.

• زکات اموال بچه‌های نابالغ

بر اموال بچه‌های نابالغ براساس مذهب احناف زکات لازم نیست.

• زکات دادن به امام مسجد

درصورتی‌که امام مسجدی مستحق گرفتن زکات باشد، دادن زکات به وی جایز است؛ البته پرداخت زکات به‌عنوان حقوق امام یا مؤذن جایز نیست.

• مسائل متفرقه

پرداخت زکات به خویشاوندان مستحق که دادن زکات به آنها جایز است، به دلیل صلهٔ رحمی افضل و بهتر است.

انتقال زکات از شهری به شهر دیگر ناپسند است، مگر اینکه در انتقال آنها مصلحت و نفعی برای فقرا باشد.

در پرداخت زکات ارزش و قیمت روز پرداخت زکات اعتبار دارد. به‌عنوان‌مثال زمینی که ده سال پیش برای تجارت یک‌میلیون خریده است اما روز پرداخت زکات قیمت آن ده میلیون گشته باید زکات ده میلیون را بپردازد.

کالاهایی که تاجر خریده و در ملکیت او درآمده‌اند، اما تاحال آنها را قبض نکرده، زکات قیمت متداول آنها که در بازار است، بر او واجب می‌گردد و اگر کالاهای مذکور در ملکیت وی درنیامده بود، ولی پول آنها را پرداخت کرده، دراین‌صورت زکات پول‌های پرداختی لازم است، نه قیمت کالاها. ❖

رمضان و مدیریت فضای مجازی

شاکر رئیسی

روزها و شب‌های ماه مبارک رمضان از ارزش و جایگاه بسیار بالایی برخوردار هستند. رمضان فرصتی برای پالایش روح و روان است. مؤمن در این ماه ایمانش را تقویت می‌کند و از آن برای طول سال استفاده می‌نماید. رمضان را در چه وضعیتی گذرانیم، کل سال‌مان به همان وضعیت می‌گذرد.

امروزه استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی عمومیت پیدا کرده است؛ از بچه‌های خردسال گرفته تا افراد مسن همه به‌نحوی با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سروکار دارند. گرچه می‌توان از امکانات فضای مجازی درست استفاده کرد، اما استفادهٔ نادرست و افراط‌گونه از فضای مجازی آثار زیان‌بار اجتماعی، دینی و فرهنگی متعددی برجای می‌گذارد.

ازطرفی دیگر «عمر» و «زمان» بزرگ‌ترین سرمایهٔ انسان هستند. سرمایه‌هایی که به‌هیچ قیمتی قابل بازیافت نیستند. شبکه‌های اجتماعی با توجه به جذابیت و تنوعی که دارند، بزرگ‌ترین تهدید و عامل تضییع «وقت» به‌شمار می‌روند. اگر ما وقت و زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی را مدیریت نکنیم و هر وقت که دل‌مان خواست در آن‌ها پرسه بزنیم، بدون تردید روزانه چندین ساعت از عمرمان را بیهوده از دست می‌دهیم.

رمضان همان‌طورکه فرصتی برای پالایش روح و علاج بیماری‌های روحی است، فرصتی برای ترک عادت‌ها، رفتارها و فعالیت‌های بد است. رمضان فرصتی است که اگر بخواهیم می‌توانیم بسیاری از بی‌نظمی‌ها و بی‌برنامگی‌های زندگی‌مان را سامان دهیم.

استفادهٔ افراط‌گونه از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی یکی از عادت‌های بدی است که امروزه بسیاری از مردم در دام آن گرفتار شده‌اند و با این کار بهترین لحظات عمرشان را از دست می‌دهند. مسلم است که چنین افرادی از نعمت عمر و جوانی بهرهٔ خوبی نمی‌برند.

مخصوصاً ثانیه‌ها و لحظات ماه مبارک رمضان بسیار با ارزش‌تر از آنند که ما آنها را با سرک کشیدن‌های بی‌جا در تلگرام، واتس‌آپ و همنوعان‌شان از دست بدهیم. بنابراین در ادامه راهکارهایی برای فاصله‌گرفتن از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌شود که نه‌تنها در ماه مبارک رمضان، بلکه در طول سال می‌توانند راه‌گشا واقع شوند.

۱. همّت و ارادهٔ محکم؛ ترک عادت‌ها کار بسیار سخت و طاقت‌فرسایی است، برای ترک هر عادت و رفتاری عزم و ارادهٔ قاطع مهم است. اگر ما در طول سال ساعت‌ها را پای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سپری کرده‌ایم، ترک این عادت چندان ساده نیست، بلکه نیاز به همت و عزم قوی دارد. باید با عزم و ارادهٔ قوی و استعانت از پروردگار تمام‌قد در مقابل وسوسه‌ها بایستیم و با آنها مبارزه کنیم.

۲. اندیشیدن و پی بردن به ارزش عمر؛ عمر بزرگ‌ترین سرمایهٔ محدودی است که خداوند آن را در اختیار ما قرار داده است. به یاد داشته باشیم که عمر ما از همین ثانیه‌ها و دقیقه‌ها تشکیل شده است، اگر آنها را از دست دادیم، ساعت‌ها و روزها را هم از دست می‌دهیم، لذا برای استفادهٔ بهینه از زمان خصوصاً در روزها و شب‌های رمضان تلاش کنیم. برای هر ثانیه عمرمان جهت استفاده در کارها و برنامه‌های مفید برنامه‌ریزی داشته باشیم.

۳. ترک کامل فضای مجازی یا حضور حداقلی؛ اگر ما بتوانیم جزو آن افراد موفقی باشیم که در این ماه مبارک از فضای مجازی به‌طورکلی فاصله می‌گیرند؛ زهی سعادت. دراین‌صورت قطعاً می‌توانیم از برکات رمضان بهره‌های بیشتری ببریم. بسیاری از بزرگان در رمضان حتی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود دست می‌کشیدند و تمام اوقات‌شان را به عبادت و تلاوت قرآن اختصاص می‌دادند. اگر به هر دلیلی نمی‌توانیم به‌طورکلی از فضای مجازی قطع ارتباط بکنیم، باید تلاش کنیم حضورمان را در فضای مجازی به حداقل برسانیم.

٤. محدود کردن پیام‌رسان‌ها؛ پیش از آغاز ماه مبارک رمضان برنامه‌ها و پیام‌رسان‌هایی را که روی تلفن همراه ما نصب شده‌اند، بررسی کنیم؛ آیا واقعاً به همه آن‌ها نیاز داریم؟ از تلگرام، واتس‌آپ، اینستاگرام و غیره هرکدام را که احساس می‌کنیم نیاز چندانی به آن نداریم، حذف کنیم.

۵. استفاده از برنامه‌های سالم‌تر؛ به‌عنوان یک مسلمان متعهّد خصوصاً در این ماه مبارک هر برنامه و اپلیکیشنی که بستر گناه و نافرمانی پروردگار را برای ما فراهم می‌کند، از دستگاه‌مان حذف کنیم و به‌جای آن از برنامه‌هایی که از فضای سالم‌تری برخوردارند استفاده کنیم؛ مثلا از تلگرام و اینستاگرام، تلگرام را ترجیح دهیم، زیرا اینستاگرام با توجه به امکان اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدئو و دم دست بودن صفحهٔ جست‌وجوی عمومی آن، زمینهٔ گناه و نافرمانی پروردگار در آن بیشتر فراهم است؛ باز از میان واتس‌آپ و تلگرام، بهتر است واتس‌آپ را ترجیح دهیم، زیرا عضویت در کانال‌های تلگرامی با یک نام کاربری مجازی نیز صورت می‌گیرد، اما برای عضویت در گروه‌های واتس‌آپی لازم است که با شماره تلفن مشخصی عضو شویم و این می‌تواند از عضویت در گروه‌های غیراخلاقی بازدارنده باشد.

٦. حذف برنامه‌های سرگرمی و بازی‌ها؛ اگر پیش از این، برنامه‌های بازی و سرگرمی را روی تلفن همراه‌مان نصب کرده‌ایم، برای استفادهٔ بهینه از فرصت ماه مبارک رمضان بهتر است آنها را حذف کنیم، زیرا فعال بودن آنها روی دستگاه همراه می‌تواند انگیزه‌ای برای بازی و مشغول‌شدن با برنامه‌های سرگرمی بشود، لذا بهتر است تمام اپلیکیشن‌های بازی و سرگرمی را از دستگاه‌مان حذف کنیم.

۷. محدود کردن گروه‌ها و کانال‌ها؛ کانال‌های تلگرامی و گروه‌های واتس‌آپی و تلگرامی را به حداقل برسانیم. از تمام گروه‌ها و کانال‌های سرگرمی، جوک و طنز خارج شویم، همچنین کانال‌های خبری را نیز به حداقل برسانیم. از گروه‌هایی که هر از گاهی بحث‌ها و جنجال‌های بی‌موردی در آنها صورت می‌گیرد، با عرض پوزش از حاضران خارج شویم. اگر احساس می‌کنیم گروهی واقعاً بعدها می‌تواند برای ما مفید باشد، می‌توانیم شمارهٔ مدیرش را یادداشت کنیم و مدت سی روز رمضان از وی مرخصی بگیریم و بعد از رمضان اگر خواستیم مجدداً به آن گروه ملحق شویم. همچنین لینک کانال‌های مفیدی را که می‌توانیم در رمضان ترک‌شان کنیم، ذخیره کنیم و فعلا از آنها خارج شویم.

۸. پاک‌سازی حافظهٔ دستگاه همراه؛ سری به گالری گوشی‌مان بزنیم، تصاویر و کلیپ‌ها را بررسی کنیم، هر فایلی که به آن نیاز نداریم و یا ممکن است باعث تلف‌شدن وقت ما بشود، آن را حذف کنیم.

۹. زمان‌بندی و پایبندی بر آن؛ اگر در مدت ماه مبارک رمضان ناچار به استفاده از اینترنت و فضای مجازی هستیم، زمان آن را مشخص کنیم و فقط در همان وقت مشخص از آن استفاده کنیم. از سَرَک کشیدن‌های ناوقت به شبکه‌های اجتماعی پرهیز کنیم، لازم نیست که ما همیشه در دسترس همگان باشیم و در هرلحظه پاسخگوی درخواست‌ها و سؤالات دیگران باشیم، کسی که سؤال مهمی داشته باشد، تماس می‌گیرد، لذا نگران نباشیم!

۱۰. استفاده از اوقات مرده؛ اوقات مرده‌ای مانند وقت نوشیدن چای یا زمانی که در یک صف منتظر هستیم و نمی‌توانیم در آن‌ها کار مفید دیگری را انجام دهیم، به استفاده از فضای مجازی اختصاص دهیم، به‌هیچ‌وجه در اوقات مبارک و گران‌قیمتی همچون وقت سحر یا افطار که وقت اجابت دعاست، وارد فضای مجازی نشویم.

۱۱. خرید بسته‌های کم‌حجم و محدود؛ یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند ما را از دام فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برهاند، استفاده از بسته‌های اینترنتی کم‌حجم و محدود است؛ به‌جای تهیه بسته‌های شبانه‌روزی به خرید بسته‌های فقط شبانه یا روزانه اقدام کنیم. همچنین به‌جای خرید بسته‌هایی با حجم بالا، بسته‌های کم‌حجم‌تری را انتخاب کنیم. این اقدامات می‌توانند گام‌های بازدارنده‌ای برای استفاده از فضای مجازی باشند و حضور ما را در شبکه‌های اجتماعی کم‌رنگ‌تر بکنند.

۱۲. پرهیز از خواندن و انتشار جوک‌های رمضانی؛ همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان متأسفانه بازار جوک‌ها و طنزهای رمضانی هم داغ می‌شود، بسیاری ازاین قبیل جوک‌ها اهانت آشکار به این ماه مبارک و روزه که از شعائر دینی‌ست، هستند، لذا از خواندن و انتشار آنها به‌شدت پرهیز کنیم، مبادا به‌سبب چنین اقداماتی از برکات این ماه محروم شویم.

۱۳. استفاده از برنامه‌های مفید؛ نسخه‌ای از قرآن مجید و اذکار و اوراد را در دستگاه‌مان نصب کنیم تا بتوانیم هر چه بیشتر به تلاوت قرآن روی بیاوریم و هر چه بیشتر به اذکار و اوراد پایبند باشیم.

١٤. کنترل حضور فرزندان در فضای مجازی؛ در این ماه بکوشیم که برای تربیت فرزندان‌مان نیز برنامه داشته باشیم، همان‌گونه‌که برای استفادهٔ بهینه از رمضان فیلترهایی برای شبکه‌های اجتماعی و سرگرمی‌های مجازی برای خودمان تعریف کرده‌ایم، بکوشیم که فرزندان ما نیز بر آنها پایبند باشند و از بازی‌ها و برنامه‌های سرگرمی پرهیز کنند. همراه با حفظ حریم خصوصی آنها رفتار و فعالیت‌های‌شان را کنترل کنیم، عمل و توجیه خیرخواهانه ما بهترین تأثیر را بر آنان دارد. ❖

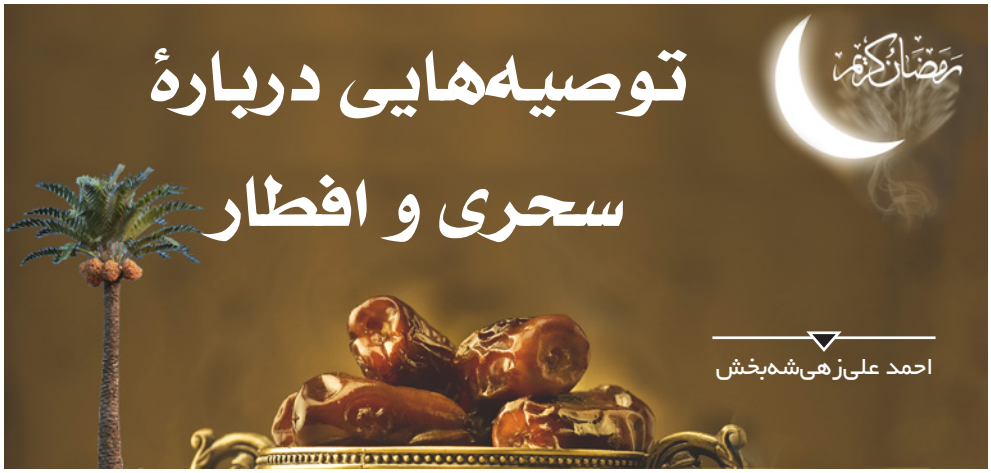

توصیه‌هایی دربارهٔ سحری و افطار

احمد علی‌زهی‌شه‌بخش

حلول ماه مبارک رمضان، باز شدن درهای رحمت الهی را به روی بندگان، مژده می‌دهد. ماهی سراسر مغفرت که هر لحظه‌اش به انسان‌ها سروری تازه می‌بخشد و شادمانی حضور در این ضیافت الهی را در چهره و رفتار همگان می‌توان سراغ گرفت. این ماه علاوه‌بر اینکه باعث تحولات روحانی در انسان می‌شود، از لحاظ جسمانی نیز تأثیرات خاصی دارد و باعث سم‌زدایی بدن روزه‌دار می‌گردد، اما با توجه به اینکه در دوران روزه‌داری دریافت متعادل غذا و مایعات بسیار مهم است، روزه را با توصیه‌های نبوی در رابطه با افطاری و سحری پی می‌گیریم.

فواید زود افطاری

«لا یزال الناس بخیر ما عجلوا الفطر»(متفق‌علیه)

آن‌حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلّم می‌فرماید: «مردم به خیر وخوبی‌اند، مادامی‌که در افطار شتاب نمایند.»

کسانی که با سنت مخالفت می‌کنند و افطار را به تأخیر می‌اندازند، هم از اجر و ثواب تعجیل افطار محروم می‌شوند و هم خویشتن را از خوردن و آشامیدن محروم می‌کنند، زیرا از یک‌سو با تأخیر افطار رنج بیشتری می‌کشند و از دیگرسو چون این عمل بر خلاف سنت است، از اجر و ثواب عمل به سنت نیز محروم می‌شوند.(عثیمین، ۱۳۹۲: ۲۵۶)

افطار با خرما

حضرت انس روایت می‌کند: «إن النبی صلی الله علیه وسلم کان یفطر قبل أن یصلی علی رطیبات، فإن لم تکن رطیبات فتمرات، فإن لم تکن تمرات حسا حسوات من الماء»

«رسول الله صلی الله علیه وسلم با چند دانه رطب (خرمای تازه) افطار می‌نمود. اگر خرمای تازه در دسترس نبود، با چند دانه تمر (خرمای خشک) افطار می‌کرد، و اگر چند دانه تمر یافت نمی‌شد، چند جرعه آب می‌نوشید.»

بهتر است انسان روزه‌اش را با خرمای تازه باز کند و اگر خرمای تازه نبود، با چند خرمای خشک افطار کند و در خوردن افطاری زیاده‌روی نکند؛ زیرا معده خالی است و اگر به یک‌باره پر شود، زیان‌آور است. ازاین‌رو شایسته نیست که انسان همزمان با افطار یا بازکردن روزه‌اش شام بخورد، بلکه یافته‌های پزشکی نشان می‌دهد که بهتر است معدهٔ خالی را اندک اندک پر کند؛ مانند رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم که ابتدا چند خرمای تازه می‌خورد و اگر خرمای تازه نمی‌یافت، با چند خرمای خشک افطار می‌کرد و چنان‌چه خرمای خشک هم نبود چند جرعه آب می‌نوشید، لذا پسندیده است که به ترتیب مذکور افطار کنید. این روش و عادت رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم بوده است. چنانکه در مورد آب فرموده است: «پاک کننده است»؛ یعنی معده و کبد را پاک می‌گرداند و مفید است، البته خرما را از آن جهت مقدم قرار داد که خرما غذای مناسب و مفیدی‌ست و قند موجود در آن خیلی زود جذب بدن می‌شود و به انسان توان و نیرو می‌بخشد و این از حکمت الله متعال است.(عثیمین، ۱۳۹۲: ۲۵۷)

روزه‌دار هنگام افطار نیاز شدیدی به ماده‌ای قندی دارد که سریع هضم شود و گرسنگی را برطرف کند کما اینکه به رفع تشنگی هم نیاز دارد، لذا افطار با خرما و آب این دو نیاز را برطرف می‌سازند؛ چراکه معده و روده‌های خالی می‌توانند مواد قندی را به‌سرعت

جذب کنند که در نتیجه انسان احساس سیری می‌کند و زیاد غذا نمی‌خورد.

مصرف مایعات، شیر گرم، چای و خرما برای افزایش فشار خون بدن ضروری است؛ پس این مواد برای شروع عملکرد دستگاه گوارش مناسب هستند. نان، پنیر و سبزی نیز بهتر است در شروع افطار مصرف شود. (روزنامه آرمان)

اما خوردن مقدار زیادی از غذا در یک‌دفعه و به‌سرعت باعث نفخ معده و اختلال در کار روده‌ها و صعوبت در هضم می‌شود، و پرخوری همان‌طورکه برای سلامتی بدن مضر است، مخالف سنت و سیرهٔ نبوی نیز می‌باشد، از این‌رو آن‌حضرت با خرما یا آب افطار می‌کرد و سپس بعد از ادای نماز مغرب افطارش را کامل می‌کرد، در این عمل آن‌حضرت حکمت بزرگی نهفته است، چراکه در طول اقامهٔ نماز معده مواد قندی و آب را جذب می‌کند و احساس ضعف و سستی برطرف می‌شود.(arabiaweather)

توصیه‌های غذایی پس از افطار

پس از افطار غذای‌تان را با فاصله و با مقدار کمتر بخورید که با این کار احتمال تبدیل شدن قند غذا به کربوهیدرات ذخیره‌ای را افزایش داده، در نهایت از بروز ضعف و ناتوانی در روزهای آینده جلوگیری می‌کنید.

بهتر است ۲۵ دقیقه تا نیم ساعت پس از افطار شام‌تان را میل کنید. همچنین برای تأمین آب مورد نیاز بدن هر ٤٥ دقیقه تا یک ساعت یک لیوان آب میل نمایید. به فاصله هر یک‌ونیم تا دو ساعت یک واحد میوه مصرف کنید.(روزنامه جمهوری اسلامی)

تأخیر در وعدهٔ سحری

– قال رسول صلی الله علیه وسلم: «ما تزال أمتی بخیر ما عجلوا الإفطار وأخروا السحور.»

امت من به خیر است، مادامی‌که در افطار شتاب نمایند و سحری را به تأخیر اندازند.

وعدهٔ سحری اساس برنامهٔ غذایی رمضان را تشکیل می‌دهد؛ چراکه جسم از موادغذایی‌ای که در این وعده مصرف می‌شوند، در طول روز استفاده می‌کند.

لذا بایستی روزه‌دار در این وعده به مقدار کافی آب بنوشد، همچنین نان گندم سبوس‌دار بخورد که دیر هضم می‌شود و فرد احساس سیری می‌کند. همچنین حداقل یک نوعی از مواد پروتئینی مثل تخم‌مرغ، پنیر یا نخود را به سفرهٔ غذایی خود بیفزاید و از سبزیجات، میوه‌ها، یک لیوان شیر، ماست و عسل در برنامهٔ سحری خود استفاده کند.(arabiaweather)

خوردن سحری مانع ضعف و سستی جسمانی و سردرد در طول روز می‌شود و همچنین احساس تشنگی را کاهش می‌دهد، فردی که سحری نمی‌خورد، به بدن خود فشار زیادی وارد می‌کند که در نهایت علاوه‌بر سوءتغذیه احتمال واکنش بدن برای مقابله با گرسنگی بسیار طولانی را به همراه دارد و این خود منجر به کاهش انرژی مورد نیاز می‌شود که این امر به‌هیچ عنوان برای سلامتی مناسب نیست.(روزنامه آرمان)

یک سحری خوب

یک ساعت مانده به سحری از خواب برخیزید. با یک لیوان آب معده‌تان را نیز از حالت خواب درآورید.

۲ تا ٤ واحد غلات برای سحری کفایت می‌کند. هر واحد غلات معادل سه قاشق برنج یا یک کف دست نان سبوس‌دار (بهتر است سنگک باشد) است که البته غلات سبوس‌دار و تصفیه نشده بهتر است. در پخت خورش دقت شود. در صورت امکان از حبوبات استفاده شود و اگر کسی خواست گوشت استفاده کند، حتی‌الامکان چربی‌های اضافی آن را بگیرد.

یک کاسه سالاد که یک عدد میوه در آن تکه‌تکه شده باشد، تضمین کنندهٔ آب و سوخت‌رسانی مناسب در ساعات آینده خواهد بود.

پس از مصرف موارد بالا ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به خود و معده‌تان فرصت دهید. حالا می‌توانید یک واحد میوه استفاده کنید. اگر به سالادتان میوه اضافه نکرده‌اید می‌توانید این مقدار را به دو واحد افزایش دهید. توصیه می‌شود وعده‌های خود را با سوپ آغاز کنید، از آنجا که ماه رمضان در بیشتر نقاط همراه است با گرمی هوا، توصیه می‌شود سوپی با مواد مغذی تازه میل کنید تا بدن‌تان بعد از ساعت‌ها روزه‌داری اولین چیزی که دریافت می‌کند، مغذی‌های ضروری باشد.(روزنامه جمهوری اسلامی) ❖

منابع:
۱. عثیمین، محمدبن صالح؛ شرح ریاض الصالحین؛ ترجمهٔ محمدابراهیم کیانی‌درمیان؛ تهران، نشر حدیث، ۱۳۹۲.
۲. روزنامه جمهوری اسلامی شماره: ۱۰۶۲۸
۳. روزنامهٔ آرمان شماره: ۳۰۵۶
۴. سایت arabiaweather ۲ ژوئیه ۲۰۱۴

برنامهٔ روزانهٔ ماه مبارک رمضان

عبدالغنی زهری

به‌راستی کسی که خدای عزوجل به وی دانش دین عنایت نموده، درک خواهد کرد که ماه مبارک رمضان از آغازین لحظاتش فرصتی طلایی‌ست و جولانگاهی‌ست گسترده برای کسب بزرگ‌ترین و بهترین پاداش‌ها و نیکی‌ها و تقرب جستن به خدای سبحان با بهترین طاعات و عبادات، پس بشتابیم!

خدای عزوجل فرموده است: ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾(آل‌عمران:۱۳۳)؛ «و به‌سوی آمرزشی از [جانب] پروردگارتان و بهشتی که پهنایی‌اش [همچون] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران فراهم دیده شده است، بشتابید.»

برای اینکه بتوانیم از فرصت ماه مبارک رمضان به‌خوبی استفاده کنیم، لازمه‌اش این است که برنامه‌ای برای گذراندن درست اوقات‌مان داشته باشیم. البته هرکس باید مطابق وضعیت خود برنامه‌ریزی کند، در زیر، برنامه‌ای که برای عموم قابل عمل است، به‌طور پیشنهادی تقدیم می‌گردد:

۱. قبل از طلوع فجر

ـ مشغول شدن به نماز تهجد و پرداختن به ذکر و دعا و آمرزش خواستن؛ خدای عزوجل فرموده است:

﴿أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ﴾(زمر:۹)؛ «آیا [چنین کسی، بهتر است] یا کسی که او در لحظه‌لحظه شب سجده‌کنان و ایستاده به عبادت می‌پردازد. درحالی‌که از آخرت می‌ترسد و به بخشایش پروردگارش امید می‌دارد؟»

ـ سحری خوردن؛

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: سحری بخورید که در سحری خوردن خیروبرکت است. (متفق‌علیه)

ـ استغفار کردن تا اذان صبح؛ خدای عزوجل فرموده است: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾(ذاریات:۱۸)؛ «و آنان به هنگام سحر آمرزش می‌خواستند.»

ـ سپس خواندن دو رکعت نماز سنت صبح؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: دو رکعت (سنّت) صبح از دنیا و آنچه در آن است بهتر است.(مسلم)

۲. بعد از طلوع فجر

ـ زود رفتن به مسجد برای مشارکت در نماز جماعت صبح؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: «اگر می‌دانستند که در جماعت نماز صبح و نماز عشا چه پاداشی است، با سینه‌خیز که هم شده در آن حضور می‌یافتند.»(متفق‌علیه)

ـ مشغول شدن به ذکر و دعا تا برپایی نماز جماعت صبح؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: دعا در بین اذان و اقامت بی‌پاسخ نمی‌ماند.(مسند احمد، ترمذي و ابوداود)

ـ نشستن در مسجد بعد از نماز صبح برای ذکر و تلاوت قرآن تا طلوع خورشید؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم هرگاه نماز صبح را می‌خواند، سر جایش می‌نشست تا که خورشید خوب طلوع می‌کرد.(مسلم)

ـ خواندن دو رکعت نماز اشراق؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: هرکس نماز صبح را با جماعت بخواند، سپس نشسته تا بالا آمدن خورشید ذکر خداوند عزوجل را بکند، بعدازآن دو رکعت نماز بخواند، ثواب آن به اندازهٔ ثواب یک حج و یک عمرهٔ کامل خواهد بود.(ترمذي)

ـ سپس دعا کند که خداوند آن روز را برایش روزی پرخیر و برکت بگرداند؛ چنان‌که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در آغاز روز دعا کرده است:

بارالها! از تو خواهان خیر این روز و فتح و پیروزی و نور و برکت و هدایتش هستم و از شر آنچه در آن هست و از شر بعدازآن به تو پناه می‌برم.(ابوداود)

اگر نیاز به استراحت دارد، به نیت ثواب استراحت کند و بخوابد. معاذ رضی‌الله‌عنه گفته است: من همان‌گونه‌که در قیام خود خواهان ثواب هستم، در خواب و استراحتم نیز خواهان ثواب هستم.

ـ رفتن برای کار و یا تدریس و غیره؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: بهترین غذایی که انسان می‌خورد، غذایی است که از دسترنج خویش بخورد و به‌راستی‌که پیامبر خدا داود علیه‌السلام از دسترنج خودش می‌خورد.(بخاري)

ـ در طول روز به ذکر خدا مشغول شود؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: بهشتیان (در بهشت) بر چیزی افسوس نمی‌خورند مگر بر لحظه‌ای که بدون ذکر خداوند گذرانده‌اند.(طبراني)

ـ صدقهٔ روز؛ لحظه‌ای که صدقه را می‌دهد این دعای فرشته را در ذهن خود مرور کند: «اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفاً»؛ بارالها! انفاق‌کننده را جایگزین عطا کن.

۳. وقت ظهر

ـ زود رفتن به مسجد برای برپایی نماز ظهر؛ ابن‌مسعود رضی‌الله‌عنه گفته است: به‌راستی‌که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم به ما سنت‌هایی که سراسر هدایت‌اند، آموخته است و ازجملهٔ سنت‌های هدایت، برگزاری نماز در مسجدی است که در آن اذان داده می‌شود.(مسلم)

ـ بعدازآن به تلاوت و اعمال دیگر مشغول شود و اگر نیاز به استراحت پیدا کرد، مقداری به نیت کسب ثواب استراحت کند؛ چون رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: «إِنَّ لِجَسَدِكَ عَلَيْكَ حَقّاً»؛ به‌راستی‌که بدنت بر تو حقی دارد.

٤. وقت عصر

ـ خوب است که قبل از عصر چهاررکعت خوانده شود؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: خدای عزوجل مرحمت کند کسی را که قبل از نماز عصر، چهاررکعت نماز بخواند.(ابوداود، ترمذي)

ـ گوش فرادادن به موعظه‌ها؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: هرکس به مسجد رود و نیتی جز اینکه خیری فراگیرد و یا خیری را به دیگری آموزش دهد، ندارد، برایش پاداشی همانند پاداش حاجی خواهد بود که حجش کامل شده باشد.(طبراني)

ـ نشستن در مسجد؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: هرکس در خانه‌اش وضو کند و وضو را زیبا و کامل سازد، سپس به مسجد برود، او در مسجد، مهمان خداست و آن‌وقت حتماً خداوند او را اکرام و پذیرایی خواهد کرد.(طبراني)

۵. وقت مغرب

ـ قبل از مغرب به دعا مشغول شود؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: سه گروه‌اند که دعایشان بی‌پاسخ نمی‌ماند، یکی از آنان روزه‌دار است تا لحظه‌ای که افطار کند.(ترمذي)

ـ خوردن افطار با دعای افطار؛ ازجملهٔ دعاهای پیامبر اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم به‌وقت افطار، این دعاست: «ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَثَبَتَ الأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ»(ابوداود)

ـ برگزاری نماز مغرب با جماعت در مسجد و زود رفتن به مسجد و خواندن دو رکعت سنت مؤکده بعد از نماز فرض و خواندن نوافل اوابین؛

ـ نشستن در مسجد و خواندن اذکار؛

ـ حضور در جمع خانواده و ضمن آن مذاکرهٔ مطالب مفید؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: «إِنَّ لِزَوْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا»؛ همسرت بر تو حقی دارد.

ـ آماده شدن برای شرکت در نماز عشا و نماز تراویح.

۶. وقت عشا

ـ زود رفتن به مسجد برای شرکت در نماز جماعت عشا؛

ـ شرکت در نماز تراویح با جماعت؛ رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: هرکس ماه مبارک رمضان را از روی ایمان و نیت ثواب (خالصانه) قیام کند، گناهان گذشته‌اش آمرزیده خواهد شد.(متفق‌علیه)

ـ خواندن نماز وتر؛ رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم فرموده است: آخرین نمازتان را در شب، نماز وتر قرار دهید.(متفق‌علیه)

لیلة القدر فضایل و اعمال

عبدالرحمن گمشادزهی

ماه مبارک رمضان بر سایر ماه‌های سال فضیلت و برتری دارد و دههٔ اخیر آن نسبت به دو دههٔ اول از فضیلت و برتری ویژه‌ای برخوردار است. در دههٔ اخیر رمضان، شب قدر (لیلةالقدر) قرار دارد که عبادت در آن شب، از عبادت هزارماه برتر است. خداوند متعال از آن به بزرگی یاد کرده و سوره‌ای نیز به نام «قدر» نازل فرموده است.

معنای لیلةالقدر

دربارهٔ علت نامگذاری این شب به «شب قدر» اقوال متعددی نقل شده است؛ یکی از معانی آن، عظمت و بزرگی است و به‌خاطر عظمت و بزرگی آن «قدر» نامگذاری شده است. یکی از معانی آن عزت و شرف است، ابوراق می‌گوید: به این شب ازآن جهت لیلةالقدر می‌گویند که بعضی از انسان‌ها بر اثر سستی در اعمال، جایگاه و رتبهٔ معنوی‌شان را از دست می‌دهند و در این شب به سبب توبه، استغفار و عبادت دوباره قدر و منزلت می‌یابند. یکی از معانی آن تقدیر و حکم است، بدین‌معنا که هرآنچه برای همه مخلوقات در تقدیر ازلی تصویب شده، بخشی از آن که مربوط به سال پیش روست، در این شب به فرشتگان سپرده می‌شود تا در طول سال آن را اجرایی کنند.(مظهری،۱۴۲۵: ۲۸۸/۱۰)

تعیین شب قدر

در مورد اینکه شب قدر در ماه مبارک رمضان است هیچ اختلافی نیست، اما در تعیین تاریخ آن در ایام رمضان اختلاف است و در این‌باره اقوال مختلفی نقل شده است؛ مظهری می‌گوید: در مورد تعیین شب قدر چهل قول ذکر شده است، اما صحیح آن است که شب قدر در یکی از شب‌های دههٔ اخیر ماه مبارک رمضان است.(مظهری،۱۴۲۵: ۲۸۹/۱۰) در تأیید این قول احادیثی هم نقل شده است، در حدیثی آمده است:«تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ؛ شب قدر را در شب‌های فرد دههٔ آخر رمضان تلاش کنید.(بخاری:۲۰۱۷)

حضرت عباده از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در مورد شب قدر پرسید، آن‌حضرت فرمود: در شب‌های فردِ دههٔ اخیر رمضان ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۷ و ۲۹ یا در شب آخر رمضان است.(سیوطی، الدر المنثور: ۵۹۸/۸) از این احادیث چنین معلوم می‌شود که شب قدر در یکی از شب‌های فرد دههٔ اخیر رمضان است.

بیشتر علما برآنند که شب قدر، شب بیست‌وهفتم است.(زحیلی:۱۴۰۹: ۵۷۳/۲) این دیدگاه از برخی از احادیث هم تأیید می‌شود، در حدیثی آمده است:«مَنْ كَانَ مُتَحَرِّيًا فَلْيَتَحَرَّهَا لَيْلَةَ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ؛ هرکس می‌خواهد شب قدر را دریابد، آن را در شب بیست‌وهفتم جست‌وجو کند.(بیهقی،سنن‌کبری:۸۸۱۱)

از حدیثی معلوم می‌گردد که در عدم تعیین شب قدر خیری نهفته است، تا مردم در همه شب‌های دههٔ اخیر به عبادت و دعا بپردازند. علامه ابوالحسن ندوی در مورد علت عدم تعیین شب قدر می‌نویسد: حکمت خداوندی و لطفش بر بندگان این بود که این شب در عشرهٔ اخیر رمضان مبهم و پوشیده بماند تا مسلمانان در عبادت تلاش کنند و همت‌شان بالا رود و بیشتر به جست‌وجوی آن بپردازند و همه شب‌های دههٔ اخیر را در قیام و عبادت و دعا سپری کنند؛ همان‌گونه‌که آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم عمل می‌کرد. (ندوی،۱۴۲۰: ۲۰۱)

فضیلت شب قدر

برای اهمیت و برتری این شب، همین قدر کافی‌ست که قرآن کریم در این شب نازل شده است و این شب از هزارماه فضیلت و برتری دارد. امام شاه ولی‌الله دهلوی در مورد فضیلت شب قدر می‌نویسد: در شب قدر نوعی از روحانیت انتشار می‌یابد، ملائکه به زمین فرود می‌آیند، مسلمانان در آن بر عبادت متفق می‌شوند، انوارشان میان‌شان منعکس می‌گردد، و شیاطین از آن‌ها دور می‌شوند، دعاها و طاعات‌شان پذیرفته می‌شود.(دهلوی،۱۳۸۲: ۱۳۹/۲)

آن‌حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم در دههٔ اخیر

بیشتر به عبادت می‌پرداخت و برای یافتن این شب معتکف می‌شد و دیگران را هم تشویق می‌فرمود. در حدیثی آمده است که آن‌حضرت در دهۀ آخر رمضان چنان در عبادت می‌کوشید که در سایر اوقات آنقدر نمی‌کوشید.(مسلم: ۱۱۷۵) در حدیث دیگری از عایشۀ صدیقه رضی‌الله‌عنها روایت است: هنگامی‌که دهۀ اخیر ماه رمضان فرامی‌رسید، رسول اکرم کمر می‌بست و شب را با عبادت بیدار می‌ماندند، و اهل خانه را نیز بیدار می‌کرد.(مسنداحمد:۱۱۰۵)

آن‌حضرت برای عبادت شب قدر بسیار تأکید داشت، در حدیثی آمده است «مَنْ حُرِمَهَا، فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، وَلاَ يُحْرَمُ خَيْرَهَا إِلاَّ مَحْرُومٌ؛ هرکس در این شب از عبادت و بندگی محروم ماند، گویا از همه خوبی‌ها محروم گردید، و از برکاتش محروم نمی‌گردد مگر افراد بی‌توفیق و محروم.»(ابن‌ماجه:۱۶۴۴) در حدیث دیگری آمده است که هرشخص در شب قدر با ایمان و به نیت ثواب قیام نماید، تمام گناه‌های گذشتۀ وی عفو می‌شوند.(بخاری: ۱۹۰۱)

منظور از قیام نمودن این است که نماز بخواند یا در عبادت دیگری مانند تلاوت و ذکر و غیره مشغول شود. منظور از امید داشتن ثواب این است که قیامش برای ریا و تظاهر نباشد، بلکه فقط برای رضای خداوند متعال و نیت ثواب باشد. خطابی می‌گوید: منظور این است که به ثواب یقین داشته باشد و با بشاشت قلب قیام کند، و آن را بار و زحمتی تلقی نکند و با سستی قیام نکند. و این امر واضح است که هر قدر یقین به ثواب بیشتر باشد به‌همان مقدار تحمل مشقت و سختی در عبادت آسان‌تر می‌شود. (تهانوی،[بی‌تا]:۱۷۴) در حدیث دیگری آمده است که در شب قدر حضرت جبرئیل به‌همراه جماعتی از ملائکه می‌آید و برای کسی که ایستاده یا نشسته الله را ذکر می‌کند، دعای رحمت می‌کنند.(بیهقی، شعب‌الایمان: ۳۴۳/۳)

ویژگی‌ها و علائم شب قدر

برای شب قدر علائمی در احادیث ذکر شده است که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

۱. شبیاست روشن، صاف و شفاف؛

۲. در آن شب هوا معتدل است؛ نه زیاد گرم است و نه زیاد سرد؛

۳. در آن شب ماه نور افشانی می‌کند؛

٤. در آن شب تا صبح ستارهایی از آسمان به‌سوی شیطانی پرتاب نمی‌شود؛

۵. در صبح روز بعد، آفتاب بدون شعاع طلوع می‌کند و مانند ماه شب چهاردهم به‌صورت قرصی نمودار می‌شود؛

٦. خداوند متعال آن روز، شیطان را از اینکه با خورشید طلوع کند، منع کرده است؛ برخلاف دیگر روزها. (مسنداحمد:۴۲۵/۳۷)

۷. در شب قدر همه چیز به سجده می‌افتند، انوار همه‌جا را فرامی‌گیرد و سلام ملائکه شنیده می‌شود. (مظهری،۱۴۲۵: ۲۹۳/۱۰)

اما باید دانست که این علائم کلی نیستند و برای همه هم قابل رؤیت نیستند، مفتی محمدشفیع عثمانی رحمه‌الله می‌نویسد: بسیاری در شب قدر، انوار خاصی را مشاهده خواهند کرد، اما نه این برای همه حاصل می‌گردد و نه در تحصیل ثواب و برکات شب قدر نقشی دارد، لذا نباید زیاد به فکر دیدن این علائم بود.(عثمانی، ۱۳۸۸: ۵۹۷/۱۴)

در این شب چه اعمالی انجام دهیم؟

شب قدر برای مؤمن یک فرصت استثنایی و طلایی‌ست که در این شب به توبه، استغفار و عبادت بپردازد و قلب خویش را شست‌وشو دهد و آن را از رذائل اخلاقی بزداید و به فضایل اخلاقی بیاراید. بزرگان، دهۀ اخیر را بیدار می‌ماندند تا شب قدر را دریابند و مورد عفو و بخشش قرار گیرند.

در احادیث انجام عبادات خاصی در این شب نقل نشده است، آنچه در احادیث برای این شب تأکید شده، نماز خواندن و دعا کردن است. حضرت عایشۀ صدیقه از رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وسلّم پرسید که اگر من شب قدر را یافتم، چه دعایی بخوانم؟ آن‌حضرت فرمود: این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي؛ بارالها تو عفوکنندهای و عفو کردن را می‌پسندی، گناه‌های مرا عفو بفرما.(ترمذی:۳۵۱۳)

علامه اشرفعلی تهانوی می‌گوید: عبادت خاصی در این شب تعیین نشده است، کسی که توفیق عبادت در این شب می‌یابد، سعی کند انواع عبادات را انجام دهد؛ به نماز، تلاوت، درود و دعا اهتمام ورزد تا ثواب همه اعمال را کسب کند. در این شب اجتماع گرفتن و سخنرانی کردن گرچه تا حدی مفید است مگر همیشه این‌گونه نباشد.(تهانوی، [بی‌تا]: ۱۹۰)

هرکس در شب قدر نماز عشا و صبح را با جماعت ادا کند، او نیز ثواب آن شب را دریافته است و هرکس هرچه بیشتر عبادت کند، به ثواب بیشتری نائل می‌گردد.(عثمانی، ۱۳۸۸: ۵۹۹/۱۴) در حدیثی آمده است: هر کس مغرب و عشا را تا پایان رمضان با جماعت بخواند از خوبی‌های شب قدر محروم نخواهد شد.(مصنف عبدالرزاق،۱۴۰۳: ۵۲۸/۱) ◆◆

یاد رفتگان

مولانا محمدسالم قاسمی

مولانا محمدسالم قاسمی، مؤسس و رئیس دارالعلوم وقف دیوبند هندوستان، شنبه ۲۵ فروردین ۹۷ دار فانی را وداع گفت.
مولانا محمدسالم زندگی علمی و عملی خویش را با تدریس در دارالعلوم دیوبند آغاز کرد و در مدت کوتاهی در آسمان علم و تربیت درخشید و شاگردان و افراد بسیار زیادی از محضرش بهره‌مند شدند. مولانا محمدسالم استادی برجسته و الگویی موفق در مدیریت زمان و استفاده از فرصت‌ها بود. مولانا در کنار تدریس و تربیت طلاب، به دعوت إلی‌الله نیز اهتمام می‌ورزید و سفرهای دعَوی مختلفی در داخل و خارج هند انجام داد.
گفتنی‌ست مولانا محمدسالم قاسمی رحمه‌الله جزو مهمانان و سخنرانان ویژۀ پانزدهمین همایش دانش‌آموختگی طلاب دارالعلوم زاهدان بود که در سال ۱۳۸۵ برگزار شد.
جملۀ پرمعنا و ماندگاری از ایشان با این مضمون منقول است که: «ازوقتی‌که مسلمانان به‌جای تبلیغ اسلام به تبلیغ مذهب و مسلک و مشرب روی آوردند، اختلافات بین آنها شروع شد. این نقطۀ آغاز انحطاط ما بود.»

ماموستا سید بهاءالدین احمدی

ماموستا سید بهاءالدین احمدی از علمای برجسته و پیشکسوت منطقۀ کردستان چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۹۷ در بیمارستانی در تهران دعوت حق را لبیک گفت.
در پی وفات این عالم بزرگوار، شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید امام جمعۀ اهل سنّت زاهدان طی پیامی نوشت: «درگذشت عالم سرشناس خطۀ کردستان «ماموستا سید بهاءالدین احمدی»، موجب تأسف و تأثر گردید.
بنده درگذشت این شیخ ارجمند را محضر دوستداران و شاگردان ایشان، بالأخص اعضای خانواده مرحوم و عموم مردم دانش‌پرور مناطق کردنشین تسلیت می‌گویم و از بارگاه ایزد منان برای آن مرحوم مغفرت و علوّ درجات و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.»

مولانا مفتی اصغرعلی ربانی

مفتی اصغرعلی ربانی از مدرسان و مفتیان باسابقۀ دارالعلوم کراچی در آخرین روزهای ماه رجب ۱۴۳۹ دارفانی را وداع گفت.
مفتی ربانی رحمه‌الله از علمای متخصص در فقه اسلامی بود و در طول حیات پربرکت خود در دارالإفتای بزرگ دارالعلوم کراچی موفق به ارائه خدمات فقهی و فتوایی بسیاری به جامعه اسلامی شد. نماز جنازه مولانا اصغرعلی به امامت مولانا محمودا‌شرف عثمانی در دارالعلوم کراچی اقامه شد و پیکر ایشان برای تدفین به قبرستان جدید این مرکز علمی انتقال یافت.

حاجی ملا نواب آنشینی

حاجی ملا نواب آنشینی، از علمای قدیمی شهر زاهدان جمعه ۲۴ فروردین سال جاری دار فانی را وداع گفت.
حاجی ملا نواب چهره‌ای خوشنام بود و در علم فقه مهارت ویژه‌ای داشت. ایشان انسانی صلح‌طلب بود و همیشه برای رفع نزاع‌ها و اختلاف‌های مردمی تلاش می‌کرد.

حاجی عبدالکریم براهویی‌نژاد (رخشانی)

حاجی عبدالکریم براهویی‌نژاد، مشهور به «حاجی پیر» والد گرامی مولوی عبدالحمید و مولوی عبدالشکور براهویی‌نژاد، دو تن از استادان دارالعلوم زاهدان، شامگاه پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۹۷ در یکی از بیمارستان‌های مشهد دارفانی را وداع گفت.
اهتمام ویژه به تربیت علمی فرزندان یکی از ویژگی‌های بارز مرحوم حاجی پیر بود. ایشان از شاگردان مولانا شریف‌الله‌خان و مریدان و ارادتمندان مولانا عبدالغنی جاجروی رحمه‌الله بود.

«اللهم اغفر لهم وارحمهم وأكرم نزلهم ووسّع مدخلهم وأبدلهم داراً خيراً من دارهم وأهلاً خيراً من أهلهم.»

دارالعلوم زاهدان؛ نگاهی به خدمات و نیازها

عبدالحکیم شه‌بخش

دارالعلوم زاهدان که بین مردم بیشتر با عنوان «مدرسهٔ مکی» مشهور شده است، یکی از برجسته‌ترین مراکز علمی و آموزشی اهل‌سنت در منطقه و بلکه در کشور است. این مرکز بزرگ دینی و آموزشی که سنگ بنای آن به‌دست مبارک مولانا عبدالعزیز رحمه‌الله سال ۱۳۴۹ شمسی نهاده شد، همواره منبع خیروبرکت برای مسلمانان و حتی هم‌وطنان غیرمسلمان بوده است. دارالعلوم زاهدان هم‌اکنون نماد وحدت و همدلی، اعتدال و میانه‌روی و رمز اتحاد بین اقشار مختلف جامعه است و بدون شک جامعهٔ ایرانی بخش بزرگی از همبستگی و حفظ وحدت خود را مدیون مجموعهٔ دارالعلوم زاهدان و تفکر و منش بزرگان آن است. علاوه‌براین، دارالعلوم زاهدان همه‌ساله مأوی و مرجع صدها طلبهٔ علوم دینی از اقصی نقاط ایران عزیز و کشورهای همسایه است. برنامه‌های آموزشی ـ تربیتی این مرکز علمی باعث شده مسئولین ثبت‌نام در آغاز هر سال تحصیلی با سیل عظیمی از متقاضیان مواجه شوند و به‌علت کمبود جا، از بسیاری عذرخواهی کنند. حدود ۱۵۰۰ طلبهٔ برادر در دارالعلوم زاهدان به‌صورت شبانه‌روزی به فراگیری علم مشغولند و هزینه‌های تحصیل، اقامت، اسکان و غذای آنان بر عهدهٔ حوزه است. نزدیک به هشتصد طلبهٔ خواهر در حوزهٔ ویژهٔ خواهران از چشمه‌های زلال علم و دانش بهره می‌برند. سالانه بیش از ۲۰۰ طلبهٔ برادر و خواهر از این مرکز آموزشی به درجهٔ «مولوی» و «فاضله» نائل می‌شوند و ده‌ها تن دیگر مشرف به تکمیل حفظ قرآن می‌شوند. برگزاری دوره‌های تخصصی در ٦ رشتهٔ تفسیر، تجوید، حدیث، فقه اسلامی، دعوت و فکر اسلامی، ادبیات عرب و تاریخ اسلامی و ادبیات فارسی و روزنامه‌نگاری یکی دیگر از ویژگی‌های دارالعلوم زاهدان است دوره‌هایی که یافتن همانند آنها در مراکز مشابه داخل و خارج کشور دشوار است. این امر بیانگر خوش‌فکری و همت و پشتکار عالی مدیریت و مسئولان آموزشی و پرورشی این حوزهٔ ممتاز است.

فارغ‌التحصیلان دوره‌های عمومی و تخصصی دارالعلوم زاهدان که پس از سال‌ها تلاش و کوشش وارد جامعه می‌شوند، در ردیف بهترین و برترین مدرسان، خطیبان و آموزگاران دینی قرار می‌گیرند. بسیاری از مدارس مطرح سیستان‌وبلوچستان توسط فضلای همین مرکز و یا با راهنمایی‌های بزرگان آن اداره می‌شوند و در زمرهٔ مدارس موفق به‌شمار می‌آیند.

از بخش‌های متعدد این مرکز آموزشی، دفاتر مدیریت، معاونت آموزشی، اداری، دارالإفتا، دارالتحکیم، خیّرین، حسابداری، بخش فرهنگی، مطالعات و تحقیقات، شورای هماهنگی مدارس (برادران)، شورای هماهنگی مدارس ویژهٔ خواهران، مجلهٔ ندای اسلام، سایت سنی‌آن‌لاین، مجلهٔ عربی الصحوة الإسلامیة، امور دانشجویی، شورای دانش‌آموزی، دارالتحفیظ، دارالتربیه، کتابخانهٔ مرکزی، خوابگاه دانش‌آموزان، خوابگاه دانشجویان، مدرسة البنات حضرت عایشهٔ صدیقه رضی‌الله‌عنها، مهد کودک و پیش دبستانی «روضة الأطفال مکی»، درمانگاه خیریهٔ شبانه‌روزی حضرت خدیجهٔ کبری رضی‌الله‌عنها، مؤسسهٔ خیریهٔ محسنین و صندوق قرض‌الحسنهٔ عزیزیه قابل ذکر هستند. برخی از این دفاتر و بخش‌ها دارای شعبه‌هایی در سطح شهرستان زاهدان هستند.

دارالعلوم زاهدان از نظر مالی به هیچ سازمان حکومتی و یا خصوصی در داخل و خارج کشور وابسته نیست. این استقلال هم مالی است و هم فکری. اساس این استقلال، که درواقع یکی از رازهای موفقیت آن نیز است، به اصولی برمی‌گردد که مؤسسان این سلسله مدارس آنها را طراحی و اجرا کرده‌اند تا موفقیت علمی ـ آموزشی این مدارس تضمین شود. برهمین‌اساس است که متصدیان این نوع مدارس در مقابل تطمیع‌ها و تهدیدها توانسته‌اند ایستادگی نشان دهند و نان خشک مردم را بر نان چرب دیگران ترجیح بدهند.

چند سالی است به‌منظور جمع‌آوری کمک‌های مردمی دفتر امور خیّرین مشترک دارالعلوم زاهدان و مسجد مکی راه‌اندازی شده است. هدف از تأسیس این دفتر، مشارکت دادن اقشار مختلف جامعه در پیش‌برد اهداف والای حوزه و مسجد است. چنانکه صندوق‌هایی در سطح شهرستان زاهدان توزیع گردیده تا مردم دین‌دوست و علم‌پرور بتوانند در حد توان خود مشارکت داشته باشند.

گفتنی‌ست با توجه به اوضاع نابه‌سامان اقتصادی کشور، مرکز مردم‌محوری همچون دارالعلوم زاهدان با مشکلات مالی کم‌سابقه‌ای مواجه است. از طرفی پروژه‌های عمرانی در بخش مسجد و حوزه در حال اجرا است و وام‌های زیادی بر دوش حوزه سنگینی می‌کند. امید است خیّرین محترم با اختصاص دادن بخش‌هایی از وجوه شرعی و صدقات خود به دارالعلوم زاهدان و نیز مسجد مکی که متولی آن همین مرکز علمی ـ آموزشی است، پاداش فراوان انفاق فی سبیل‌الله را به‌دست آورند. قطعاً این مشارکت مردمی که تنها منبع درآمد دارالعلوم است، موجب تقویت و تداوم فعالیت‌های خیرخواهانهٔ آموزشی، علمی، فرهنگی و اجتماعی دارالعلوم مکی زاهدان خواهد شد.

فرصتی طلایی برای صدقهٔ جاریه با مشارکت مالی
در طرح توسعه و بازسازی مسجد جامع مکی و دارالعلوم زاهدان

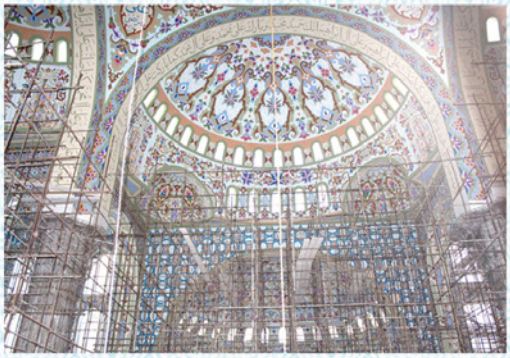

شماره حساب‌ها و کارت‌های مسجد

بانک ملت: ۶۹۰۱۰۲۹۳۵۷ ـ ۶۱۰۴۳۳۷۷۴۲۱۶۳۵۷۷

بانک ملی: ۰۱۰۶۶۵۵۷۶۲۰۰۷ ـ ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۰۷۱۷۶

بانک صادرات ایران: ۰۱۰۱۸۲۰۰۳۱۰۰۱ ـ ۶۰۳۷۶۹۱۹۸۰۰۱۵۱۱۹

صندوق قرض الحسنه عزیزیه: ۵۴

شماره حساب‌ها و کارت‌های حوزه

بانک ملت: ۷۱۷۷۵۷۹۵۱ ـ ۶۱۰۴۳۳۷۱۳۵۱۵۷۲۱۰

بانک ملی: ۰۱۰۶۶۵۵۷۶۴۰۰۳ ـ ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۰۷۱۶۸

بانک صادرات ایران: ۰۱۰۱۰۴۵۸۹۷۰۰۸ ـ ۶۰۳۷۶۹۱۹۸۰۰۱۵۱۲۷

صندوق قرض الحسنه عزیزیه: ۳۵

دفتر خیّرین مشترک حوزهٔ علمیهٔ دارالعلوم و مسجد جامع مکی زاهدان

تلفن تماس: ۳۳۴۴۱۷۱۴ ـ ۰۵۴